



پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قانون  
پروگرام ماستری فقه و قانون



دولت جمهوری اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
ریاست امور محصلان خصوصی

# تأمین نفقات در جامعه اسلامی

رساله ماستری

محصل: مجیب آغا " موحد "

استاد رهنما: پوهنمل دکتور عبد الله " حقیر "

سال ۱۳۹۶ هـ ش - ۱۴۳۹ هـ ق



پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قانون  
پروگرام ماستری فقه و قانون



دولت جمهوری اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
ریاست امور محصلان خصوصی

# تأمین نفقات در جامعه اسلامی

رساله ماستری

محصل: مجیب آغا "موحد"

استاد رهنما: پوهنمل دوکتور عبد الله "حقیار"

سال: ۱۳۹۶ هـ ش - ۱۴۳۹ هـ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دپارتمنت فقه و قانون

بورده ماستری

## تصدیق نامه

محترم مجیب آغا ولد میر اعظم شاه ID نمبر Sh-msf-95-200 (از دور چهارم فقه و قانون) از پایان نامه ماستری خویش زیر عنوان: تأمین نفقات در جامعه اسلامی به روز پنجشنبه تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۸ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و از نظر هیأت ژوری مستحق ۸۰ (نمره به عدد) هستاد پوره (نمره به حروف) گردید، موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

امضاء اعضای هیأت ژوری:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور عبد الباقي امين	عضو هیأت	
۲	استاد وزير محمد سعیدی	عضو هیأت	
۳	دکتور عبد الله حقیار	رهنما و رئیس جلسه دفاعیه	

..... معاون علمی

..... آمر بورده ماستری

## اهداء

### به والدین گرامی ام!

از آنجای که سبب وجود و مایه افتخار هر انسان پدر و مادرش هستند و پدر و مادرم از آوان آغاز زندگی در قسمت پرورش و تربیه ام زحمات زیادی را متحمل شده اند و از اینکه پدر عزیزم در زمان طفولیتم وفات نموده و مرحومی قبل از وفات، تکلیف شان را در مورد من با فراهم آوری تامین نفقه و لباس اداء نموده اند، با دعای خیر و طلب مغفرت، از خداوند جل جلاله می خواهم روح شان را از ما شاد گرداند، اما مادر مهربانم که تا اکنون از نعمت حیات برخوردار است و زمینه تعلیم و تحصیل را برایم فراهم نموده، رنج و مشقت فراوانی را متحمل شده، مرا مورد لطف و مهربانی شان قرار داده اند، در هر لحظه زندگی یاری ام نموده اند، [امید وارم خداوند جل جلاله برای شان طول عمر صحت و عاقبت نصیب نماید، همچنان زندگی راحت بعد از مرگ را برای شان نصیب فرماید]، این رساله علمی ام را به عنوان صدقه جاریه به هر دو بزرگوار اهداء می نمایم و از بار گاه ایزد منان استدعا دارم تا ایشان، من و سایر مومنین را شامل رحمت خویش سازد.

والسلام

مجیب آغا (موحد)

## سپاس گذاری

قبل از همه خداوند منان را سپاس گذارم که با اعطای نعمت‌های فراوانش، به بنده حقیر توفیق خواندن و نوشتن را عنایت فرمود و فرصت این را برایم مساعد ساخت تا با نوشتن چند سطر تکلیف پایان دوره محصلی‌ام را رفع نموده موضوع مورد بحث خویش را در روشنی احکام نظام اجتماعی اسلام بررسی و رساله‌ای را در زمینه آماده نمایم.

بنا به فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم (من لم یشکر الناس لم یشکر الله) کسی که شکر و سپاس مردم را به جا نیاورد، شکر و سپاس الله جل جلاله را به جا نیاورده است، لازم میدانم تا از هیأت محترم رهبری وزارت تحصیلات عالی اظهار سپاس و قدر دانی نمایم که زمینه تحصیل دوره ماستری را به علاقه‌مندان و دانش‌آموزان در پوهنتون‌های معیاری دولتی و خصوصی کشور فراهم نموده‌اند، همچنان جا دارد که از هیأت رهبری و منسوبین پوهنتون محترم سلام، اعضای محترم کمیته و بورد ماستری نیز در این زمینه اظهار امتنان نمایم. و از همه استادان گرانقدر پوهنتون مذکور که افتخار بخشیده در قسمت تدریس، آموزش و بیداری اولاد وطن سهم فعال و برارنده داشته و بنده نیز در این دوره تحصیلی نه تنها از تدریس بلکه از رهنمودهای علمی ایشان استفاده قابل ملاحظه‌ای را نموده‌ام، به ویژه از استاد محترم پوهندوی دکتور عبدالله حقیر که در نگارش و رهنمایی رساله حاضر از هیچ گونه همکاری دریغ نورزیده‌اند، از ایشان سپاس گذارم. هکذا از اعضای محترم خانواده، دوستان نهایت صمیمی و همکاران عزیزم که از توصیه و رهنمایی‌های سودمندشان در تکمیل این رساله بهره‌جسته‌ام نیز سپاس گذاری نموده از خداوند منان استدعا می‌نمایم که برای همه عمر طولانی نصیب و توفیق عمل صالح را عطا نماید.

و در اخیر امیدوارم که علاقه‌مندان علم و دانش شرعی به خصوص خانم‌ها و آقایانی که تشکیل خانواده داده‌اند، افراد صاحب فرزندان صغار، فرزندان که پدر و مادر سالمندشان را با خود دارند و همه افراد جامعه که دارای اقربای دور یا نزدیک بی‌بضاعت، فقیر، معلول و ناتوانی‌اند و اقشار دیگری که هرکدام از این ناحیه مسؤلیتی در جامعه دارند، بتوانند در راستای حل مشکلات موجوده جامعه افغانی استفاده نمایند.

بااحترام

مجیب آغا موحد

## خلاصه بحث

تحقیق حاضر به منظور روشن کردن تکالیف و مسوولیت‌های افراد جامعه و دولت برای تامین بهتر نفقات افراد مستحق (دریافت کننده نفقه) از دیگران انجام یافته و با در نظر داشت اهمیت موضوع دسته‌بندی آن‌ها، در یک مقدمه، سه فصل، نتیجه‌گیری و پیشنهادات تنظیم گردیده است که هرکدام از فصل‌ها دارای مباحث و مطالب خاصی خود اند، در اخیر نتایج تحقیق، پیشنهادها، فهرست آیات قرآن کریم، فهرست احادیث نبوی، فهرست اعلام و فهرست منابع و مأخذ ترتیب گردیده است. در فصل اول مسایل مربوط به تامین نفقات خانواده (زوجه و اولاد) که از لحاظ حکم واجب و از لحاظ دسته بندی در چوکات خانواده قرار دارند، موضوع در روشنی اوامر و نصوصی صریح شریعت اسلامی به تحقیق گرفته شده است، در فصل دوم نفقات اختیاری یا تکافل اجتماعی که بیشتر به نفقات خارج از دایره خانواده قرار دارد، در پرتو تشویق و ترغیب وارده در آیات و احادیث و نظریات صاحب نظران اسلامی در زمینه، مورد مطالعه قرار گرفته است و در فصل سوم مسوولیت دولت به عنوان حامی و مدافع حقوق جامعه، در برابر نفقات فقراء، بی سرپرستان، مجانین، پودری‌ها (معتادین) و غیره افراد نیازمند. با در نظر داشت دستورات صریح قرآنی به پیامبر اسلام، به حیث رئیس حکومت اسلامی و بادر نظر است سیره و عملکرد شخص پیامبر، خلفای راشدین و اجتهادات انجام شده در زمینه مورد بررسی قرار گرفته است

نظام اجتماعی اسلام به ارتباط تامین نفقات در جامعه یک نظام کامل بوده و اصول عادلانه‌ای را در زمینه وضع نموده است به گونه ای که همه افراد جامعه و دولت اسلامی تکلیف شان در این زمینه واضح و روشن گردیده و مشخص شده است که در چه حالتی و در کجا چه کسی چه مسوولیت دارد. اسلام به طور فشرده این مسوولیت را در میان افراد جامعه برای تحکیم بیشتر امور اجتماعی و وحدت اسلامی توزیع نموده و بر اساس اصول اسلامی نفقه افراد در جامعه اسلامی به طریقه ذیل تامین می‌گردد:

- نفقه اولاد صغار را بر ذمه پدر و نفقه خانم را بدوش شوهرش گذاشته است
- مخارج هر شخص در صورتی که دارای مال باشد از مال خودش تامین می‌گردد
- اقارب و خویشاوندان را به اساس قرابت، و به اساس قاعده های *الْخَرَاجُ بِالضَّمَانِ* و *الْعُرْمُ بِالْعُنْمِ* (نفع در مقابل ضرر) مکلف به پرداخت مخارج اقربای نیازمند شان ساخته است.
- اسلام برای تامین نفقه اقارب به اساس رعایت صلّه رحمی و احسان تاکید نموده است
- به انفاق از مال محبوب و مرغوب جهت کسب ثواب تشویق نموده است و این گونه انفاق بلا مانع بر هر شخص نیازمند صورت گرفته می‌تواند چه از اقارب و غیر از اقارب باشند با ارجحیت به انفاق بر اقارب.
- دولت را نیز به اساس قاعده‌های *الْخَرَاجُ بِالضَّمَانِ* و *الْعُرْمُ بِالْعُنْمِ* (نفع در مقابل ضرر) مکلف ساخته است تا به مشکلات و نیامندی‌های افراد بی بضاعت، مجانین، پودری‌ها و سایر نیاز مندان بی‌سرپرست رسیدگی نماید به این معنی هرگاه شخص دارای ثروت وفات نماید که از خود اقارب و میراث خوری به جا نمانده باشد، دولت وارث آن پنداشته شده مال و دارایی او به بیت المال می‌رود از این سبب است که دولت در صورت نبود اقارب و میراث خور افراد بی بضاعت، مجانین، پودری‌ها و سایر نیاز مندان بی‌سرپرست مسوول تامین نفقه آنها شناخته شده و اسلام دولت را مأمور به فراهم آوری زمینه معیشت و تامین نفقه آنها نموده است.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
فصل اول	
۷	تأمین نفقات خانواده
۸	مبحث اول
۸	پرداخت نفقات خانواده (زوجه و اولاد) در اسلام
۸	مطلب اول
۸	پرداخت نفقات الزامی و دلایل آن
۲۷	مطلب دوم
۲۷	نفقه زوجات
۲۹	مطلب سوم
۲۹	نفقه اولاد
۳۲	مطلب چهارم
۳۲	کیفیت و مقدار نفقه
۳۳	مبحث دوم
۳۳	نفقات زنان هنگام پایان زندگی مشترک
۳۵	مطلب اول
۳۵	نفقه زنان در مدت عدت طلاق یا فسخ عقد
۳۹	مطلب دوم
۳۹	نفقه زنان در مدت عدت وفات
۴۱	مطلب سوم
۴۱	حالات سقوط نفقات زنان
۴۱	مبحث سوم
۴۱	نفقات خویشاوندان و اقارب
۴۲	مطلب اول
۴۲	نفقات پدر و مادر
۴۸	مطلب دوم
۴۸	نفقات اصول غیر از پدر و مادر (اجداد وجدات)
۵۴	مطلب سوم
۵۴	نفقات فروع غیر از پسر و دختر (نواسه ها)



مطلب چهارم	۵۶
نفقة برادران و خواهران	۵۶
مطلب چهارم	۵۸
کیفیت و مقدار نفقات	۵۸
مطلب پنجم	۶۲
حالات سقوط نفقات	۶۲

## فصل دوم

نفقات اختیاری یا تکافل اجتماعی	۶۵
مبحث اول	۶۸
موارد تامین هزینه های اجتماعی	۶۸
مطلب اول	۶۹
نفقات قرضدار	۶۹
مطلب دوم	۷۵
نفقات مسافر	۷۵
مطلب سوم	۷۷
نفقات همسایه	۷۷
مطلب چهارم	۸۱
نفقات ضیافت	۸۱
مطلب پنجم	۸۵
خود کفایی امت اسلامی	۸۵
الف: تشویق به کسب و کار	۸۵
ب: مکلف ساختن دولت برای فراهم کردن زمینه های کارگری	۸۷
ج: پرداخت مخارج هر شخص از مال خودش	۸۸
د: تشویق به تکافل اجتماعی	۸۸
ه: تشویق به انفاق	۸۸
و: پرداخت زکوة، عشر و دیگر واجبات مالی در اسلام	۸۸
ز: مکلف ساختن اقرباء به پرداخت مخارج اقربای نیازمند	۸۸
ح: مکلف ساختن دولت برای رسیدگی به مشکلات نیازمندان بی سرپرست	۸۸

## فصل سوم

مسؤولیت دولت در برابر نفقات فقراء، بی سرپرست، مجانین، بندی ها، معتادین	۸۹
مبحث اول	۹۱

۹۱	..... واجبات دولت در تامین نفقات
۹۲	..... مطلب اول
۹۲	..... نفقات فقراء
۹۳	..... مطلب دوم:
۹۳	..... نفقات لاوارث (بی سرپرست)
۹۴	..... مطلب سوم
۹۴	..... نفقات مجانین (دیوانه‌ها)
۹۵	..... مطلب چهارم
۹۵	..... نفقات بندی‌ها
۱۰۵	..... نتیجه گیری
۱۰۸	..... پیشنهاده‌ها
۱۰۹	..... فهرست آیات های قرآنی
۱۱۰	..... فهرست احادیث نبوی
۱۱۲	..... فهرست اعلام
۱۱۷	..... مراجع و مصادر
۱۲۹	..... Summary of the Research

## مقدمه

الحمد لله رب العلمين، والصلاة والسلام على سيد الاولين والآخرين سيدنا محمد وعلى آله ومن اهتدى بهديه الى يوم الدين.

سپاس بی‌قیاس از پروردگار عالمیان که این بنده کمینه را توفیق عنایت فرمود تا بحث نفقات را از منظر شریعت اسلامی مورد بررسی قرار داده و برای توسعه یکی از مباحث و احکام اسلامی در حد توان زحماتی را متقبل شوم.

و درود بی‌پایان بر سردار انبیاء خاتم پیامبران که با رهنمودهای قولی و سیره عملی خویش نه تنها که قواعد اساسی احکام اسلام و از جمله نفقات را بیان کرد که آنرا به صورت زنده تمثیل نمودند و بریاران و پیروان ایشان که از روی علم و ایمان نه تنها روش ایشان را تعقیب کردند که با اجتهاد و کوشش‌های علمی خویش ابعاد و زوایای آنرا واضحت ساخته و برای مسایل نازله جدید در روشنی قرآن و سنت پاسخ‌های شرعی ارائه نمودند.

### معرفی موضوع:

انسان یک موجود اجتماعی است که بدون داشتن ارتباط با دیگران نمی‌تواند زندگی خوبی داشته باشد، بدین لحاظ موجودیت ارتباط در میان اعضای جامعه اسلامی به ویژه اقارب و خویشاوندان که به عنوان یک جامعه کوچک محسوب می‌شوند، یک امر ضروری پنداشته میشود، هرگاه تامین نفقات افراد ناتوان که دارای اقتصاد کافی نبوده و خود قادر به تامین نفقات از بودجه شخصی شان نباشند و یا به سبب از اسباب توانایی کسب و کار را نداشته باشند و یا هم نفقات شان به کدام دلیل دیگری بدوش یک شخص معین باشد، در زندگی افراد تاثیر به سزای دارد، بناءً انجام معاملات و تامین مسایل اقتصادی به یک روش قانونمند و اصولی نیاز دارد تا افراد جامعه از طریق این روش، بتوانند امور مربوط به مسایل مالی که از موضوعات مهم زندگی تلقی می‌شود، به خوبی تنظیم نمایند. از این رو لازم و ضروری دانسته می‌شود تا چگونگی تامین اینگونه نفقات واضح گردد و سوال‌های که در این مورد مطرح می‌شود پاسخ داده شود. لذا شناخت مستحقین دریافت نفقه از دیگران، درک و فهم حقوق و وجایبی آنها، مسؤولین پرداخت نفقات، مکلفیت اقارب دور و نزدیک و مکلفیت دولت در تامین نفقات از اهمیت خاصی برخوردارند.

باتوجه به نکات فوق می‌توان گفت که تامین نفقات یک مشکل اقتصادی بوده و با توجه به اینکه زندگی انسانها که از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از هم دیگر متفاوت اند، نیاز به

یک تحقیق همه جانبه است تا ابهامات در این مورد رفع، حدود و مسوولیت ها مشخص شده و به مشکلات موجوده رسیدگی صورت گیرد.

### اهمیت موضوع:

نفقه از جمله احکامی است که اسلام آنرا برای تأمین مایحتاج اشخاص صغار، سالمندان، معلولین، افراد ناتوان و مردمان بی‌بضاعت و بی‌سرپرست در جهت ادامه و تضمین حیات آبرومندانه و حفظ حیثیت شان در جامعه پیش‌بینی کرده است. نفقه از ضروریات حیات انسانی است و هر فرد انسانی در هر حالت در هر سن و سالی نیازمند نفقه است، نفقه شامل همه مخارجی است که برای ادامه حیات آبرومندانه در جامعه ضروری بوده و نقش اساسی در حفظ نظام زندگی ایفاء می‌نماید. از همین جهت است که اسلام به حیث دین کامل بشری به این مسأله به گونه جدی توجه کرده و به تفصیل مباحث مربوط به نفقه را بیان داشته است. لذا نفقه در اسلام یکی مباحث اساسی و کلیدی در نظام اجتماعی است. این مسأله آنقدر در حیات اجتماعی و اسلامی مهم است که اگر به آن توجه لازم صورت نگیرد عواقب ناگواری را در جامعه در پی خواهد داشت و زمینه را برای جرایم گوناگون نیز فراهم خواهد ساخت و در مواردی هم اگر افراد مکلف به پرداخت نفقه، مکلفیت خویش را در زمینه انجام ندهند، شاید حیات آن‌ده افراد به خطر مواجه شود که نفقه شان بر آنها واجب است، به طور مثال اگر یک شیخ فانی که توان بیرون شدن برای قضای حاجتش را هم نداشته باشد، در نظر بگیریم و شخص مکلف به پرداخت نفقه وی به مکلفیت‌اش در زمینه عمل نکند، لزوماً حیات او در خطر قرار خواهد گرفت.

در هر صورت انسان موجود زنده‌ای است که برای حفظ حیات و سلامت وجودش نیاز به غذا و تأمین مجموع ضروریات وجودش دارد و برای حفظ عفت و ستر عورت و محافظت از گرما و سرما، تأمین آسایش و رفع خستگی و ادامه حیات آبرومندانه نیازمند پوشش و مسکن نیز می‌باشد و همین ضروریات اصلی حیات اجتماعی است که در اسلام تحت عنوان نفقه مطرح شده است. و از آنجایی که اسلام به کرامت و شرافت انسانی به صورت اساسی توجه داشته است و چون کرامت انسانی هم نمی‌تواند بدون تأمین ضروریات اساسی حیات انسانی به گونه لازم محافظت گردد، اسلام تکلیف این مسأله را روشن نموده و به منظور تأمین همه ضروریات حیات و حفظ کرامت انسان، احکام مربوط به نفقات را وضع نموده و مسلمانان را در حیات اجتماعی شان مکلف به تطبیق آن ساخته است.

پرداخت مصارف و نفقه اقارب و افراد ناتوان در یک جامعه اسلامی موضوع مهم در بخش اقتصاد بوده که از طرف اقارب توانمند پرداخته می‌شود، اما متأسفانه تعدادی از افراد جامعه

به این مسؤلیت توجه ننموده، نسبت عدم آگاهی، در پرداخت نفقه برخی افراد، اختلاف دیدگاه میان اعضای خانواده ها به وجود آمده، سپس باعث نزاع و کشمکش های بی موجب گردیده در چنین وضع کیان خانواده‌ها از بین می رود، از طرف دیگر حقوق و وجایب افراد ضایع شده باعث ایجاد نفرت، کینه، بغض و عداوت های مستمر میان اعضای خانواده می‌گردد که این برخوردها یک مشکل اجتماعی و ناشی از خلاء تحقیقاتی بوده و از طرف دیگر کدام کتاب و رساله مستقل در این مورد تحریر نگردیده است. گرچه این مسأله به زبان عربی در کتب فقه اسلامی به شکل متفرق بیان گردیده و احادیث هم در ابواب و کتاب های مختلف وجود دارد، اما به شکل کتاب مستقل و به زبان های ملی نوشته نشده که قشر جوان و تحصیل کرده از آن استفاده نمایند از طرف دیگر طبق مقررات وزارت محترم تحصیلات عالی محصلان دوره ماستری مکلف به تحریر و دفاع موفقانه تیزس در پایان دوره تحصیلی شان می باشند با توجه به اهمیت و ضرورت موضوع خواستم رفع تکلیف محصلی نموده ضمناً با در نظر داشت میزان نیاز جامعه موضوع تحقیق خویش را تحت عنوان (تامین نفقات در جامعه اسلامی) انتخاب نمایم تا در قدم نخست به معلومات خود افزوده و با تقدیم این رساله علمی و تحقیقی با استفاده از روش های تحقیق معاصر که بتواند قسماً خلاء های تحقیقاتی را در مورد پر و مصدر خدمت به جوانان و تحصیل کرده های این جامعه گردم.

### اسباب اختیار موضوع:

بدر نظر داشت مسایل ذیل بنده علاقه‌مند آن گردیدم تا موضوع «تامین نفقات در جامعه اسلامی» را به حیث تیزس ماستری‌ام انتخاب نموده و در حد توان علمی‌ام در بررسی آن صرف نمایم.

۱. نگاهی عمومی به وضعیت موجود اقتصادی افراد جامعه که اکثراً زیر خط فقر زندگی می نمایند و نمی توانند نفقه شبانه روزی خود و خانواده های شان را به صورت درست از مدرک حلال تامین نمایند چه رسد به این مسأله که مسؤلیت شان را از بابت تامین نفقه سایر اقارب و خویشاوندان مستحق شان اداء نمایند.

۲. مشاهده وضعیت موجود تعدادی از خانواده ها که در یک وضعیت بد اقتصادی قرار دارند واز نداشتن نفقه شبانه روزی به دلایل مختلف مانند نبود کار برای مسوولین خانواده ها و یا هم پودری شدن مسوول خانواده ها (پدر فرزندان و شوهران خانم ها) فرزندان صغار و خانم های شان

از بابت عدم موجودیت نفقه لازم رنج برده، اقربای مسؤول درجه بعدی از ایشان به خوبی سرپرستی نمی نمایند

۳. تعداد از پدران و مادران کهن سال ضعیف و ناتوان با آنکه دارای فرزندان متعدد اند، اما نفقه شان از جانب اولادهای شان نسبت اینکه خود روزگار خوبی ندارند به درستی تامین نمی گردد و ایشان در وضعیت بد اقتصادی قرار می گیرند، همچنان از جانب دولت برای تامین نفقه سالمندان بی بضاعت و بی سرپرست کدام جای مشخص در نظر گرفته نشده است که به مشکلات صحتی و اقتصادی شان رسیدگی به موقع صورت گیرد.

۴. عدم تطبیق درست احکام اسلامی از جانب دولت و نبود برنامه اقتصاد اسلامی که پاسخگو به مشکلات موجود جامعه باشد.

۵. فقر، بیکاری و اعتیاد روز افزون مواد مخدر که مردم و خانواده ها دامن گیر آن اند و همچنان کمبود همکاری تعاون و تکافل اجتماعی در میان اقشار مختلف جامعه.

۶. نداشتن آگاهی تعدادی از همشریان از احکام اسلامی در مورد تامین نفقه خانواده، اقارب و خویشاوندان و سایر افراد بی بضاعت و بی سرپرست جامعه.

معطوف به نکات فوق، خواستم رساله ماستری خویش را با توجه به مشکلات موجود در جامعه افغانی تحت عنوان تامین نفقات در جامعه اسلامی انتخاب نمایم

### سوالات اصلی تحقیق:

۱. تامین نفقات در جامعه الزامی است یا اختیاری؟ آیا اقارب نزدیک توانمند مکلف به پرداخت نفقات اقارب و خویشاوندان ناتوان شان هستند یا خیر؟
۲. اقارب چه کسانی اند و شیوه های تامین نفقات در اسلام کدام ها اند؟
۳. در تامین نفقات اقارب، خویشاوندان و افراد ناتوان تکافل اجتماعی است یا خیر و پرداخت نفقات اقارب چه گونه است؟
۴. آیا در نظام اجتماعی اسلام اصول و قواعدی وجود دارد که بتواند موارد مالی را تنظیم نماید؟

۵. در نظام اجتماعی اسلام دولت مسوولیت تامین نفقه را دارد یا خیر اگر دارد به چه کسانی و در چه زمانی

### پیشنه تحقیق

برای آگاهی از پیشینه تحقیق لازم است یک محقق قبل از انتخاب موضوع تحقیق، فهرست کتابخانه های عمومی، فهرست کارهای تحقیقی موسسات تحقیقاتی و اکادمیک را ملاحظه و در

انترنت جستجو نماید، تا موضوعی را که انتخاب می نماید تکراری نبوده و مطابق نیاز جامعه بکر و جدید باشد و نتایج آن حل یک مشکل را نموده و به سوالات مطرح شده پاسخ ارایه کرده بتواند. با نظر داشت مراتب فوق و مروری بر مستندات یاد شده موضوع تامین نفقات جامعه اسلامی را انتخاب نمودم، زیرا پیرامون این موضوع تا کنون کدام تحقیقی به شکل رساله مستقل و به زبان های ملی افغانستان به ملاحظه نرسیده است.

هرچند فقهای اسلام تحقیقات علمی را در مورد انجام داده اند که در کتاب های فقهی به شکل متفرقه در ابواب و فصل ها موضوع مورد بحث قرار گرفته است همچنان رساله های مستقل به زبان عربی زیر عنوان های (نفقات الاقارب فی الشریعة الاسلامیه) تالیف دکتور ایمان مصطفی، (النوازل فی نفقات الاقارب) رساله ماجستر فی الرياض، (کتاب النوازل فی نفقات الاقارب) الموسوعة الفقهیه، (نفقات الاقارب فی الفقه الاسلامی) هم در مورد نوشته شده که به جز از طبقه خاص (دانشمندان)، عام مردم مخصوصاً کسانی که به زبان عربی آشنائی ندارند کمتر می توانند از آنها استفاده نمایند، اما به زبان های ملی کدام رساله مستقل در این مورد تحریر نگردیده است که همه گان بتوانند از آن استفاده اعظمی نمایند. با توجه به نکات یاد شده ( نبود رساله مستقل تحقیقی به زبان های ملی) ایجاب می نماید تا پیرامون موضوع تحقیق همه جانبه علمی صورت گیرد.

### مواد و روش تحقیق:

در این تحقیق، معلومات و اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه ای گرد آوری گردیده و در بخش ارایه معلومات از روش توصیفی- تحلیلی و در مواردی هم از روش مقایسوی استفاده شده است. با در نظر داشت روش یاد شده، معلومات و دلایل مربوط به موضوع تحقیق جمع آوری و سپس دسته بندی و به تحلیل و گاهی هم به مقایسه آنها پرداخته شده تا با دریافت نتایج علمی حقیقت مسأله روشن گردد. همچنان کوشش به عمل آمده تا در استفاده از منابع امانت داری کاملاً حفظ و در ارایه معلومات از عبارات سهل و آسان به شکل عام فهم استفاده صورت گیرد.

### اهداف تحقیق:

۱. بررسی و شناسایی درست افراد مستحق دریافت نفقه از دیگران و افراد مسؤل پرداخت نفقه در روشنی احکام اسلام.
۲. بررسی شیوه های پرداخت و تامین نفقه افراد جامعه در سطوح مختلف.
۳. تنظیم بهتر امور مربوط به خانواده، دولت و جلوگیری از ضایع شدن حقوق افراد مستحق دریافت کننده نفقه.

۴. ارایه معلومات به افراد، غرض رفع اختلافات میان افراد جامعه در رابطه به مسؤولیت پرداخت نفقه.

### مشکلات تحقیق (محدودیت های تحقیق)

مسلم است که تحقیق هر موضوع با در نظر داشت شرایط زمان و مکان و هر نگارنده محدودیت‌ها و مشکلات خاص خودش را دارد که موضوع «تأمین نفقات در جامعه اسلامی» نمی‌تواند از آن مستثنا باشد. مشکلات که در تحقیق این موضوع در سر راه بنده قرار داشته است در دو بعد خلاصه می‌شود. اول مصروفیت‌های اجتماعی، محدودیت‌های اقتصادی و وظیفوی و تکالیف مربوط به آن که فرصت کار مناسب را از من گرفته بود که از این ناحیه بسی مشکلاتی را سپری نمودم. دوم از لحاظ علمی، امکانات ارایه یک تحقیق فوق العاده معیاری بادر نظر داشت توان علمی‌ام و محدود بودن منابع به زبان‌های ملی و نبود فرصت و مهارت کافی برای ترجمه از زبان‌های دیگر، برایم فراهم نبوده و از جمله محدودیت‌ها فرا راه بررسی موضوع حاضر بوده است.



فصل اول  
تأمين نفقات خانواده

خانواده رکن اساسی جامعه اسلامی است که اسلام توجه خاصی را به آن معطوف داشته است. نظام اجتماعی اسلام برای اینکه خانواده سالم مطابق احکام اسلامی تشکیل شود، پیش از آن برای هر زن و مرد مسلمان تأکید کرده است که معیارهای انتخاب همسر و ازدواج اسلامی را در نظر داشته باشند. نظام اجتماعی اسلام نه تنها که به موضوع چگونگی ازدواج و تشکیل خانواده توجه داشته بلکه به ادامه حیات خانواده و مسایل مرتب بر آن پس از شکل گیری خانواده نیز توجه داشته، احکام و راه حل های را در جهت حل مشکلات، اجتماعی و اقتصادی خانواده نیز پیش بینی کرده است. در نظام اجتماعی اسلام در مورد مسئولیت ها، حقوق و وجایب هریک از والدین و فرزندان بحث های مفصلی وجود دارد. تامین نفقه خانواده یکی از مسایل اقتصادی خانواده است که اسلام احکام خاص و روشنی در زمینه وضع نموده است.

از آنجای که خانواده هر شخص متشکل از زوجه و فرزندان است در این فصل در آغاز پس از بررسی کلی مفهوم و انواع خانواده به ترتیب نفقه زوجه، فرزندان، ثبوت و حالات سقوط نفقه به ترتیب مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. برای اینکه موضوعات مربوط به نفقه خانواده به درستی درک گردد، نیاز است که یک اندازه در رابطه به خانواده نیز معلومات مختصر ارایه گردد.

## مبحث اول

### پرداخت نفقات خانواده (زوجه و اولاد) در اسلام

این مبحث شامل مطالبی مانند نفقات الزامی و دلایل آن، نفقه زوجه، اولاد کیفیت و مقدار نفقه آن است. در این مبحث، در ابتدا نفقات الزامی که معمولاً شامل نفقات خانواده و فرزندان نیز می شود و به حیث یک بحث پیش درآمد بر نفقه خانواده محسوب می گردد به تفصیل با دلایل آن مورد بررسی قرار گرفته و سپس به ترتیب به بررسی نفقه زوجه و فرزندان پرداخته شده و در اخیر جهت تکمیل مطالب مربوط به نفقه خانواده کیفیت و مقدار نفقه نیز مورد پژوهش قرار گرفته است.

## مطلب اول

### پرداخت نفقات الزامی و دلایل آن

قبل از اینکه نفقات الزامی مورد شناسایی و دلایل وجوب مورد بررسی قرار گیرد، نیاز است که برخی از مسایل به صورت پیش زمینه مورد بررسی قرار گیرند.

## الف: مفهوم خانواده و انواع آن

برای اینکه مسایل مربوط به نفقه به صورت دقیق درک شود، در ابتدا باید دانست که خانواده چیست، حقوق و وجایب آن کدام است و چه کسی در خانواده مسؤول پرداخت نفقه دانسته می شود و خانواده به چند نوع است.

### ۱. مفهوم لغوی خانواده

در ارتباط به مفهوم خانواده کتب لغت عبارات ذیل را نقل کرده است:

- (العیل) أهل بیت الرجل الذین ینفق علیهم ( للمذکر والمؤنث ) جمع عیال
- (العائلة) من یضمهم بیت واحد من الآباء والأبناء والأقارب
- ( الأسرة ) الدرع الحصينة وأهل الرجل وعشیرته والجماعة یربطها أمر مشترك جمع أسر<sup>(۱)</sup>
- (الأسرة) جمع أسر: خانواده و خویشان نزدیک مرد<sup>(۲)</sup>
- (العشيرة) أهل الرجل الذین یتکثر بهم أي یصیرون له بمنزلة العدد الكامل وذلك لأن العشرة فی العدد الكامل فصارت العشيرة اسما لكل جماعة من أقارب الرجل الذین یتکثر بهم والعشیر الزوج والزوجة وكل معاشر قرب أو بعد والعشرة بالكسر اسم من المعاشرة وهي المخالطة<sup>(۳)</sup>

خانواده یا فامیل که در کتب لغت به عبارات مانند: العیل، العائلة، الأسرة و العشيرة آمده است به الفاظ مترادف و تقریباً همه یک مفهوم را می رساند و آن اهل بیت یا به معنی آل یا اهل و عیال است<sup>(۴)</sup> مفهوم خانواده از نگاه لغت به اهل و عیال و کسانی اطلاق می شود که از اهل و خانواده انسان است چه مذکر و چه مؤنث باشند همه را شامل است مخصوصاً به کسانی گفته می شود که نفقه آنها بر عهده شخص باشد.

۱- ابراهیم مصطفی - أحمد الزیات - حامد عبد القادر - محمد النجار المعجم الوسیط ، ج ۲ ص ۶۳۷ و ج ۱ ص ۱۷ تحقیق / مجمع اللغة العربیة. دار النشر : دار الدعوة، ب ت.

۲- فرهنگ أبجدی عربی-فارسی ص: ۲۰۲ ، ب ت.

۳- المناوی، محمد عبد الرؤوف، التوقیف علی مهمات التعاریف ص ۵۱۵ الناشر : دار الفكر المعاصر ، دار الفكر - بیروت ، دمشق، الطبعة الأولى ، ۱۴۱۰، تحقیق : د. محمد رضوان الدایة،

۴- محمد معین، فرهنگ معین ج ۳ ص ۴۲۹ یک جلدی فارسی، ناشر زرین، چاپ سوم، ۱۳۸۶.

## ۲- مفهوم اصطلاحی خانواده

خانواده در اصطلاح فقه و قانون دارای مفهوم خاص است که ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد. تعریف فقهی خانواده: در مجمع الانهر خانواده چنین تعریف شده است: (وَأَهْلُ الرَّجُلِ زَوْجَتُهُ) عِنْدَ الْإِمَامِ يَعْنِي إِذَا أَوْصَى لِأَهْلِ رَجُلٍ فَهِيَ لِزَوْجَتِهِ (وَعِنْدَهُمَا) أَهْلُ الرَّجُلِ (مَنْ يَعُولُهُمْ وَتَضُمُّهُمْ نَفَقَتُهُ) يَعْنِي عِنْدَهُمَا أَهْلُ الرَّجُلِ مَنْ كَانُوا فِي عِيَالِهِ وَتَلَزَّمَهُ نَفَقَتُهُمْ اعْتِبَارًا لِلْعُرْفِ الْمُؤَيَّدِ بِالنَّصِّ (۱) وَهُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى {وَأَتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ} (۲) ترجمه: و همه خانواده خود را به نزد من بیاورید.

در نزد امام ابوحنیفه مراد از فامیل زوجه انسان است و به نزد یاران با استناد به قول خداوند جل جلاله که در فوق ذکر گردید فامیل شامل کسانی اند که نفقه شان بر انسان لازم است.

- وهبة الزحیلی در کتاب خود (فقه خانواده در جهان معاصر) خانواده را چنین تعریف نموده است (خانواده از نظر بیشتر مردم عبارت است از زن و فرزندان و خویشاوندان مرد و در اصطلاح شرعی خانواده عبارت از گروه و جماعتی است که زیر بنای جامعه را تشکیل می‌دهند) (۳)

- تعریف قانونی خانواده: ماده ۶۵ قانونی مدنی افغانستان از خانواده به فامیل تعبیر و آنرا چنین تعریف نموده است: "فامیل انسان متشکل از اقارب است که توسط یک اصل مشترک باهم جمع شده باشند" (۴) منظور از اصل مشترک در این تعریف پدرکلان و مادرکلان است که بنیاد یک خانواده را تشکیل می‌دهند و اقارب انسان که توسط این اصل باهم جمع می‌شوند فامیل انسان گفته می‌شوند که دارای حقوق و واجبات اند از جمله تامین نفقه است. نفقه زوجه، آباء، ابناء و سایر اقارب به ترتیب که شریعت اسلام آنرا در نظر دارد برعهده انسان است و اگر به مفهوم وسیع تر از آن توجه نمایم که اسلام برآن مهر صحه گذاشته است این مطلب را افاده می‌کند همه ما از یک پدر (آدم علیه السلام) متولد و نسب ما یکی است چون خداوند جل جلاله در مورد چنین فرموده اند: {يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا} (۵)

۱- عبد الرحمن بن محمد بن سليمان المدعو بشيخي زاده، يعرف بداماد أفندي (المتوفى: ۱۰۷۸هـ)، مجمع الأنهر في شرح ملتقى الأبحر ۷۱۲/۲، الناشر: دار إحياء التراث العربي.

۲- سوره يوسف آیه ۹۳

۳- دكتور وهبة الزحيلي، فقه خانواده در جهان معاصر ص: ۳۱

۴- قانون مدنی افغانستان ج ۱ ص ۱۸، وزارت عدلیه، جریده رسمی ۳۵۳، مورخ ۱۳۵۵/۱۰/۱۵.

۵- سوره نساء آیه ۱

ترجمه: ای مردمان! از (خشم) پروردگارتان بپرهیزید. پروردگاری که شما را از يك انسان بیافرید و (سپس) همسرش را از نوع او آفرید، و از آن دو نفر مردان و زنان فراوانی (بر روی زمین) منتشر ساخت. و از (خشم) خدائی بپرهیزید که همدیگر را بدو سوگند می‌دهید؛ و بپرهیزید از این که پیوند خویشاوندی را گسیخته دارید (و صله رحم را نادیده بگیرید) زیرا که بیگمان خداوند مراقب شما است (و کردار و رفتار شما از دیده او پنهان نمی‌ماند) (۱) خداوند جل جلاله از یک انسان و همسرش مردان و زنانی فراوانی را در زمین آفرید و مومنین را باهم برادر خواند و هشدار می‌دهد که صله رحمی را در میان تان قطع نکنید به این مفهوم که مومنین عضو یک خانواده یا جامعه اسلامی اند روابط میان اعضای این جامعه تامین در غم و شادی باهم شریک و در صورت نیاز به کمک و مساعدت با یکدیگر امداد مالی نمایند تشکیل زیر بنا در یک جامعه نیاز به نظم دارد و نظم خانواده بستگی کامل با نظم عمومی دارد، برای ایجاد نظم در این اجتماع کوچک ضروری پنداشته می‌شود تا یکی از دوطرف به عنوان رهبر تعیین و تکالیف مربوط به حفظ خانواده از او خواسته شود احکام ناشی از عقد ازدواج که رعایت آنها به نظم عمومی ارتباط دارد دانسته و رعایت گردد. به گونه مثال احکام مربوط به تامین نفقات که یکی از حقوق مالی زوجین است و موارد دیگر مانند طلاق، عدت، رجعت و فسخ عقد همچنان احکام مربوط به حقوق اطفال مانند ثبوت نسب، انفاق حضانت، رضاع و مسایل میراث از جمله احکام ضروری برای سرپرست خانواده است. رعایت همه این احکام باعث ایجاد نظم می‌گردد، زن و شوهر نمی‌توانند خلاف نظم عمومی توافق نمایند و توافق آنها خلاف قانون مطابق فقره دوم ماده ۵۰۲ قانون مدنی افغانستان باطل پنداشته می‌شود (۲).

### ۳- انواع خانواده

وهبة الزحیلی در کتاب خود (فقه خانواده در جهان معاصر) خانواده را سه نوع ذیل دانسته است (کوچک، متوسط و بزرگ) که ذیلاً توضیح داده می‌شود:

#### ۱. خانواده کوچک

این نوع خانواده شامل زن، شوهر و فرزندان است که نفقه زن بر شوهر و نفقه اولاد بر پدر است.

#### ۲. خانواده متوسط

۱- مصطفی خرم دل، تفسیر نور ص: ۱، تاریخ نشر ۱۳۷۲ هـ ش، محل نشر تهران، ناشر احسان

۲- عبدالله نظام الدین، شرح قانون مدنی افغانستان حقوق و جایب (نظریه های عمومی) ص ۵۴، چاپ دوم کابل: انتشارات سعید، حمل

خانواده متوسط مرکب از اقارب و خویشاوندان است، مانند پدر، مادر، پدرکلان، مادر کلان برادر، خواهر، کاکا، عمه، ماما، خاله ... می باشند که قطع ارتباط با ایشان نا شایسته بوده و درغم و شادی ایشان شرکت و ازایشان در اوقات مناسب احوال پرسى لازم است، هرگاه یکی از این طبقه نیاز به کمک داشته باشد با ایشان همکاری صورت گیرد و این همکاری برابر است که در عرصه های مالی باشد و یا جانی، تا حقوق ایشان از طریق داشتن ارتباط و قایم نمودن صله رحمی رعایت گردد. زیرا در حدیث قدسی در مورد داشتن صله رحمی چنین روایت شده است:

عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- يَقُولُ « قَالَ اللَّهُ أَنَا الرَّحْمَنُ وَهِيَ الرَّحْمُ شَفَقْتُ لَهَا اسْمًا مِنْ اسْمِي مَنْ وَصَلَهَا وَصَلْتُهُ وَمَنْ قَطَعَهَا بَتَّئْتُهَا » (۱) ترجمه: از عبدالرحمن بن عوف - رضي الله عنه - روایت شده است که گفت: از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - شنیدم که می فرمود: خداوند می فرماید: «من رحمان (خداي مهربان) هستم و این رابطه ای خویشاوندی است که از اسمم (یعنی رحمان) اسمی برایش گذاشتم (آن را از رحمان که یکی از صفات من است، مشتق کرده ام)؛ هرکس آن را نگه دارد، به او می پیوندم و هرکس آن را قطع کند، با او قطع رابطه می کنم».

### ۳. خانواده بزرگ

این نوع خانواده شامل همه مومنین همسایگان، دوستان و افراد جامعه اسلامی اند که ارتباط شان به اساس اخوت اسلامی است. (۲) و خداوند جل جلاله در مورد چنین دستور داده است (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَانِكُمْ وَأَتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ) (۳) ترجمه: فقط مؤمنان برادران همدیگرند، پس میان برادران خود صلح و صفا برقرار کنید، و از خدا ترس و پروا داشته باشید، تا به شما رحم شود.

خانواده ظاهرا به عنوان یک اجتماع کوچک به آن توجه شده، اما در نفس خود بسیار مهم و حیاتی تلقی میگردد، زیرا خانواده در اسلام اساس جامعه اسلامی را تشکیل میدهد که افراد آن دارای حقوق و وجایب بوده به ویژه رئیس خانواده که درمقابل افراد تحت اثر خود به عنوان رهبر و مسوؤل معرفی شده است.

۱ - أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني، سنن أبي داود ج ۲ ص ۶۰ باب في صلة الرّجيم شماره حدیث ۱۶۹۶، الناشر: دار الكتاب العربي - بيروت ب ت.

۲ - الزحیلی، فقه خانواده در جهان معاصر ص: ۳۲-۳۳

۳ - سوره حجرات آیه ۱۰ .

نظر به تعاریفی که از خانواده صورت گرفته است، دایره شمول آن از نظر اهل لغت، فقه و قانون با آنکه دارای مفاهیم نزدیک اند، اما تا حدی از هم متفاوت اند. در مجموع خانواده به مفهوم عام آن شامل زوجه، اولاد، اصول و فروع و سایر اقارب و خویشاندان که با یک اصل مشترک جمع شوند شامل می شود و یا شامل تمام کسانی است که نفقه آنها بر عهده شخص باشد.

به هر صورت اعضای خانواده هر یک دارای حقوق و وجایبی اند که پرداخت نفقات اعضای خانواده از حقوق آنها و وجبیه رییس فامیل بوده که در حالات مختلف با توجه به درجه قرابت ایشان متفاوت است، مانند حالات الزامی و اختیاری و در بعضی از حالات نفقه ساقط می شود بناءً لازمی دانسته می شود تا با در نظر داشت حالات مختلف روی دلایل وجوب نفقات زوجات و اولاد، کیفیت و مقدار نفقه آنها بحث صورت گیرد و احکام نفقات به صورت واضح بیان شود، این فصل که دارای یک مبحث و چهارمطلب است، موارد یاد شده به طور جداگانه در آن مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

## ب - مفهوم نفقه و انواع آن

نخست تبصره کوتاه در مورد معنای لغوی و اصطلاحی نفقه نموده سپس به بیان اصل مطلب می پردازیم.

### ۱- مفهوم نفقه

محمد عبد الرؤوف در کتاب خود التوقیف علی مهمات التعاریف، نفقه را لغة و اصطلاحاً چنین تعریف نموده است: النفقة لغة الإخراج و شرعاً ما يلزم المرء صرفه لمن عليه مؤنثة من زوجته أو قته أو دابته النفيس الخطير الجليل (۱)

ترجمه: نفقه در لغت به معنی خرج و مصرف نمودن است و در اصطلاح شرعی عبارت از مصرف نمودن شیء مورد نظر بر کسی که نفقه آن بر عهده شخص است، مانند زوجه، غلام و چهارپای آن.

النفقة: بالتحريك جمع نفقات و نفاق، ما ينفق من الدراهم و غيرها (۲) و ازه نفقه با حرکت نون، فاء و قاف، مفرد نفقات و نفاق، به معنای آنچه چیزی است که از دراهم و غیره مصرف می شود.

۱- محمد عبد الرؤوف المناوي، التوقیف علی مهمات التعاریف ص: ۷۰۸، الناشر: دار الفكر المعاصر، دار الفكر - بيروت، دمشق، الطبعة الأولى، ۱۴۱۰، تحقیق: د. محمد رضوان الداية.

۲- محمد رواس حامد صادق قلجی و قنایی، معجم لغة الفقهاء، ج ۲ ص ۹۳، الناشر: دارالنفائس للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة: الثانية، ۱۹۸۸ م.

ابن منظور، محمد بن مكرم نفقه را به معنی كم شدن وترس از فنا و نا بودی مال دانسته و آنرا چنین تعریف نموده است:

"نَفَقًا وَنَفَاقًا كِلَاهُمَا نَقْصٌ وَقِلٌّ وَقِيلَ فَنِي وَذَهَبَ وَأَنْفَقُوا نَفَقَتَ أَمْوَالِهِمْ وَأَنْفَقَ الرَّجُلُ إِذَا افْتَقَرَ وَمِنْهُ قَوْلُهُ تَعَالَى إِذَا لِلْمُسْكِمِ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ أَيْ خَشْيَةَ الْفَنَاءِ وَالنَّفَادِ وَأَنْفَقَ الْمَالُ صَرْفَهُ... وَالنَّفَاقُ بِالْكَسْرِ جَمْعُ النَّفَقَةِ مِنَ الدَّرَاهِمِ وَنَفَقَ الزَّادُ يَنْفُقُ نَفَقًا أَيْ نَفَدَ وَقَدْ أَنْفَقَتِ الدَّرَاهِمُ مِنَ النَّفَقَةِ وَرَجُلٌ مِثْلُ مَنْفَاقٍ أَيْ كَثِيرُ النَّفَقَةِ وَالنَّفَقَةُ مَا أَنْفَقْتَ وَاسْتَنْفَقْتَ عَلَى الْعِيَالِ وَعَلَى نَفْسِكَ" (١)

ابن محمد بن عبدالرحمن نفقه را در اصطلاح شرعی چنین تعریف نموده است: "مَا يَنْوَقُّ عَلَيْهِ بَقَاءُ شَيْءٍ مِنْ نَحْوِ مَأْكُولٍ وَمَلْبُوسٍ وَسُكْنَى" والتعريف غير مانع لدخول غير المتعين عليه النفقة بسبب الزوجية أو القرابة أو الملك كمنفذ المشرف على الهلاك من غير هؤلاء، والتعريف يشمل أوجه التكافل بين المسلمين من غير وجوب. (٢)

ترجمه: نفقه عبارت از آنچه‌ی است که بقای انسان به آن موقوف باشد مانند خوردنی، پوشیدنی و مسکن یعنی جای بود و باش.

بر تعریف فوق این نقد وارد گردیده که بسیار کلی و عام بوده مانع نیست، زیرا شامل شخصی نیز می‌گردد که نفقه بر آن به سبب دیگری غیر از زوجیت، قرابت و ملک لازم می‌گردد، مانند شخص نجات دهنده فردی نزدیک به هلاکت که شامل زوجه، قریب و مملوک آن نباشد، همچنان تعریف شامل انواع همکاری‌ها و تعاونات غیر وجوبی میان مسلمانان نیز می‌گردد.

و ابن علی نفقه را در اصطلاح شرعی چنین تعریف نموده است: "وَفِي الشَّرْعِ الْإِدْرَارُ عَلَى الشَّيْءِ بِمَا بِهِ بَقَاؤُهُ" (٣)

ترجمه: نفقه در اصطلاح شرع همیشگی و ملازمت نمودن به چیزی است که حیات انسان به آن وابسته است.

و این تعریف هم جامع نیست به دلیل اینکه نفقه را طوری تعریف نموده است که بقای انسان به آن وابسته و نفقه برای حفظ حیات دانسته شده است در حالی که نفقه درحال فراخی و تنگ دستی

١- محمد بن مكرم بن منظور الأفریقی المصری، لسان العرب ج ١٠ ص ٣٥٧، الناشر: دار صادر - بیروت الطبعة الأولى.

٢- عبد الرحمن بن محمد بن سلیمان المدعو بشیخی زاده، يعرف بداماد أفندي (المتوفى: ١٠٧٨ هـ)، مجمع الأنهر فی شرح ملتقى الأبحر ٤٨٤/١، الناشر: دار إحياء التراث العربی.

٣- عثمان بن علی بن محجن البارعی، فخر الدین الزلیعی الحنفی (المتوفى: ٧٤٣ هـ) تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق وحاشية الشَّيْبَانِي، ج ٣ ص ٥٠، الناشر: المطبعة الكبرى الأميرية - بولاق، القاهرة، الطبعة: الأولى، ١٣١٣ هـ.



متفاوت است و بعضی از موارد نفقه صرف برای حفظ حیات نیست بلکه در حالت فراخی زیادت به آن لازم می شود و چگونگی پرداخت نفقه در حالت اعسار و یسار از هم فرق دارند. مجله بحوث اسلامی تعریف مناسبی را که عاری از اشکالات به نظر می رسد، انتخاب و چنین نقل نموده اند: "کفایة من یمونه خبزاً أو أدماً وكسوة وسكنی وتوابعها" (۱) ترجمه: نفقه عبارت از تأمین طعام، نانخورش، پوشش، جای بود و باش و لوازم جانبی و ضروری یک شخص می باشد.

دکتور وهبه الزحیلی در مورد مفهوم انفاق چنین تصریح کرده است: "ولا یستعمل إلا فی الخیر" (۲) انفاق را به معنی هزینه کردن بیرون نمودن دانسته و می گوید این کلمه جز در کار خیر مورد استعمال ندارد، یعنی اگر چیزی در راه ناپسند و منکرات مصرف گردد به آن انفاق گفته نمی شود انفاق اسم از برای چیزی است که انسان بر اهل و عیال خویش نفقه کند. بناء نفقه به مفهوم خوردنی، پوشیدنی، مسکن با توابع آن است که برای امرار معاش یک شخص کافی و بسنده باشد. و به مفهوم وسیع تر از آن عبارت از آنچه از راهم و غیره است که برای تأمین وسایل و ضروریات اولیه حیات زوجه، اقارب مملوک و بهایم که انسان مسوول تأمین نفقه آنها است، مصرف شود.

در ارتباط به اینکه کلمه انفاق جز به خیر استعمال نمی شود، به این معنا است که نفقه یا مصرف نمودن در موارد یاد شده همه راه های خیر محسوب می شوند نه منکر و ناراوا.

## ۲- انواع نفقه

در مورد انواع نفقه این مطلب قابل تذکر است که فقهای اسلامی، در این مورد بیشتر به انواع نفقه از لحاظ موارد شامل در نفقه یا به انواع مصارف و هزینه توجه کرده اند که نفقه شامل آن است به برخی کتب مذکور که در زمینه به روش فوق توجه کرده اند اشاره می گردد. فقه علی المذاهب الأربعة در زمینه چنین تصریح داشته است.

" تشمل نفقة الزوجة ثلاثة أنواع :

۱ - إطعام الزوجة من خبز وأدم وما يلزم لهما من عجن وطبخ وشرب

۲ - كسوة الزوجة

۱- الرئاسة العامة لإدارات البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد، مجلة البحوث الإسلامية، باب التعريف النفقة، ج ۱۹ ص ۲۸۸، مصدر الكتاب : موقع الرئاسة العامة للبحوث العلمية والإفتاء، <http://www.alifta.com>

۲- وَهْبَةُ الرَّحِيلِيِّ، الفقه الإسلامي وأدلته، ج ۱۰ ص ۸۳، الناشر : دار الفكر - سوریه - دمشق، الطبعة : الطبعة الرابعة.

### ۳ - إسكانها وفي كل هذه الأمور تفصيل المذاهب" (۱)

نفقه زوجیت شامل سه نوع است: اول غذا دادن زوجه از نان و آنچه که از لوازم آن است، دوم تهیه پوشاک و سوم تهیه محل سکونت به ارتباط هر کدام در مذاهب مختلف تفصیلات خاص به ملاحظه می‌رسد.

ومجلة البحوث الإسلامية أنواع نفقة واجبی که از حق غیر بر زن لازم است چنین بیان نموده است:

"النفقة الواجبة على المرأة لحق الغير تتكون من أربعة موضوعات:

۱. الموضوع الأول: نفقة الأقارب.

۲. الموضوع الثاني: نفقة خادم المرأة.

۳. الموضوع الثالث: نفقة الرقيق.

۴. الموضوع الرابع: نفقة البهائم والجمادات" (۲)

مراد از حق غیر این است تامین نفقه زن لزوماً بر شوهر آن الزامی است اما هرگاه زن از خود اقارب، خادم، غلام و کنیز، بهائم و سایر موارد را دارا باشد تامین نفقه از این قبیل موضوعات بر عهده خود زن می باشد نه بر شوهرش.

به همین ترتیب فقه اسلامی وادلته انواع مصارف یا نفقه واجبه قریب و زوجه را هم زمان در یک عبارت و در عین حال کوتاه بیان کرده و چنین تصریح نموده است:

"مبدأ كفاية النفقة للقریب والزوجة: اتفق الفقهاء على أن نفقة الأقارب والزوجات تجب بقدر الكفاية من الخبز والأدم والكسوة والسكن على حسب حال المنفق وبقدر العادة أو عوائد البلاد؛ لأنها وجبت للحاجة، والحاجة تندفع بالكفاية، كنفقة الزوجة، وقد قال النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَهْنَد: «خذي ما يكفيك وولدك بالمعروف» فقد نفقتها ونفقة ولدها بالكفاية. فإن احتاج القريب أو الزوجة إلى خادم فعلى المنفق إعدامه؛ لأنه من تمام كفايته." ( ۳ )

۱- عبد الرحمن بن محمد عوض الجزيري (المتوفى: ۱۳۶۰هـ، الفقه على المذاهب الأربعة باب أنواع نفقة الزوجية ج ۴ ص ۲۶۴، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية، ۱۴۲۴ هـ - ۲۰۰۳ م.

۲- مجلة البحوث الإسلامية، باب أنواع النفقة الواجبة على المرأة لحق الغير، ج ۲۲ ص ۱۷۱ ب ت.

۳- الفقه الإسلامي وأدلته، باب مبدأ كفاية النفقة للقریب والزوجة، ج ۱۰ ص ۸۶، الناشر: دار الفكر - سوریه - دمشق، الطبعة: الطبعة الرابعة، ب ت.

**نفقة از لحاظ این که کدام مصارف را احتوا می‌کند، شامل انواع ذیل است:**

**الف - غذا:** اولین مصرفی که شامل نفقه است همان مصارف غذایی شخص مستحق نفقه است و غذا شامل طعام، نان خورش، روغن، حبوبات، دانه‌ها و لوازم آنها و هرآنچه‌ای است که بتواند قوت (غذای) شخص باشد، برحسب حال شخص نفقه کننده.

**ب- کسوت یا پوشش:** دومین مصرفی که شامل نفقه است، تهیه پوشش یا پرداخت مصارفی مربوط به کسوه (پوشش) است و مراد از کسوه پوشاک و هر چیزی است که پوشیده می‌شود و پوشاک هم به قدر کفایه و برحسب اوضاع شهر درگرم و سرما و با اختلاف فصول تابستانی و زمستانی و بر حسب احوال شخص از لحاظ فراخ دستی (دارای) و تنگدستی (ناداری) نفقه کننده واجب است، لباس سرمایه دار متفاوت از لباس اشخاص فقیر و تنگدست می‌باشد.

**ج- مسکن:** سوم نوع نفقه تهیه مسکن است، فراهم ساختن سکنی یکی دیگر از موارد شامل نفقه است و مراد از سکنی جای بود باش با وسایل و توابع آن است. یعنی بیت یا منزلی که بتواند شخص در آن زندگی خویش را به صورت آبرو مندانه سپری نماید.

**د- خدمتگار:** همچنان از جمله انواع نفقه فراهم ساختن خدمت‌گزار است در صورتی که نیاز به خدمت‌گزار داشته باشد.

**ه- تداوی:** یکی دیگر از انواع نفقه پرداخت مصارف علاج یا تداوی است که تعدادی از فقهای اسلام از جمله امام شافعی (رح) آنرا شامل انواع نفقه ندانسته و در زمینه چنین ابراز نظر نموده‌اند:

" وَلَيْسَ عَلَى رَجُلٍ أَنْ يُضَجِّيَ لِمَرْأَتِهِ وَلَا يُؤَدِّيَ عَنْهَا أَجْرَ طَبِيبٍ وَلَا حَجَّامٍ " (۱)

ترجمه: بر مرد لازم نیست که برای خانم خود قربانی کند و نه اینکه اجرت داکتر یا حجام را پرداخت نماید. دلیل بر عدم شمولیت علاج در انواع نفقه این است که: پرداخت نفقه برای زن در مقابل استمتاع از آن است، اما دواء و اجرت طبیب برای حفظ جسد است که مصارف تداوی برای حفظ جسد بر زوج لازم نیست بلکه بر خود زوجه است.

سید سابق در این مورد می‌گوید: «نفقه عبارت است از کفایت زندگی زن مطابق عرف و عادت و فراخور شان او که مقدار آن برحسب زمان و مکان و احوال و اشخاص مختلف، متفاوت و

۱- أبو الحسن الماوردی، الحاوی الکبیر ج ۱۱ ص ۹۸۷، دار النشر / دار الفکر - بیروت، ب ت.

درونسان می‌باشد». همچنان وی در زمینه سخن مولف "روضه النديه" را در مورد نقل می‌کند که: کفایت زندگی طعام و خوراک و تمام چیزهایی را شامل می‌شود که زن بدان نیاز دارد. پس میوه و تنقلات و لوازم معمولی روزهای جشن و چیزهایی که بر حسب استمرار، بصورت مالوف و مانوس درآمده است بگونه ای که اگر نباشد زیان یا رنجش و تکدر خاطر، حاصل شود و دارو و امثال آن را همه و همه شامل می‌شود. و آیه: وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ «بر پدر بچه واجب است که خوراک و پوشاک شایسته و فراخور حال مادران را تا مین کنند». چون این آیه نص است، در تعیین نوعی از نفقات و بموجب آن روزی و خوراک زن واجب می‌شود و خوراک، تمام چیزهایی را که بدان اشاره کردیم، شامل می‌شود. سپس به رای بعضی از فقهاء اشاره کرده است که گفته اند: پرداخت بهای داروها و مزد پزشک واجب نیست، چون آنها برای حفظ تن می‌باشند، همانگونه که بر مستاجر واجب نیست مزد اصلاح و تعمیرخانه در شرف ویرانی را بپردازد، ولی او ترجیح داده است که هزینه معالجه و مداوا نیز داخل در نفقه و واجب می‌باشد، و از قول صاحب «الغیث» گوید: دواء و دارو، برای حفظ روح است و شباهت به نفقه دارد. و آن گفته او حق است، چون پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - گفت: و «ما یکفیک» و در آیه «رزقهن» بطور مطلق آمده است و هر دو لفظ در حدیث و آیه عام می‌باشند و اختصاص آن به بعضی از مستحقین، مانع دیگران بدان نیست.

پس از مجموع آنچه که ذکر کردیم، ثابت شد که شوهر و یاکسی که باید نفقه را بدهد، بر وی واجب است که برابر عرف و عادت مطابق حال خود نفقه را بدهد و مراد آن نیست کسی که نفقه به وی داده می‌شود خود کفایت خویش را بردارد، تاگمان اسراف در بعض احوال پیش آید، بلکه مراد آنست که باید نفقه کافی و بدون اسراف تامین گردد و تسلیم وی شود و مقدار آن را اهل خبره یا کارآزمودگان، تعیین می‌کنند، و معنی «بالمعروف» در آیه همین است یعنی نه افراط و نه تفریط. (۱)

و ماده ۱۱۸ در مورد انواع نفقه چنین صراحت دارد: "نفقه زوجه مشتمل است بر طعام، لباس، مسکن و تدای متناسب به توان مالی زوج" همچنان بند ۲ ماده ۸۶ قانون مدنی افغانستان در مورد بیان حالاتیکه مرد می‌تواند زن دوم را به نکاح بگیرد چنین صراحت دارد: "در حالتیکه

۱- فقه السنه - سید سابق ج ۴ ص ۱۸۳- ۱۸۴

شخص کفایت مالی برای تامین نفقه زوجات از قبیل غذا، لباس، مسکن و تداوی مناسب را دارا باشد" (۱)

از مواد فوق الذکر قانون مدنی افغانستان چنین دانسته می شود که قانوناً مصارف علاج و تداوی زن شامل در انواع نفقه می باشد و متناسب به توان مالی زوج باید تامین گردد. طوریکه در تعریف مختار از کلمه توابع نفقه تذکر به عمل آمده است و مطابق به صراحت ماده ۱۱۸ و بند ۲ ماده ۸۷ قانونی مدنی افغانستان که تداوی و علاج را برای زوجه از انواع نفقه دانسته است بناءً مصارف علاج از توابع نفقه شمرده می شوند که باید حین ضرورت مانند خوردنی و نوشیدنی به تامین آن اقدام شود.

**و- تعلیم:** در ارتباط به اینکه تعلیم از انواع نفقه شمرده می شود یاخیر باید تذکر داد: همان طوریکه رئیس فامیل مسؤولیت دارد که خوراک، پوشاک و سایر نیازمندی‌های ضروری اهل و عیال خود را تامین نماید، تعلیم احکام شرعی هم از جمله مسایل مهم زندگی و از توابع نفقه به شمار می‌رود که حکم فرض است، زیرا رئیس خانواده در فراهم آوری زمینه تعلیم احکام شرعی نیز مسوؤل است، چون خداوند جل جلاله در مورد خطاب به مومنین چنین فرموده اند:

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا فُؤَادُوا لِنَفْسِكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ} (۲)

ترجمه: ای مؤمنان! خود و خانواده خویش را از آتش دوزخی بر کنار دارید که آفرزین آن انسانها و سنگها است. (۳) مولانا محمد شفیع، صاحب تفسیر معارف القرآن در تفسیر این آیت می نویسد رسول خدا صلی الله علیه وسلم ماموریت داشت که همسران خود را نصیحت نموده و آنها را به اعمال صالح و ادا نمودن نماید در این آیه به عموم مسلمانان خطاب شده است که خود و اهل عیال خود را از آتش جهنم نجات دهید و معنی نجات خود عبارت از اطاعت و پیروی نمودن از احکام الهی است و مراد از نجات اهل خانه این است که احکام خدا را به آنها تعلیم داده و به قدر توان کوشش نماید تا آنها نیز به احکام خدا عمل نمایند پس بر هر مسلمان فرض است که احکام شرعی حلال و حرام، نماز، روزه و غیره را به زن و فرزند خود تعلیم دهد (۴) باتوجه به توضیحات فوق می توان گفت

۱- قانون مدنی افغانستان ج ۱ ص ۳۶ و ۲۷

۲- سوره تحریم آیه ۶

۳- مصطفی خرم دل، تفسیر نور ج ۱ ص ۵

۴- مولانا محمد شفیع، تفسیر معارف القرآن ج ۸ ص ۱۹۲-۱۹۳، ناشر مکتبه فاروقیه پشاور پاکستان ب ت.

که تعلیم نیز از جمله توابع نفقه است و پرداخت مصارف تعلیمات ضروری احکام شرعی بر منفق نیز لازم می باشد.

برای اینکه حکم نفقه و مصارف بیشتر واضح گردد، با تفصیل بیشتر به بررسی گرفته می شود. موسوعه فقهی کویتی در زمینه چنین تصریح کرده است: «واجب است که حق الزحمه تعلیم طفل از مال آن پرداخته شود. در صورتی که مال نداشته باشد پرداخت آن برکسی واجب است که نفقه آن بر او واجب است، پرداخت حق الزحمه تعلیم فرایض از مالی طفل بالاتفاق واجب است، چنانکه پرداخت حق الزحمه تعلیم غیر از فرایض: قرآن، نماز و طهارت، مانند نفقه تأدیب طفل از مال آن جایز است»<sup>(۱)</sup> همچنان موسوعه یاد شده در جایی دیگری چنین تصریح کرده است: «بر پدران و مادران واجب است که به اولاد خویش طهارت، نماز و احکام شرعی را تعلیم دهند و پرداخت حق الزحمه تعلیم در مال خود طفل است و هرگاه مال نداشته باشد بر کسی لازم است که نفقه آن بر او لازم است»<sup>(۲)</sup> از توضیحات فوق استنباط می گردد که نفقه تعلیم آنچه که آموختن آن فرض است، اولاً از مال خود طفل پرداخته می شود و اگر مال نداشته باشد، نفقه تعلیم برکسی است که نفقه طفل بر ذمه آن است، اما پرداخت نفقه تعلیم آنچه که آموختن آن فرض نیست از مال خود طفل جایز است، اما بر شخص که نفقه آن بر ذمه او است لازم نمی باشد.

اکنون برای اینکه به درستی بدانیم که نفقه تعلیم کدام علم فرض است، باید این موضوع روشن گردد که تعلیم کدام علم یا کدام مسایل فرض است.

بنابراین در اینجا انواع علمی که امت اسلامی مکلف به آموختن آن است به بررسی گرفته می شود.

اساساً علمی که امت اسلامی به آموختن آن مکلفند از لحاظ طلب بردو نوع است:

۱- علمی که طلب آن فرض عین است و بر هر مسلمان آموختن آن فرض است و آن عبارت از علمی است که بالضروره به صورت آشکار متعلق به دین باشد و هرآنچه که آموختن آن واجب باشد مانند آموختن ارکان اسلام از جمله توحید الله تعالی، آموختن احکام نماز و همچنان اگر تاجر باشد آموختن احکام تجارت و اگر فروشنده یا مشتری باشد احکام بیع و شراء و هر آنچه که به آن ها ارتباط دارد بیاموزد... به همین ترتیب در هر کسب و کاری که باشد احکام آنرا بداند.

<sup>۱</sup> - وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت، الموسوعة الفقهية الكويتية، ج ۱۰ ص ۲۳، الطبعة من ۱۴۰۴ - ۱۴۲۷ هـ.

<sup>۲</sup> - همان مرجع

۲- عبارت از آن نوع علمی است که آموختن آن برای افراد فرض کفایه و مندوب است و آن عبارت از علمی است که ضروریات امت اسلامی به آن وابسته است، از جمله آموختن احکام عقیده حلال و حرام به صورت تفصیلی و تمام جزئیات مسایل مربوط به آیات و احادیث و آموختن سایر رشته های علوم زبان عربی و مسایل آن ها در تقویت علوم حدیث و تفسیر کمک می نماید. این نوع علم عبارت از علمی است که هرگاه برخی از افراد امت اسلامی به آموختن آن ها مصروف شوند آموختن آن از ذمه دیگران ساقط می گردد و هرگاه هیچ فردی به آموختن آن نپردازد همه امت اسلامی در مجموع گناه کار می شوند.<sup>(۱)</sup> از توضیحات فوق می توان نتیجه گرفت که آموختن علمی که طلب آن بر هر فرد امت اسلامی فرض است به نسبت اینکه هیچ فردی نمی تواند از طلب آن سر باز زند و همه افراد باید آنرا بیاموزند، نفقه آموختن این علم از مال خود طفل اگر داشته باشد و اگر نداشته بر شخصی که نفقه آن بر او لازم است، واجب می گردد.

موسوعه فقهی کویتی علومی را که آموختن آنها فرض عین است، عبارت از علومی دانسته است که انسان در زندگی خود بالضروره محتاج به آموختن آن ها است مانند علم فقه و عقیده.

و علومی که آموختن آن ها فرض کفایه است، عبارت از علوم شرعی اند که مردم در اقامه دین شان به آن ها ضرورت دارند مانند حفظ قرآن کریم و احادیث نبوی، آموختن علوم آن ها، اصول، فقه، ادبیات، صرف و علم شناخت راویان حدیث، اجماع امت و آرای مخالف. همچنان آموختن تمام علومی که قوام امر دنیوی امت اسلامی بر آن ها استوار است مانند علم طب، حساب و غیره و علوم صناعی که سبب قیام و استواری مصالح دنیوی مانند خیاطی، زراعت و امثال این ها می گردد، نیز فرض کفایه می باشد.<sup>(۲)</sup>

فقه خانواده انواع مخارج زن را که بر شوهرش لازمی است در شش مورد ذیل جمع بندی و خلاصه نموده است:

۱. آرد گندم: که مقدار و نوع آن با توجه به میزان درآمد مرد و شرایط اقتصادی جامعه و سرزمین و منطقه فرق میکند. اینکه مواد غذایی در اختیار همسر قرار دهد یا وجه نقد و بهای آن را به او بدهد، بستگی به خواست و مصلحت زن دارد.

۱- فالح بن محمد بن فالح الصغیر استاذ السنة و علومها بجامعة الامام محمد بن سعود الاسلامیة بالریاض، حدیث ( مثل مابعتی الله من الهدی و العلم) دراسة حدیثیة دعویة، دار ابن کثیر، ۱۴۲۱ هـ. ق، صص ۲۵- ۲۶.

۲- الموسوعة الفقهیة الکویتیة ج ۳۰ صص ۲۹۲- ۲۹۳.

۲. مواد غذایی: تهیه مواد غذایی مانند: نخود، لوبیا، روغن، برنج، گوشت و ... مواد سوختنی مانند: چوب، نفت، گاز و ... وسایل پخت و پز مانند: اجاق گاز و ... وسایل گرمازا: مانند بخاری و آب برای آشامیدن، شستشو و استحمام، بر مرد واجب است.

۳. خدمتکار: در کتاب "جواهر الثمینة" که فقه امام مالک میباید آمده است: که پخت و پز و شست و شو و دیگر کارهای منزل بر همسر واجب نیست. به ویژه زنی که توانایی کارهای منزل را ندارد شوهر نباید او را به آن مجبور نماید، یا زن را مجبور کند که خادمی را برای کار منزل استخدام نماید، و خود زن حقوقش را بپردازد.

۴. لباس: همچنان که فقهای مالکیه میگویند: بر مرد واجب است لباس و پوشش متناسب با شخصیت زن و عرف محل را که بدن او را بپوشاند و از گرمای تابستان و سرمای زمستان مصون بدارد، تهیه کند. اما تهیه لوازم آرایشی مانند: حنا، کرم، عطر و ... بر مرد واجب نیست.

۵. وسایل بهداشت: بر مرد لازم است به اندازه کافی برای استحمام، شستشوی لباسها و ظروف و ... صابون و مواد شوینده را در اختیار همسرش قرار دهد. از همه مهمتر این است که به هنگام بیماری زن، شوهر باید او را به پزشک ببرد و هزینه دارو و درمان او را بپردازد و مراقبت لازم را از او به عمل بیاورد.

۶. مسکن: فقها رأیشان بر این است که شوهر در حد توانائی باید محل سکونتی را به صورت خرید، ساخت و یا اجاره برای همسرش فراهم سازد. (۱)

نفقه از لحاظ حکم، اساساً به دو نوع، نفقه الزامی و اختیاری تقسیم گردیده است. در ارتباط به اینکه معنی نفقه جز در موارد خیر استعمال نمی شود شامل نفقات غیروجوبی هم می شود و مراد از نفقه الزامی تامین نفقه شبانه روزی افرادی است که تامین نفقه آنها به دوش شخص مسؤل آن است. هرگاه شخص مسؤل بدون دلایل موجه در تامین آن تقصیر و کوتاهی نماید مورد باز پرس قرار می گیرد حتی بی توجهی و سهل انگاری در مورد تامین نفقه حیوان زمانی که انسان مکلف به تامین آن باشد و درتامین آن غفلت و کم توجهی نماید چون وعید سختی مانند داخل شدن به آتش دوزخ در وصف زنی که چنین عملی را مرتکب شده از پیغمبر صلی الله علیه وسلم در مورد وی چنین روایت شده است:

۱- وهبته الزحیلی، فقه خانواده در جهان معاصر ص ۱۳۱ - ۱۳۲



عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- قَالَ: "عُذِّبَتْ امْرَأَةٌ فِي هِرَّةٍ حَبَسَتْهَا حَتَّى مَاتَتْ جُوعًا فَدَخَلَتْ فِيهَا النَّارَ فَقَالَ لَهَا وَاللَّهِ أَعْلَمُ لَا أَنْتِ أَطْعَمْتِيهَا وَسَقَيْتِيهَا حِينَ حَبَسْتِيهَا وَلَا أَنْتِ أَرْسَلْتِيهَا فَتَأْكُلِ مِنْ خَشَاشِ الْأَرْضِ حَتَّى مَاتَتْ جُوعًا" (١)

ترجمه: از عبدالله ابن عمر رضي الله عنهما روایت است که رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: زنی بخاطر پشکی که زندانی کرد تا مرد از گرسنگی، به آتش داخل گردید و عذاب شد، گفته شد برایش خدا می داند تو نبودی که غذا و آبش می دادی هنگامیکه زندانی کردی وی را و نبودی که رهایش می کردی تا از گیاهان روی زمین بخورد تا اینکه مرد از گرسنگی.

از این حدیث چنین دانسته می شود زنی پشکی را حبس نموده بود و بر این زن لازم بود تا غذا و آب برای پشک می داد اما چنین نکرد تا اینکه پشک از گرسنگی مرد و خداوند به سبب عدم تامین نفقه آن که این زن مسوول بود عذابش داد پس وقتیکه به سبب عدم تامین نفقه حیوانی خداوند جل جلاله انسان را عذاب دهد در عدم تامین نفقه انسان به طریق اولی کسانی را که مسوول تامین نفقه انسانی شناخته شده باشد و با آن توجه ننماید تا اینکه سبب مرگ وی گردد عذاب شان می دهد. مراد از نفقات اختیاری نفقاتی اند که شامل صدقات نفلی نیز می شوند که صرف جنبه اخلاقی، صله رحمی، مواسات و همدردی را به خود دارد نه وجوبی و الزامی و برای شخص نفقه کننده الله جل جلاله و عده اجرو پاداش چند برابر را داده است، همچنان با صدقه نمودن مال محبوب و مرغوب از این نوع انفاق، به انسان تقرب الی الله حاصل می شود.

اصل در بسندگی نفقه یا مصارف قریب و زوجه این است که:

فقهاء بر این امر اتفاق نظر دارند که نفقه یا مصارف اقارب و زوجات به اندازه کفایت حسب احوال نفقه کننده و به مقدار عادت یا عرف مردم تامین گردد زیرا نفقه برای رفع حاجت واجب گردیده است و رفع حاجت به همان اندازه کفایت برآورده می شود (٢) مانند نفقه زوجه، چنانکه رسول الله صلى الله عليه وسلم برای هند گفت: به اندازه کفایت خود و فرزندت از مال شوهرت به وجه پسندیده بردار. به این ترتیب نفقه آن را با ولدش به اندازه کفایت تعیین کرد، هرگاه زوجه نیازمند خادم باشد برمنفق لازم است که خدمتگار را نیز برایش تهیه نماید در این صورت خادم نیز

١- أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي البيهقي، الجوهر النقي: علاء الدين علي بن عثمان المارديني الشهير بابن التركماني، السنن الكبرى وفي ذيله الجوهر النقي، شماره حديث (١٦٢٣٣) باب نفقه الدواب ج ٨ ص ١٣، الناشر: مجلس دائرة المعارف النظامية الكائنة في الهند ببلدة حيدر آباد، الطبعة: الأولى - ١٣٤٤ هـ.

٢- الفقه الإسلامي وأدلته، باب مبدأ كفاية النفقة للقریب والزوجة، ج ١٠ ص ٨٦، الناشر: دار الفكر - سوریه - دمشق، الطبعة الرابعة. ب ت.

از جمله امور تکمیل کننده کفایت می‌باشد همچنان تداوی زن با توجه به صراحت ماده ۱۱۸ و بند ۲ ماده ۸۷ قانون مدنی افغانستان که تداوی و علاج زن را از انواع نفقه دانسته است تعلیم هم از جمله امور تکمیل کننده کفایت نفقه باید محسوب گردد.

### ج- نفقه الزامی و دلایل آن

زوجه، اولاد، پدر، مادر، اصول غیر از پدر و مادر (آباء واجداد) فروع غیر از پسر و دختر (نواسه ها) حواشی (برادر، برادر زادگان و برادران مادری) مملوک و خادم، مجموعاً این طایفه از جمله کسانی اند که بلا مانع از صدقات نفلی و مستحب مستفید شده می‌توانند، با آنکه افراد یاد شده از صدقات نفلی مستفید می‌شوند، تأمین نفقه و ما یحتاج زندگی شبانه روزی آنها بالاخص از زوجه و اولاد صغار از جمله نفقات الزامی به شمار میرود، نه اختیاری، دلایل الزامیت تأمین نفقه از قرآن، سنت و اقوال فقهاء قرار ذیل ارایه می‌گردد:

۱. دلایل برای اثبات و الزامیت نفقه از قرآن زیاد است در این جا صرف به ذکر دوآیه از

قرآن کریم اکتفاء می‌نمایم

- أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجُوهِكُمْ وَلَا تَضَارُوهُنَّ لِنُضَيْبِئُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ (۱)

ترجمه: زنان مطلقه را در جایی سکونت دهید که خودتان در آنجا زندگی می‌کنید و در توان دارید و بدیشان زیان نرسانید تا (با زیان رساندن خود بر آنان سختگیری کنید و) در تنگنایشان قرار دهید (و ایشان مجبور به ترك منزل شوند) اگر آنان باردار باشند، خرج و نفقه ایشان را بپردازید تا زمانی که وضع حمل می‌کنند.

- وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (۲)

ترجمه: و کسانی اند که به هنگام خرج کردن (مال برای خود و خانواده) نه زیاده روی می‌کنند و نه سختگیری، و بلکه در میان این دو (یعنی اسراف و بخل، حد) میانه روی و اعتدال را رعایت می‌کنند. (۳)

۱- سوره الطلاق آیه ۶

۲- سوره فرقان آیه ۶۷

۳- مصطفی خرم دل، تفسیر نور ص: ۳۲

۲. احادیث زیاد است از آنها میتوان برای الزامیت و تشویق تامین نفقه خود شخص، اهل و عیال واقارب استدلال نمود موجود است که صرف دو حدیث را در مورد مشقت نمونه خروار نقل می‌نمایم:

عن عائشة رَضِيَ اللهُ عَنْهَا: أَنَّ هِنْدًا قَالَتْ لِلنَّبِيِّ -صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ-: إِنَّ أَبَا سُفْيَانَ رَجُلٌ شَحِيحٌ فَهَلْ عَلَيَّ جُنَاحٌ أَنْ أَخَذَ مِنْ مَالِهِ؟ قَالَ: «خُذِي مَا يَكْفِيكِ وَوَلَدَكَ بِالْمَعْرُوفِ» (۱)

ترجمه: عایشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا می‌گوید: هند؛ به پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم گفت: ای رسول خدا! ابوسفیان مرد بخیلی است، به اندازه کافی مخارج زندگی من و فرزندانم را به من نمی‌دهد، آیا اگر از اموال وی بدون اجازه بردارم بر من گناهی هست؟ فرمود: «از اموالش به اندازه ای که مخارج تو و فرزندان را کفایت کند؛ به روشی پسندیده بردار»

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- «دِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَدِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ فِي رَقَبَةٍ وَدِينَارٌ تَصَدَّقْتَ بِهِ عَلَى مَسْكِينٍ وَدِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ أَعْظَمَهَا أَجْرًا الَّذِي أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ» (۲)

ترجمه: از ابو هریره رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روايت است که: رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: دیناری است که در راه خدا صرف می‌کنی، و دیناری است که در آزادی بنده ای صرف می‌کنی، و دیناری است که بر مسکین صرف می‌کنی و دیناری است که به خانواده ات صرف می‌کنی، ثواب آنکه بر خانواده ات صرف می‌کنی فزونتر است.

۳. از اقوال فقهاء هم الزامیت و مقدم شمردن نفقه زن، اولاد واقارب دانسته می‌شود که دلالت برای وجوب پرداخت نفقه میکند طور مثال نفقه زوجه و اولاد با مضمی مدت، دین محاسبه می‌شود و در قسمت ادای دیون، دین نفقه نسبت به سایر دیون عادی مقدم شمرده شده است<sup>۲</sup> به این معنی کسی از عده مردم قرضدار است و در عین حال نفقه زوجه و اولاد صغار خود را هم بنابر دلایلی پرداخت نکرده است، زوجه وی برای تامین نفقه خود و اولادش از شخص دیگری قرض گرفته مصرف نموده است این شخص در ادای دیون، نخست دین نفقه زوجه و اولاد صغار خود را ادا نماید، بعد از ادای دین

۱- السنن الكبرى وفي ذيله الجوهر النقي شماره ج ۷ ص ۴۶۶ حدیث ۱۶۱۰۸

۲ - أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري النيسابوري، الجامع الصحيح المسمى صحيح مسلم، ج ۳ ص ۷۸ باب فَضْلِ النَّفَقَةِ عَلَى الْعِيَالِ وَالْمَمْلُوكِ وَإِثْمُ مَنْ ضَيَعَهُمْ أَوْ حَبَسَ نَفَقَتَهُمْ عَنْهُمْ حدیث شماره ۲۳۰۸ الناشر: دار الجيل بيروت + دار الأفاق الجديدة، ابي زكريا يحيى بن شرف نووي دمشقي، رياض الصالحين، ترجمه و شرح: عبد الله خاموش هروي ج ۱ ص ۳۰۲ شماره حدیث ۲۸۹

۳ - الفقه الإسلامي وأدلته باب الحقوق المجردة وغير المجردة ج ۴ ص ۳۷۷ و ۴۱۰، الناشر: دار الفكر - سوریه - دمشق، الطبعة الرابعة،

نفقه به ادای سایر دیون عادی خود بپردازد همچنان علماء اسباب وجوب نفقه را در سه چیز دانسته اند که می تواند دلیلی برای الزامیت نفقه این اشخاص باشد: الزَّوْجِيَّةُ وَالْفَرَاةُ وَالْمَلِكُ (۱)

ترجمه: رابطه زنا شویی، قرابت خویشاوندی و ملک است

بنا بر آن الزامیت نفقه زوجه از طریق رابطه زوجیت و قاعده احتباس، و نفقه اقارب به اساس رشته قرابت خویشاوندی و قاعده ارث و نفقه مملوک و خادم به اساس ملک و قاعده احتباس ثابت بوده و مستحق نفقه الزامی اند و با توجه به قاعده "الغنم بالغرم" اعضای خانواده ضامن حقوق یک دیگراند هنگام رو بهرو شدن به مشکلی قبل از اینکه درخواست کمک از دیگر افراد جامعه یا حکومت نمایند باید به حل مشکلات یک دیگر بپردازند و به اساس قانون نفقات، نفقه خویشاوند فقیر بر خویشاوند که دارای امکانات مالی بوده و موسراند می باشد، لازم است خویشاوند فقیر و نادر خود را که فاقد درآمد است، مورد حمایت قرار دهند و این قانون از جمله پایه های همبستگی اجتماعی و تعاون در اسلام است، طوری که فرد ثروتمند نفقه و مخارج زندگی خویشاوند مستمند و ناتوان خود را در زمان حیاتش تأمین می کند بعد از فوت او از ارث آن مطابق به قانون میراث سود می برد و این عین عدالت است، سود در مقابل ضرر (۲) زنان از لحاظ خلقت متفاوت از مردان آفریده شده اند با آنکه از هم دیگر متفاوت اند، حقوق و وجایب شان در بعضی از حالات با مردان مساوی بوده مانند حق حیات، اما در بعضی از حالات دیگر، متفاوت است به طور مثال زنان به تدبیر منزل نسبت به مردان خوبتر میدانند و برعکس مردان به کارهای بیرون از منزل خوبتر می دانند، سرپرستی زنان به عهده مردان گذاشته شده و زنان در عقد نکاح مردان قرار دارند و ایشان از کسب و کار باز مانده اند و به همین سبب نفقه زنان به قدر توان بر مردان الزامی است و خداوند مردان را بر ایشان برتری داده است به سبب اینکه مسوولیت تأمین نفقه را بدوش دارند، همچنان پرداخت نفقه اولاد صغیر اعم از نکور و اناث تا رسیدن به سن بلوغ و نفقه دختران تا هنگام عقد نکاح ایشان به دوش رئیس خانواده ( پدر و اولاد) به قدر توان آن الزامی می باشد. (۳)

۱ - عبد الرحمن بن محمد بن سليمان المدعو بشيخي زاده، يعرف بداماد أفندي (المتوفى: ١٠٧٨هـ)، مجمع الأنهر في شرح ملتقى الأبحر (١/ ٤٨٤)، الناشر: دار إحياء التراث العربي، البحر الرائق شرح كنز الدقائق ومنحة الخالق ج ٤ ص ١٨٨، الفقه على المذاهب الأربعة ج ٤ ص ٢٦٠، الفقه الإسلامي وأدلته ج ١٠ ص ٨٣، احمد عيسي عاشور، فقه آسان در مذهب امام شافعي ج ٢ ص ٢٨٨

٢ - يوسف قرضاوى، دیدگاه های فقهی معاصر ج ٣ ص ١١١-١١٢

٣ - ابوبکر جزائري، درسهایی روزانه ج ١ ص ٣٤٢ ترجمه: سعید فاضلی، الفوزان، دکتر صالح، احکام ویژه ی بانوان ص ٨، ترجمه:

اسحاق دبیری

## مطلب دوم

### نفقه زوجات

در دوره قبل از اسلام به حقوق اساسی زنان کمتر توجه صورت می گرفت. تولد دختر در خانواده یک نوع عار تلقی گردیده و از اینرو در زمان جاهلیت دختران را زنده به گور می شدند. از ایشان در امور زندگی شان مشوره گرفته نمی شد و مانند کالا از ایشان استفاده صورت می گرفت، اسلام یگانه نظام کاملی است که همه ابعاد زندگی انسانها را رهنمونی نموده و در ابعاد مختلف زندگی به زنان حقوق قایل شده و ایشان را مورد حمایت و توجه قرار داده است حقوق معنوی و مادی ایشان را تضمین نموده است مانند حق زندگی، حسن معاشرت، تعلیم، مشارکت و مشوره در مسایل مهم زندگی، میراث، مهر و نفقه که موضوع بحث ما را پرداخت نفقه زنان تشکیل میدهد و برای ثبوت نفقات زنان بر شوهر ذیلاً دلایل اقامه می شود:

#### الف: دلایل از قرآن کریم برای ثبوت نفقه خانم بر شوهر

الله جل جلاله در مورد چنین می فرماید: (أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِضَيِّقِهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أَوْلَاتٍ حَمَلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ) (۱)

ترجمه: زنان مطلقه را در جایی سکونت دهید که خودتان در آنجا زندگی می کنید و در توان دارید و بدیشان زیان نرسانید تا (با زیان رساندن خود بر آنان سختگیری کنید و) در تنگنایشان قرار دهید (و ایشان مجبور به ترك منزل شوند) اگر آنان باردار باشند، خرج و نفقه ایشان را بپردازید تا زمانی که وضع حمل می کنند.

همچنان می فرماید: (لِيُنْفِقُ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ) (۲)

ترجمه: آنان که دارا هستند، از دارائی خود (برای زن شیر دهنده، به اندازه توان خود) خرج کنند و آنان که تنگدست هستند، از چیزی که خدا بدیشان داده است خرج کنند.

#### ب: دلایل از سنت (احادیث) برای ثبوت نفقه خانم بر شوهر

عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ دَخَلْتُ هِنْدُ بِنْتُ عُنْبَةَ امْرَأَةَ أَبِي سُفْيَانَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ أَبَا سُفْيَانَ رَجُلٌ شَحِيحٌ لَا يُعْطِينِي مِنَ النَّفَقَةِ مَا يَكْفِينِي وَيَكْفِي بَنِيَّ إِلَّا مَا أَخَذْتُ مِنْ مَالِهِ بَعِيرٍ عَلَيْهِ فَهَلْ عَلَىَّ فِي ذَلِكَ مِنْ جُنَاحٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- « خُذِي مِنْ

۱ - سوره الطلاق آیه ۶

۲ - سوره الطلاق آیه ۷

مَالِهِ بِالْمَعْرُوفِ مَا يَكْفِيكَ وَيَكْفِي بَنِيكَ». (۱) ترجمه: عایشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا می گوید: هند دختر عتبه زن ابوسفیان؛ نزد پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم آمد و گفت: ای رسول خدا! ابوسفیان مرد بخیلی است، به اندازه کافی مخارج زندگی من و فرزندانم را به من نمی دهد، آیا اگر از اموال وی بدون اجازه بردارم بر من گناهی هست؟ فرمود: «از اموالش به اندازه ای که مخارج تو و فرزندان را کفایت کند؛ به روشی پسندیده بردار» همچنان روایت دیگر در مورد چنین ذکر شده است:

عَنْ حَكِيمِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْقُشَيْرِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ زَوْجَةٍ أَحَدِنَا عَلَيْهِ قَالَ « أَنْ تُطْعِمَهَا إِذَا طَعِمْتَ وَتَكْسُوَهَا إِذَا اكْتَسَيْتَ - أَوْ اكْتَسَبْتَ - وَلَا تَضْرِبَ الْوَجْهَ وَلَا تُفَبِّحَ وَلَا تَهْجُرَ إِلَّا فِي الْبَيْتِ ». (۲)

ترجمه: حکم بن معاویه قشیری از پدر خود روایت می کند که به رسول الله صلی الله علیه و سلم گفتم یا رسول الله، حق خانم یکی از ما بر ما چیست؟ فرمودند که به وی طعام دهی هنگامی که طعام می خوری و بپوشانی هنگامی که لباس می پوشی و زنی به روی آن و نه رسوا کنی آنرا و نه دوری کنی از آن مگر در خانه.

احادیث دیگری هم موجود است که برای اثبات وجوب نفقات زوجات بالای ازواج دلالت دارند، اما در این مطلب گنجایش ذکر آنها نبوده صرف به احادیث متذکره که به وجوب پرداخت نفقات خانم ها بر مردان که آنها را در عقد نکاح خویش آورده اند، دلالت می کند، اکتفا می نمایم و از حدیث فوق به وضاحت دانسته می شود هر گاه مردها به خانم و اولاد شان نفقه آنها را تامین نکنند برای خانم ها جواز دارد بدون اجازه از پول شوهران خود بگیرند و بالای خود و اولاد شان به طریقه معروف طور مناسب خرج نمایند و کدام گناه بر ایشان هم نیست. (۳)

### ج: دلیل از اجماع

در قسمت وجوب پرداخت نفقه زنان بر مردان اجماع امت صورت گرفته است (۴)

- 
- ۱ - صحیح المسلم ج ۵ ص ۱۲۹ شماره حدیث ۴۵۷۴ باب قضیه هند، بُلُوغُ الْأَمْرَامِ مِنْ أُدْلَى الْأَحْكَامِ، مصدر الكتاب : موقع مشكاة للكتب الإسلامية [www.almeshkat.net](http://www.almeshkat.net) ص: ۳۸۳ شماره حدیث ۹۷۵ وفقه اسلامی و ادلته ج ۷ ص ۷۶۹ ب ت
  - ۲ - أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني، سنن أبي داود ج ۲ ص ۲۱۰ شماره حدیث ۲۱۴۴ و سبل السلام ج ۳ صفحه ۲۲۱
  - ۳ - علاء الدين، أبو بكر بن مسعود بن أحمد الكاساني الحنفي سنة الولادة / سنة الوفاة ۵۸۷، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع ج ۴ صفحه ۱۵-۱۶، الناشر دار الكتاب العربي، سنة النشر ۱۹۸۲، مكان النشر بيروت.
  - ۴ - بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع ج ۴ صفحه ۱۵-۱۶

## د: دلیل از عقل

چون زن از رفتن به خارج از منزل برای کسب و کار به سبب قید نکاح باز می‌ماند، پس لازم است که شوهر نفقه آن را بپردازد. (۱) اما سید سابق در کتاب یاد شده پرداخت نفقه خانم بر شوهرش را به صورت مطلق واجب ندانسته بلکه برای حصول نفقه بعضی از شرایط را نقل نموده که قرار ذیل اند:

۱. عقد نکاح صحیح باشد.

۲. زوجه نفس خود را تسلیم زوج کرده باشد.

۳. زوجه برای زوجش تمکین نماید.

۴. اهل استمتاع باشد.

قابل ذکر دانسته است هرگاه زن شرایط فوق را تکمیل ننماید نفقه آن بر شوهرش واجب نمی‌شود. (۲)

## مطلب سوم

### نفقه اولاد

اطفال در اسلام دارای حقوق قبل از ولادت و بعد از ولادت اند و منظور از این بحث بیان کل حقوق اطفال نبوده موضوع بحث ما صرف بیان یکی از حقوق اطفال بعد از ولادت (تامین نفقه اولاد) می باشد تأمین نفقه اولاد یکی دیگر از حقوق اطفال است و مسوولیت تأمین این حقوق به دوش پدران است تا مخارج زندگی اطفال خویش را اعم پسر و دختر از زمان کودکی و نوجوانی تا مدت معین و توانایی کسب و کار از طریق درآمد حلال تأمین نمایند، که قانون مدنی افغانستان نفقه اولاد صغیر را با تمام انواع پیش بینی نموده که ماده ۲۵۶ در مورد چنین صراحت دارد:

"نفقه با تمام انواع آن در قسمت پسر صغیر تا وقت توان کسب و کار و در قسمت دختر صغیره تا وقت ازدواج بدوش پدر می باشد" همچنان نفقه پسر کبیر که توان کسب و کار را نداشته یا فقیر باشد و نفقه دختر فقیره تا وقت ازدواج بدوش پدر شان می باشد در صورتی که پدر اطفال وجود نداشته باشد نفقه آنها به بدوش اقارب شان مانند اصول و حواشی شان می باشد که در مورد دکتور

۱ - بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع ج ۴ صفحه ۱۵-۱۶.

۲ - سید سابق، فقه السنه، مترجم: دکتر محمود ابراهیمی ج ۲ ص ۱۱۰-۱۱۱.

وهبة الزحیلی پیرامون هزینه فرزندان و موارد یکه شامل در نفقه اند در کتاب فقه خانواده در جهان معاصر چنین نوشته اند:

"تامین غذا، لباس و مخارج مدرسه در ایام تحصیل و درحد توان بر والدین واجب است و نیازهای او در حد کفایت باید برطرف شود. اما اگر کودکی هیچ کس را نداشته باشد که مخارج زندگیش را تامین نماید، باید از بیت المال و بودجه حکومت خوراک، لباس مسکن و مخارج تحصیل او تهیه بشود و مسولیت تامین مخارج فرزندان تا رسیدن به حد بلوغ، توانایی کار و کسب درآمد و هم چنین تا پایان تحصیل و یافتن کار باید ادامه پیدا نماید تا دچار سرگردانی و مشکلات نشوند" (۱) و از طرف دیگر نسل مسولیت پذیر جامعه باشند درمورد نفقه اولاد که باید از طرف سرپرست خانواده (پدر) تامین شود خداوند جل جلاله چنین می فرماید: وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ (۲)

ترجمه: بر آن کس که فرزند برای او متولد شده ( یعنی پدر ) لازم است خوراک و پوشاک مادران را ( در آن مدت به اندازه توانائی ) به گونه شایسته بپردازد.

همچنان به مومنین خطاب است که مخارج زندگی شان را از پاکترین چیزها فراهم نمایند و چنین می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ (۳)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! از قسمتهای پاکیزه اموالی که ( از طریق تجارت ) به دست آورده اید و از آنچه که از زمین برای شما بیرون آورده ایم ( از قبیل منابع و معادن زیرزمینی ) ببخشید و به سراغ چیزهای ناپاک نروید تا از آن ببخشید.

از رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد فضیلت و بر تری نفقه اهل و عیال پرسیده شد از ایشان چنین روایت نقل شده است: عَنْ ثَوْبَانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- « أَفْضَلُ دِينَارٍ يُنْفَقُهُ الرَّجُلُ دِينَارٍ يُنْفَقُهُ عَلَى عِيَالِهِ وَدِينَارٍ يُنْفَقُهُ الرَّجُلُ عَلَى دَابَّتِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَدِينَارٍ يُنْفَقُهُ عَلَى أَصْحَابِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ». (۴)

۱- زحیلی، فقه خانواده در جهان معاصر ص ۲۰۳- ۲۰۴ مترجم عبدالعزیز سلیمی

۲- سوره: البقره آیه ۲۳۳

۳- سوره: البقره آیه ۲۶۷

۴- صحیح مسلم ج ۳ ص ۷۸ باب فَضْلِ النَّفَقَةِ عَلَى الْعِيَالِ وَالْمَمْلُوكِ وَإِثْمُ مَنْ صَبَعَهُمْ أَوْ حَبَسَ نَفَقَتَهُمْ عَنْهُمْ شماره حدیث ۲۳۵۷ و سنن

البيهقي الكبرى ج ۴ ص ۱۷۸ شماره حدیث ۷۵۴۶، رياض الصالحين - خاموش هروی ج ۱ ص ۳۰۳ شماره حدیث ۲۹۰



ترجمه: از ثوبان بن بُجْدُ آزاد شده رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: بهترین دیناری که مرد به مصرف می رساند، دیناریست که برای خانواده اش صرف می کند، و دیناری است که بر ستورش در راه خدا صرف می کند، و دیناری است که بر یارانش در راه خدا صرف می کند. و ابو هریره حدیث دیگری را در مورد به این الفاظ روایت می کند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- « دِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَدِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ فِي رَقَبَةٍ وَدِينَارٌ تَصَدَّقْتَ بِهِ عَلَى مَسْكِينٍ وَدِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ أَعْظَمَهَا أَجْرًا الَّذِي أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ ». (۱)

ترجمه: از ابو هریره رضي الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: دیناری است که در راه خدا صرف می کنی، و دیناری است که در آزادی بنده ای صرف می کنی، و دیناری است که بر مسکین صرف می کنی و دیناری است که به خانواده ات صرف می کنی، ثواب آنکه بر خانواده ات صرف می کنی فزونتر است.

با توجه به احادیث فوق که کلمه عیال و اهل در آن تذکر به عمل آمده است، دانسته می شود باید در انفاق و مصرف مراتب آن طوری که به آن تعلیم داده شده است (ابتدا بنفسک ثم بمن تعول) (با خودت و سپس کسی در تحت سرپرستی تو است، آغاز نما) (۲) رعایت گردد و اشاره به این شده است که نفقه و لباس خود شخص در اولویت قرار دارد بعد از آن نفقه و لباس خانم، فرزندان و سایر صاحبان حق و مصرف کردن در راه جهاد، آزادی بردگان و محتاجان است. تأمین نفقات اعضای خانواده و مصرف نمودن بر اهل و عیال نسبت به مصرف کردن به موارد دیگر مندرج احادیث بهتر دانسته شده زیرا از لحاظ شرعی سر پرست خانواده مسوول پرداخت نفقه آنها است، اما در سایر موارد شخص به عنوان مسوول درجه اول نیست چونکه مسوولیت تهیه و تنظیم مصارف جهاد و رهبری آن به دوش حکومت اسلامی بوده و فرد منحیث فرد مسوولیت دارد همچنان مصرف برای آزادی بردگان و سایر مستمندان تشویقی است نه وجوبی، اما پرداخت نفقه زوجات و اولاد بالترتیب قدر توان آن الزامی و دارای اجر و ثواب اخروی نیز است.

۱ - صحیح مسلم ج ۳ ص ۷۸ باب فَضْلِ النَّفَقَةِ عَلَى الْعِيَالِ وَالْمَمْلُوكِ وَإِثْمٌ مَنْ ضَيَعَهُمْ أَوْ حَبَسَ نَفَقَتَهُمْ عَنْهُمْ شماره حدیث ۲۳۰۸، ریاض

الصالحین - خاموش هروی ج ۱ ص ۳۰۲ شماره حدیث ۲۸۹

۲ - أبو الطیب محمد شمس الحق العظیم آبادی، عون المعبود باب في حق المرأة على زوجها، ج ۶ ص ۱۲۸ شرح سنن أبي داود، الطبعة

الثانية، ۱۴۱۵، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت،

## مطلب چهارم

### کیفیت و مقدار نفقه

علماء در مورد کیفیت نفقه زنان به اقوال ذیل اختلاف نموده اند:

اصحاب امام ابو حنیفه گفته اند پرداخت نفقه واجب است طوری که به گذشت زمان دین محاسبه نمی شود، مگر اینکه قاضی حکم نموده باشد یا رضایت زوجین باشد و به گذشت زمان از عهده شوهر ساقط می گردد.

به نزد امام شافعی پرداخت نفقه و کسوه مطلق بدون قید گذشت زمان واجب است، خواه قاضی حکم نموده باشد یا خیر همچنان رضایت زوج باشد یا نباشد نفقه با گذشت زمان ساقط نمی شود (أی لأن نفقتها آكد لأنها لا تسقط بغناها ولا بمضي الزمان ولأنها وجبت عوضاً) (۱)

در مورد مقدار نفقه زنان، علماء نیز به اقوال ذیل اختلاف نموده اند:

نزد احناف نفقه غیر مقدر و به قدر کفایه است، مانند رزق قاضی و مضارب.

نزد امام شافعی نفقه مقدر است و شیخ الإسلام زکریا الأنصاری در کتاب خود أسنی المطالب فی شرح روض الطالب مقدر بودن نفقه را چنین نقل نموده است: (فَلِزَوْجَةِ الْمُوسِرِ عَلَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ أُمَّةً أَوْ مَرِيضَةً أَوْ دَاتَ مَنْصِبٍ أَوْ نِيْمَةً مُدَّانٍ وَلِزَوْجَةِ الْمُعْسِرِ عَلَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ كَذَلِكَ مُدٌّ وَلِزَوْجَةِ الْمُتَوَسِّطِ عَلَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ كَذَلِكَ مُدٌّ وَنِصْفٌ) (۲) به این مفهوم نفقه زن برابر است که کنیز، مریض، صاحب منصب یا نمی باشد، بر شخص موسر دو مُد (پیمانانه) و بر شخص معسر یک مد همچنان بر شخص متوسط یک مُد و نصف است. اما دکتور وهبة الزحیلی در فقه اسلامی وادلته مقدار نفقات را بیان نموده و میگوید به اتفاق علماء نفقات زوجات و اقارب به قدر کفایه است و دلیل آن قول پیامبر صلی الله علیه وسلم است که از پیغمبر صلی الله علیه وسلم عایشه رضی الله عنها چنین روایت است: عن عائشة رَضِيَ اللهُ عَنْهَا: أَنْ هُنْدًا قَالَتْ لِلنَّبِيِّ -صلى الله عليه وسلم-: إِنَّ أَبَا سُفْيَانَ رَجُلٌ شَجِيحٌ فَهَلْ عَلَيَّ جُنَاحٌ أَنْ أَخَذَ مِنْ مَالِهِ؟ قَالَ: « خُذِي مَا يَكْفِيكَ وَوَلَدِكَ بِالْمَعْرُوفِ » (۳)

۱ - أبي بكر ابن السيد محمد شطا الدميّاطي، حاشية إعانة الطالبين على حل ألفاظ فتح المعين لشرح قرّة العين بمهمات الدين ج ٤ ص ٩٩

الناشر دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، مكان النشر بيروت، و بدايع والصنایع ج ٤ ص ٢٥

۲ - شيخ الإسلام زکریا الأنصاری، أسنی المطالب فی شرح روض الطالب، ج ٣ ص ٤٢٦ دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠٠، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد محمد تامر.

۳ - السنن الكبرى وفي ذيله الجوهر النقي شماره حديث ١٦١٠٨ ج ٧ ص ٤٦٦

ترجمه: عایشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا می گوید: هند؛ به پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم گفت: ای رسول خدا! ابوسفیان مرد بخیلی است، به اندازه کافی مخارج زندگی من و فرزندانم را به من نمی دهد، آیا اگر از اموال وی بدون اجازه بردارم بر من گناهی هست؟ فرمود: «از اموالش به اندازه ای که مخارج تو و فرزندان را کفایت کند؛ به روشی پسندیده بردار»

وباتوجه به اینکه انسانها از لحاظ وضعیت زندگی در بخشهای اجتماعی و اقتصادی متفاوت اند، نمی توان مقدار نفقات را معین نمود از نظر من هم قول راجح همین است (نفقه زن و اولاد به قدر کفایه است نه مقدر) به این نتیجه میرسیم که نفقه خویشاوند مقدار معین ندارد و به قدرکفایه است و حسب احوال و میزان نیاز متفاوت می باشد، طورمثال گاهی بزرگ سال به چیزی نیاز دارد که اطفال ندارد و برعکس یا اینکه زن نیاز به خدمت گار داشته باشد استخدام آن نیز واجب است و با توجه به حالات، نفقه برحسب حال کسی است که بر وی نفقه صورت میگیرد به این تفاوت که نفقه زن یک حق مالی تعویضی است و به تاخیر آن ساقط نمی گردد بلکه به وام تبدیل می شود، اما نفقه خویشاوند به منظور مواسات و دستگیری است در صورت عدم پرداخت در وقت نیاز و با گذشت میعاد آن به وام تبدیل نمی شود صرف مرتکب نافرمانی الله شده گنهگار می شود. (۱)

## مبحث دوم

### نفقات زنان هنگام پایان زندگی مشترک

با عقد نکاح زندگی مشترک آغاز و این زندگی گاهی به مشکلات مواجه گردیده و منجر به فسخ یا طلاق می گردد. پس از طلاق، شریعت اسلامی سپری نمودن مدتی را برای زوج لازم دانسته تا برای ازواج بعدی آماده گردد، در این مدت کم و بیش آثاری از ازدواج قبلی همچنان باقی است، لذا این پرسش مطرح می گردد که در این مدت، نفقه زنی که زندگی مشترک آن با شوهرش پایان یافته اما در عین حال برایش اجازه نیست که به ازدواج دوم اقدام نماید، بر عهده کیست؟ همچنان مرگ یک امر حتمی است که سر انجام برای مرد و زن هر دو اتفاق می افتد، اما این اتفاق گاهی برای مرد اتفاق افتاده و خانمش مدتی پس از وفات شوهرش زنده و حیات می باشد، سوالی در این قسمت مطرح می گردد این است که در این دوره از حیات زن نفقه آن بر عهده

۱- احمد عیسی عاشور، فقه آسان در مذهب امام شافعی ص ۲۹۱-۲۹۲

کیست؟ آیا باز هم نفقه خانم از مال شوهر متوفای آن پرداخته می‌شود یا اینکه کدام راه حلی دیگری در شریعت اسلامی برایش پیش بینی گردیده است.

از لحاظ شرعی این مدت خود به دو دوره تقسیم می‌گردد، اول زمانی است که شریعت آنرا به حیث عدت تعیین کرده که خانم آنرا انتظار کشیده به ازدواج ثانی اقدام کرده نمی‌تواند، دوم زمانی پس از سپری شدن عدت است. در مورد زمان پس از عدت هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد که در این زمان آثاری نکاح کاملاً از بین رفته و بر اثر نکاحی که شایبه وجود آن هم به ملاحظه نمی‌رسد، نمی‌توان نفقه را بر شوهر متوفی واجب دانسته از مال متوفی نفقه آنرا پرداخت در حالی که خانم آزاد است می‌تواند به ازدواج جدید اقدام نماید یا از میراثی که از شوهر متوفای خود دریافت نموده مصارف و هزینه‌های زندگی خودش را تامین نماید، همچنان به نسبت اینکه در قید نکاحی کسی نیست و مانعی برای کسب و کار آن نیز وجود ندارد می‌تواند از این طریق به امرار معاش خود به پردازد و اگر هیچ کدام از این روش‌ها پاسخگوی نیازهای آن نباشد در آن صورت نفقه آن بر اقربای آن خواهد بود.<sup>(۱)</sup>

اما بحث اساسی در اینجا نفقه زنانی است که در تحت عدت قرار دارند و در زمان عدت اثر ازدواج قبلی به ملاحظه می‌رسد، مثل اینکه در این مدت نمی‌تواند ازدواج کند یا در این مدت باید در خانه شوهر باقی بماند و غیره موضوعاتی که از آثار ازدواج قبلی است کم و بیش به ملاحظه می‌رسند. بنابر آن این موضوع در این مبحث بررسی می‌گردد.

برای اینکه این مسأله به درستی و دقیق تر قابل درک باشد، بحث حاضر با تعریف عدت آغاز می‌گردد.

### **تعریف عدت**

عده در لغت به معنی شمارش عدد است و در اصطلاح شرع زمانی معینی را گفته می‌شود که زن به خاطر کسب اطمینان از عدم حاملگی، جلوگیری از اختلال نسب، پاسداری از حقوق شوهر اولی و حلال شدن نکاح باشوهر بعدی در حالت انتظار قرار داشته و این ایام را مطابق به سفارشات اسلام سپری می‌نماید. یا به عبارت دیگر شخصی که زن خود را طلاق دهد و یا به سببی از اسباب مانند فسخ نکاح، وفات شوهر و حالات دیگر، جدایی میان زن و شوهر به وجود آید، سپری نمودن عدت حتی برای زنان سالمند و نازا هم لازم است و این سپری نمودن زمان را عدت گویند

<sup>۱</sup> - سید سابق، فقه السنه ۷ / ۲۸، مترجم: ابراهیمی، دکتر محمود ابراهیمی

که عدت حسب حال زن فرق می کند و با تمام انواع آن به تفصیل در کتاب های فقه مورد بحث قرار گرفته است که میتوان برای دانستن موضوع به کتاب های فقهی مراجعه نمود. (۱)

اما مقصود از این بحث تامین نفقه زنان هنگام سپری نمودن عدت است که آیا زنان هنگام عدت طلاق، فسخ نکاح یا وفات مستحق نفقه و سکنی می شوند یا خیر؟.

## مطلب اول

### نفقه زنان در مدت عدت طلاق یا فسخ عقد

احکام تامین نفقه عدت زوجات در حالات متعدد از هم متفاوت اند، به طور مثال زوجات درحالتی که صرف یک طلاق رجعی داده شود برابر است که حامله باشد یا خیر حکم تامین نفقه این عدت از حالتی که زن در آن به طلاق باین یا ثلاثه طلاق داده شده باشد، فرق می کند، زیرا در این حالت حکم تامین نفقه عدت بر می گردد به وضعیت زن که آیا زن حامله است یا خیر همچنان در طلاق باین و ثلاثه که زن غیر حامله باشد حکم تامین نفقه آن متفاوت از احکام حالت های قبلی بیان می گردد که باید هر کدام از حالات در موضع آن، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

### الف: حالات زنان مطلقه

طلاق یکی از حالاتی است که به زندگی مشترک زنان با شوهران شان پایان می دهد. زنی که از طرف شوهر طلاق گردیده به نام مطلقه یاد می گردد و زنان مطلقه دارای حالات ذیل می باشند:

#### حالت اول

حالت اول در صورتی اتفاق می افتد که عقد به نکاح صحیح صورت گرفته و زن به طلاق رجعی طلاق داده شده باشد، خواه حامله باشد یا نباشد، به اتفاق علماء زنان در ایام سپری نمودن عدت طلاق رجعی مستحق نفقه و مسکن می باشند، چون خداوند جل جلاله در این مورد می فرماید: {أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ} (۲) ترجمه: زنان مطلقه را در جایی سکونت دهید که خودتان در آنجا زندگی می کنید و در توان دارید، زیرا زندگی میان زن و شوهر هنوز به طور مجموعی به پایان نرسیده ملک نکاح باقی است و در حکم همسر شوهرش می باشد و زن حق ازدواج با شخص دیگری را در این ایام ندارد.

۱ - فقه خانواده در جهان معاصر ص ۳۸۷

۲ الطلاق : ۶

## حالت دوم

صورت دوم آن است که زن مطلقه حامله باشد، در صورتی که زن حامله باشد به اتفاق علماء مستحق نفقه و سکنی می باشد، برابر است که عدت طلاق رجعی، باین یا ثلاثه باشد، به هر حال تامین نفقه آن واجب است، به دلیل این قول الله جل جلاله {وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ} (۱)

و اگر زنان مطلقه حامله باشند، خرج و نفقه شان را بپردازید تا زمانی که وضع حمل میکنند

## حالت سوم

این حالت در صورتی است که زن به طلاق باین و طلاق قطعی داده شده و غیر حامله باشد، در مورد تامین نفقه آن میان علماء اختلاف نظر وجود دارد که نظریات آنها را ذیلا بیان می نمایم:

۱. نزد عمر بن خطاب، عمر بن عبدالعزیز امام ثوری و اصحاب امام ابوحنیفه در عدت طلاق باین و ثلاثه که شوهر حق رجوع را نداشته باشد، برای زن حق نفقه و سکنی است به دلیل فرموده خداوند جل جلاله {أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكُنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ} (۲) ترجمه: زنان مطلقه را در جایی سکونت دهید که خودتان در آنجا زندگی می کنید و در توان دارید. اینها به مفهوم عام این ایه استدال نموده و می گویند وقتی که محل سکونت برایش ثابت است، نفقه نیز به تبعیت آن لازم می شود، چون در طلاق رجعی وزنی که حامله باشد در هر حال نفقه لازم است همچنان به مجرد عقد ازدواج نفقه و سکنی لازم می گردد در طلاق باین و قطعی هم زن مکلف به زندگی نمودن تا پایان عدت خود در منزل شوهر است و چون برای حق شوهر در خانه بند شده است، نفقه نیز برایش داده شود. همچنان نفقه زن مفقود الاثر بر شوهرش لازمی است در سایر حالات تبعاً قابل پرداخت است، عدم پرداخت نفقه در حالت عدت طلاق نوعی از ضرر رساندن به خانمها است که اسلام انسان را از ضرر رساندن به خود و دیگران منع نموده است و در موطا مالک از پیغمبر صلی الله

۱ - سوره الطلاق آیه : ۶

۲ - سوره الطلاق آیه: ۶

عليه و سلم در مورد چنین روایت شده است: عَنْ عَمْرٍو بْنِ يَحْيَى الْمَازِنِيِّ عَنْ أَبِيهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ (۱)

ترجمه: از عمرو بن یحیی از پدرش یحیی از پیغمبر صلی الله علیه وسلم روایت است که پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمودند نه زیان به خود رسانیدن است و نه زیان به دیگری رسانیدن (۲) دین اسلام بر پایه مصلحت و منفعت بنا شده است ضرر رسانیدن را به خود و دیگران منع کرده است. در مورد وجوب نفقه عده زنی که در عقد نکاح وی فسخ صورت می گیرد، عبارت ذیل نقل گردیده است: (فإذا قال الولي لرجل: زوجتك هذه البكر فظهرت ثيبا كان للزوج الخيار ثم إذا فسخ العقد قبل الدخول فلا مهر . ولا شيء من حقوق الزوجية وإن كان بعد الوطء أو مع الوطء كان لها مهر المثل وعليه نفقة العدة والسكنى والكسوة). (۳)

ترجمه: هرگاه ولی زن برای مردی گفت که این باکره را برای تو به نکاح دادم، سپس آشکار شد که باکره نیست، ثیبه است، یعنی زن است نه دختر، در این صورت بعد از آنکه ثیبه بودن زن ثابت شد، در فسخ نکاح و قبول وی برای مرد اختیار است. و هرگاه عقد نکاح قبل از دخول فسخ گردد، در این صورت پرداخت مهریه بر مرد لازم نمی گردد، همچنان هیچ حقی از حقوق زوجیت مانند نفقه، کسوه، سکنی و غیره بر آن لازم نمی گردد. اگر فسخ نکاح بعد و طی یا توأم با وطی صورت گرفت در این حالت اگر نکاح فسخ گردد، برای زن مهر مثل ثابت است و بر مرد نفقه، سکنی و کسوه زن در زمان عدت نیز لازم می گردد، زیرا فسخ نکاح بعد از دخول صورت گرفته که در چنین حالتی سپری نمودن عدت لازم می گردد و آثار ازدواج که نفقه، سکنی و کسوه است، در ایام عدت نیز لازم می گردد.

امام شافعی و امام مالک (رح) میگویند صرف مستحق سکنی است نه نفقه بنا بر دو دلیل: اول {أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ} ترجمه: زنان مطلقه را در جایی سکونت دهید که خودتان در آنجا زندگی می کنید و در توان دارید از مفهوم این آیت دانسته می شود که برای زن مطلقه صرف

۱ - أبو عبدالله مالك بن أنس أصبجي ، موطأ الإمام مالك، باب القضا في المرفق ج ۴ ص ۱۰۷۸ شماره حدیث ۲۷۵۸ ، تحقیق: محمد مصطفى الأعظمي، الناشر : مؤسسة زايد بن سلطان آل نهيان، الطبعة : الأولى ۱۴۲۵هـ - ۲۰۰۴م، مصدر الكتاب : موقع الإسلام الطبعة : الأولى ۱۴۱۳ هـ - ۱۹۹۱ م، الناشر : دار القلم - دمشق.

۲ - شيخ محمد علي خالدي (سلطان العلماء) شرح اربعين نووي ص ۲۵۱

۳ - الفقه على المذاهب الأربعة، مبحث إذا اشترط في النكاح شرطاً أو أضافه إلى زمن ج ۴ ص ۵۰ ، سيد سابق، فقه السنه ج ۴ ص ۱۹۳-

حق سکنی است نه نفقه و دلیل دومی {وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ} (۱) ترجمه: و اگر زنان مطلقه حامله باشند، خرج و نفقه شان را بپردازید تا زمانی که وضع حمل میکنند

در این آیت امر به انفاق برحامله شده است و این خاص است در صورتیکه برای غیر حامله نفقه شود تخصیص باطل می شود. (۲)

۲. به نزد امام احمد بن حنبل، داود و ابو ثور، اسحاق و به نقل از علی ابن ابی طالب، ابن عباس، جابر، حسن بصری، عطاء، شعبی، ابن ابی لیلی، برای زن مطلقه باینه نه نفقه است و نه حق سکنی و اینها استدلال نموده اند به حدیث بخاری و مسلم که از فاطمه دختر قیس روایت کرده اند: فَاطِمَةُ بِنْتُ قَيْسٍ أَنَّهُا قَالَتْ: «طَلَّقَنِي زَوْجِي ثَلَاثًا فَلَمْ يَجْعَلْ لِي النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - نَفَقَةً وَلَا سُكْنَى» ترجمه: فاطمه بنت قیس گفت که مرا شوهرم طلاق ثلاثه داد نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم و رفتم و پرسیدم از ایشان که استحقاق نفقه را در ایام عدت دارم یا خیر پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند استحقاق نفقه و حق سکنی را نداری.

### ۳. قول راجح

با در نظر داشت استدلالات صورت گرفته چنین به نظر می رسد که قول راجح آن باشد که برای زنی مطلقه باینه و قطعی نیز حق نفقه و حق سکنی داده شود، زیرا در ثبوت محل سکونت اکثریت فقها اتفاق نظر دارند و از آنجایی که فلسفه شرعی عده بنا بر دانستن برائت و پاکي رحم زن است تا نسب ها مخلوط نشوند (۳) و قتی که زن در ایام سپری نمودن عدت حق ازدواج با شوهر جدید را ندارد، دلیل آن وفا داری به حق شوهر اولی است و در طلاق باین و قطعی هم زن مکلف به زندگی نمودن تا پایان عدت خود در منزل شوهر است و برای حق شوهر در خانه بند شده است از اینرو مستحق محل سکونت شده است، نفقه نیز به تبعیت ثبوت محل سکونت برایش ثابت می شود، والله اعلم.

۱ - سوره الطلاق آیه : ۶

۲ - بدایع الصنائع ج ۳ ص ۲۰۹، فقه السنه ج ۴ ص ۴۳۸ - ۴۳۹، ۴۱. محمد فواد بن عبد الباقي بن صالح بن محمد (المتوفى: ۱۳۸۸ هـ)، اللؤلؤ والمرجان فیما اتفق علیه الشیخان ج ۱، ص ۲۸۷، الناشر: دار إحياء الكتب العربية - محمد الحلبي ب ت،

۳ - فقه السنه ج ۴ ص ۴۱۹



## مطلب دوم

### نفقة زنان در مدت عدت وفات

یکی دیگر از حالاتی که به زندگی مشترک زنان با شوهران شان پایان می‌دهد وفات شوهر است. در صورتی شوهر وفات کند و زن حیات داشته باشد، از لحاظ شرعی سپری نمودن عدت بر زن نیز لازمی و واجب است. پرسش این است که نفقه زن بر عهده کیست؟

زنی که شوهرش وفات نموده باشد و زن در حالت عدت و فات شوهرش قرار داشته باشد به اتفاق علماء در عدت وفات مستحق نفقه از مال شوهرش شده نمی‌تواند در این مدت می‌تواند از میراثی که برایش رسیده است نفقه خود را تامین نماید. اما نزد امام مالک باید در مدت عدت در منزل شوهر باقی بماند (۱)

دلیل اینکه در عده وفات نفقه زوجه بر شوهرش لازم نیست، این است:

{وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَّعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ } ( ۲ )

ترجمه: و کسانی که از شما در آستانه مرگ قرار می‌گیرند و همسرانی را از خود به جای می‌گذارند، ( فرمان خدا این است که ) باید برای همسران خود وصیت کنند که تا يك سال آنان را ( با پرداخت هزینه زندگی ) بهره مند سازند، به شرط این که آنان ( خودشان از خانه شوهر ) بیرون نروند، پس اگر بیرون روند هر کار پسندیده ای که نسبت به خود انجام دهند ( از قبیل ازدواج مجدد ) گناهی بر شما نیست، و خداوند توانا و حکیم است .

طبق حکم این آیت در ابتدای اسلام شوهران هنگامی که در شرف مرگ قرار می‌داشتند برای همسران خود وصیت به سکنی تا یک سال و تامین نفقه را می‌نمودند و ورثه آن طبق حکم این آیت عمل می‌نمودند و هیچ سهمی از میراث ازواج شان برای این زنان نبود، مفسرین در تحت این آیت می‌نویسد، جماعه از مفسرین گفته اند زنانی که شوهرانشان وفات نموده اند تا مدت یک سال در خانه‌های شوهرانشان بنشینند و زنانی که می‌نشستند برای شان از مال شوهرانشان نفقه داده می‌شد تا زمانی که خود شان از خانه‌های شوهرانشان خارج نشوند و هرگاه که خود شان از منزل خارج شدند برای ورثه در قطع نفقه گناهی نیست و با نزول این آیه مبارکه:

۱ - فقه خانواده در جهان معاصر ص ۴۵۹

۲ - سورة البقرة آیه: ۲۴۰

(وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا )

ترجمه: و کسانی که از شما ( مردان ) می میرند و همسرانی از پس خود به جایی می گذارند، همسرانشان باید چهار ماه و ده شبانه روز انتظار بکشند (عده نگاه دارند) نسخ شد یک سال به چهار ماه و ده شبانه روز و با نزول آیه میراث که در سوره نساء به الفاظ ربع و ثمن به عوض از نفقه و سکنی آمده است (آنچه که از شوهرانشان باقی مانده است) نسخ شد و جوب وصیت به نفقه و سکنی، و این قول ابن عباس و قتاده و ضحاک و ابن زید و ربیع است (۱) و ابن عباس رضی الله عنه چنین گفته است (لا نفقة لها وحسبت الموارث) همچنان از جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده که می فرماید: برای زوجه شخص متوفی نفقه نیست میراث برایش کافی می باشد (۲)

دلیل دیگری که در زمینه آورده می شود این است که سپری کردن عده وفات عبادتی است که بر زوجه واجب گردیده است و برای زوج در سپری نمودن این عده، هیچ حقی بر زوجه وجود ندارد، به دلیل اینکه عده وفات همراه با علم بر پاک بودن رحم زوجه بازم بر وی واجب است، همچنان بر زوج واجب نیست که نفقه زوجه اش را برای انجام و سپری کردن عده وفات بپردازد، مانند اینکه نفقه ادای سایر عبادات زن بر عهده شوهرش نمی باشد. دیگر اینکه در حالت سپری کردن عده وفات، زوجه نفش را تسلیم شوهر در منزل آن نکرده است، مانند زوجه ناشزه است، زیرا دیگر نه زوجی وجود دارد که خود را تسلیم آن کند و نه دیگر، خانه مال شوهر است بلکه به مجرد وفات شوهر همه دارای آن به ورثه انتقال می گردد. (۳)

همچنان قانون مدنی افغانستان با تبعیت از دیدگاه اتفاقی فقهاء در ماده ۲۱۵ چنین تصریح کرده است که: «در صورت وفات زوج، زوجه مستحق نفقه نمی گردد، خواه حامله باشد یا نه.»

۱- أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي (المتوفى: ۶۷۱ هـ) الجامع لأحكام القرآن باب تابع تفسير سورة البقرة، ج ۳ ص ۲۲۶، تحقيق، هشام سمير البخاري الناشر: دار عالم الكتب، الرياض، المملكة العربية السعودية، الطبعة: ۱۴۲۳ هـ/ ۲۰۰۳ م، عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي، الدر المنثور، ج ۱، ص ۷۳۸، الناشر: دار الفكر - بيروت، ۱۹۹۳، علي بن أحمد الواحدي أبو الحسن، الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، ص ۱۷۶، محمد سيد طنطاوي، التفسير الوسيط، ص ۴۴۱، مصدر الكتاب: موقع التقاسير\_

<http://www.altafsir.com>

۲- محمد ضياء الرحمن الأعظمي، المنة الكبرى شرح وتخریج السنن الصغرى، ج ۶ ص ۴۵۲ الناشر مكتبة الرشد، سنة النشر ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۱ م، مكان النشر السعودية/ الرياض

۳- أحمد بن محمد بن أحمد بن جعفر بن حمدان أبو الحسين القدوري (المتوفى: ۴۲۸ هـ)، التجريد للقدوري التجريد للقدوري ج ۱ ص ۵۲۹۶، المحقق: مركز الدراسات الفقهية والاقتصادية، أ. د محمد أحمد سراج ... أ. د علي جمعة محمد، الناشر: دار السلام - القاهرة، الطبعة: الثانية، ۱۴۲۷ هـ - ۲۰۰۶ م

## مطلب سوم

### حالات سقوط نفقات زنان

طوری که نفقه زنان بر مردان لازم است بعضی از حالات است که نفقه زن به عهده مرد نمی باشد و در ارتباط به اینکه چه زمانی نفقه زنان از عهده مردان ساقط می شود و مردان مکلف به پرداخت نفقه دانسته نمی شود، چندین حالت است که ذیلاً به آن ها پرداخته می شوند:

۱. موت یکی از زوجین در صورتی که مرد قبل از اعطای نفقه بمیرد زن نمی تواند چیزی را از مال شوهرش به عنوان نفقه بگیرد.

۲. ابراء از نفقه ماضیه: هر گاه زن نفقه ماضیه را ابراء داد یا بخشش نمود نفقه ساقط می شود، اما در صورتی که نفقه آینده را ابراء یا هبه نمود نفقه ساقط نمی شود، زیرا اسقاط واجب قبل از وجوب آن درست نمی باشد.

۳. نشوز: نشوز عبارت از نافرمانی زن از شوهر در آن چیزهای است که به سبب عقد نکاح واجب می شوند و نفقه به سبب نشوز ساقط می شود ولو که به سبب امتناع مس بدون عذر شرعی باشد، زیرا نفقه در مقابل استمتاع است، همچنان خروج از منزل بدون اجازه یا سفر و یا احرام حج بدون اجازه شوهر نشوز شمرده شده و باعث سقوط نفقه می گردد.

۴. تمکین زن برای پسر شوهرش قبل از طلاق.

۵. ردت: ردت عبارت از خروج از اسلام است که باعث امتناع از استمتاع می شود (۱)

در مجموع در حالات فوق الذکر نفقه خانم از ذمه شوهر ساقط می گردد.

## مبحث سوم

### نفقات خویشاوندان و اقارب

این مبحث که دارای پنج مطلب است موضوعات شامل این بحث بالترتیب نفقات پدر و مادر، اصول غیر از پدر و مادر (اجداد و جدات) فروع آنها غیر از پسر و دختر (نواسه ها) مقدار و حالات سقوط نفقات است که در مطالب جداگانه مورد بحث و بررسی قرار گرفته تا احکام و مسایل فقهی موضوعات متذکره با استفاده از منابع معتبر واضح و به عبارات سهل و آسان تحریر و برای

۱ - فقه اسلامی و ادله ج ۷ ص ۷۷۸ - ۷۷۹، فقه علی المذاهب الاربعه ج ۴ ص ۵۰۲ - ۵۰۴، بدایع والصنایع ج ۴ ص ۲۹ و مفتی محمد

عاشق الهی البرنی، شرح قدوری/ التسهیل الضروري لمسائل القدوری ص ۴۳۲

همگان قابل استفاده باشد. مفهوم اقارب و خویشاوند ریشه در فرهنگ اسلامی دارد و به کسانی اطلاق می شود که باهم رابطه نسبی و نژادی دارند، حسب رهنمودهای اسلام، انسان مسلمان هنگام داشتن امکانات مالی نباید از انفاق و مصرف برپدر و مادر، اقارب و خویشاوندان معسر، خویش کوتاهی نماید.

## مطلب اول

### نفقات پدر و مادر

هدف از بیان حقوق و مسوولیت‌ها عمل نمودن به احکام برای ادای حقوق و اجراءات مطابق به دستور العمل و قضاوت منصفانه هنگام بروز اختلاف و نزاع میان طرفین است تا قضاوت در روشنی احکام قانون صورت گرفته حق از ناحق تشخیص گردد، از آنجایی که پدر و مادر سبب وجود انسان بوده و رابطه اولاد با والدین در بعضیت و جزئیت است. پدر و مادر بر اولاد حقوق زیاد دارند مانند نیکی نمودن، اطاعت و فرمانبرداری از ایشان در کارهای مشروع، خود داری از آزار و اذیت و نا سزا گفتن به ایشان و لو به استعمال کلمات که باعث رنجش خاطر گردد، چون خداوند جل جلاله اهمیت موضوع را با الفاظ بسیار تکان دهنده بیان کرده و می فرماید: {وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا} (۱)

ترجمه: [ای انسان!] پروردگارت فرمان داده است که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید [و با آنان نیکو رفتار نمائید]. هرگاه یکی از آن دو و یا هر دوی ایشان نزد تو به سن پیری برسند، [کمترین اهانتی بدیشان مکن و حتی سبکترین تعبیر نامؤدبانه همچون] اف به آنان مگو! [و بر سر ایشان فریاد مزن] و آنان را از پیش خود مران و با سخنان محترمانه با آن دو سخن بگو.

همچنان تلاش نمودن به منظور کسب رضایت آنها که رضایت شان بستگی به رضایت پروردگار دارد، سپاسگذاری از خدمات قبلی ایشان، شرکت در جهاد فرض کفایی بعد از کسب اجازه ایشان و موارد دیگر از جمله تأمین نفقه و مصرف نمودن به آنها یکی از حقوق دیگر ایشان بوده که ذیلاً واضح می گردد.

<sup>۱</sup> سوره: الإسراء / ۲۳

نفقة والدین بر اولاد به قرآنکریم، سنت و اجماع امت ثابت شده است.

### الف: دلیل آن از قرآن:

الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: {وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا}

ترجمه: (ای انسان!) پروردگارت فرمان داده است که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید (و با آنان نیکی رفتار ننمائید) همچنان می‌فرماید (وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا)<sup>۱</sup>

ترجمه: هر گاه آن دو، تلاش و کوشش کنند که چیزی را شریک من قرار دهی که کمترین آگاهی از بودن آن و (کوچکترین دلیل بر اثبات آن) سراغ نداری، از ایشان فرمانبرداری مکن. (چرا که در مسأله عقائد و کفر و ایمان همگامی و همراهی جائز نیست، و رابطه با خدا، مقدم بر رابطه انسان با پدر و مادر است، و اعتقاد مکتبی برتر از عواطف خویشاوندی است. ولی در عین حال) با ایشان در دنیا به طرز شایسته و به گونه بایسته ای رفتار کن)<sup>۲</sup>

در این آیت و آیات دیگر خداوند جل جلاله انسان را به نیکی کردن و زندگی نمودن به حسن معاشرت با والدین دستور داده است که عموماً همه در مورد نیکی و احسان نمودن به والدین است اما در صورتیکه والدین نیاز نفقه داشته باشند اولاد های شان در ناز و نعمت و راحتی زندگی نمایند و به نیاز مندی و ضروریات زندگی والدین شان توجه ننمایند خلاف معروف و احسان شمرده می شود بناء تامین نفقه و مایحتاج زندگی والدین یکی از حقوق ایشان بوده که در معروف و احسان به آنها شامل است.

### ب: دلیل از سنت:

برخی دلایلی از سنت رسول الله صلی الله علیه سلم نیز وجود دارد که دلالت بر پرداخت نفقه والدین توسط فرزندان می‌نماید و در این قسمت به برخی از آن پرداخته می‌شود.

عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده أن أعرابيا أتى النبي صلى الله عليه وسلم قال: إن لي مالا وولدا وأن والدي يريد أن يجتاح مالي فقال أنت ومالك لأبيك إن أولادكم من أطيب كسبكم. (۳)

<sup>۱</sup> سوره: لقمان : آیه ۱۵

<sup>۲</sup> مصطفی خرم دل، تفسیر نور ص: ۶

<sup>۳</sup> سنن البيهقي الكبرى ج ۷ ص ۴۸۰ باب نفقة الأبوين شماره حديث ۱۵۵۲۷، أحمد بن محمد، شرح معاني الآثار ج ۴ ص ۱۵۸ باب الوالد هل يملك مال ولده أم لا شماره حديث ۵۶۹۴ الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة الأولى، ۱۳۹۹ تحقيق: محمد زهري النجار، علاء الدين علي بن حسام الدين المتقي الهندي البرهان وري، كز العمال في سنن الأقوال والأفعال ج ۱۶ ص ۵۸۰ باب بر الوالدين شماره حديث

ترجمه: عمرو بن شعيب از پدرش و او از جدش روایت می کند که شخص اعرابی نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آمد و گفت من مالی و فرزندی هم دارم، پدرم می خواهد مال من را از بین ببرد رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود تو و مالت از آن پدیرت هستی و اولاد شما از بهترین کسب شما به حساب می آید.

به این معنی هرگاه پدیرت به مال تو احتیاج داشته باشد و نزد تومالی نباشد به جز از کسب و کار خودت، باید از کسب خود برای او نفقه نمایی و از این حدیث موارد دیگر هم دانسته می شود برای والدین جواز دارد از مال پسران شان بدون اجازه به طریقه نیک به اندازه نیازشان که اسراف در آن نباشد اخذ نمایند زیرا اولاد از کسب والدین است و نفقه والدین معسر به دوش اولاد موسر است و به نزد امام ابوحنیفه (رح) بیع اموال پسر غایب برای تامین نفقه پدر جواز دارد. از جهت اینکه در وقت حاجت تصرف بر مال اولاد خود کرده می تواند اما به نر اما ابو یوسف و امام محمد (رح) بیع اموال پسر غایب توسط پدر جواز ندارد. (۱)

ج: اجماع امت

نفقه والدین به اجماع امت ثابت است و در این مورد قول عالم فقیه مجتهد ابن منذر چنین است "أجمع أهل العلم على أن نفقة الوالدين الفقيرين اللذين لا كسب لهما ولا مال واجبة في مال الولد" (۲)

ترجمه: اهل علم بر این سخن اجماع نموده اند، نفقه والدین فقیری که نه کسب و نه از خود مالی داشته باشند که به آن نفقه و ما یحتاج زندگی شان تامین گردد، بر مال اولاد شان واجب است.

---

۴۵۹۳۸، الطبعة: الخامسة، ۱۴۰۱/هـ/۱۹۸۱م، ناشر مؤسسة الرسالة، أبو السعادات المبارك بن محمد جزري، النهاية في غريب الحديث والأثر ج ۱ ص ۸۳۴، الناشر: المكتبة العلمية - بيروت، ۱۳۹۹هـ - ۱۹۷۹م، محمد بن يزيد أبو عبدالله القزويني، سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۷۶۸، باب مال الرجل من مال ولده شماره حديث ۲۲۹۰، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار الفكر - بيروت ب ت.

۱- بدر الدين العيني الحنفي، عمدة القاري شرح صحيح البخاري ج ۲۰ ص ۱۰۲، مصدر الكتاب: ملفات وورد من ملتقى أهل الحديث، <http://www.ahlalhdeth.com>، ۲۰۰۶م،

۲- المؤتمر الإسلامي بجدة، مجلة مجمع الفقه الإسلامي التابع لمنظمة المؤتمر الإسلامي بجدة، ج ۱۲ ص ۱۸۲۸،

<http://www.ahlalhdeth.com>

نفقات والدین به صورت عموم حالات ذیل را در بر دارد:

### الف: حالت اول

در صورتیکه والدین از خود مال داشته باشند که کفایت نفقه و مایحتاج زندگی شان را نماید تعداد زیاد از فقهاء به این باوراند در این صورت نیاز به ایجاب نفقه شان به شخص دیگری نیست نفقه آنها باید از مال خود شان تامین شود (۱)

### ب: حالت دوم

در این حالت پدر فقیر است اولاد آن موسر در صورتیکه پدر فقیر باشد و اولاد آنها موسر بنا بر قول اظهر و اصح نفقه اصول فقیر غیرمکتسب اگر چه کافر هم باشند مشروط بر اینکه حربی نباشند بفرع شان که قدرت انفاق را داشته باشند واجب است. (۲) به دلیل این قول الله جل جلاله (وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا)

ترجمه شود با ایشان در دنیا به طرز شایسته و به گونه بایسته ای رفتار کن.

در این آیت خداوند جل جلاله اولاد آنها را مامور کرده است تا به طریقه معروف با ایشان معاشرت نمایند هرگاه در حالت فقر، ناداری و تنگدستی زندگی نمایند و فروع ایشان در حالت فراخ دستی و به ضروریات و مایحتاج زندگی ایشان توجه ننمایند در حالیکه مامور به نیکی کردن، حسن معاشرت و خوش رفتاری با ایشان اند این خود نوع از ضرر رساندن به ایشان بوده که حرام شمرده شده است.

به اتفاق مذاهب اربعه نفقه والدین (پدر و مادر) در مرحله اول نسبت به سایر اقارب بر اولاد است، هیچ کس دیگر در تامین نفقه آنها شریک او نمی باشد و به کفر آنها هم نفقه شان ساقط نمی شود (۳)

۱- زین الدین بن ابراهیم بن محمد، المعروف بابن نجیم المصري (المتوفى: ۹۷۰هـ)، البحر الرائق شرح كنز الدقائق وفي آخره: تكملة البحر الرائق لمحمد بن حسين بن علي الطوري الحنفي القادري (ت بعد ۱۱۳۸ هـ) و بالحاشية: منحة الخالق لابن عابدين ج ۴ ص ۲۲۴، الناشر: دار الكتاب الإسلامي، مجلة مجمع الفقه الإسلامي التابع لمنظمة المؤتمر الإسلامي بجدّة ج ۱۲ ص ۱۸۲۸-۱۸۲۹،

۲- مجلة مجمع الفقه الإسلامي التابع لمنظمة المؤتمر الإسلامي بجدّة ج ۱۲ ص ۱۸۲۸-۱۸۲۹، الفقه الإسلامي وأدلته ج ۱۰ ص ۱۴۴، الناشر: دار الفكر - سوربة - دمشق، الطبعة: الطبعة الرابعة.

۳- كمال الدين محمد بن عبدالواحد السيواسي المعروف بابن الهمام المتوفى ۸۶۱ هـ، فتح القدير (فصل) (قوله وعلى الرجل) أي المؤبر ج ۱۰ ص ۶، الناشر: دار الفكر، مصدر الكتاب موقع الإسلام <http://www.al-islam.com>، محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز عابدين دمشقي الحنفي (المتوفى: ۱۲۵۲هـ)، رد المحتار على الدر المختار ج ۳ ص ۶۲۳، الناشر: دار الفكر-بيروت، الطبعة الثانية، ۱۴۱۲هـ - ۱۹۹۲م، تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق وحاشية الثبلي، باب النفقه ج ۳ ص ۶۴، البحر الرائق شرح كنز الدقائق، أبو

### ج: حالت سوم

در این حالت پدر معسر(فقیر) است و اولاد آن هم فقیر است در صورتیکه هم پدر و هم اولاد معسر باشند از لحاظ حکم نفقه هیچ کدام بر یکدیگر شان لازم نمی گردد، در این صورت مسوولیت تامین نفقه پدر انتقال میکند به اقرباء دیگر(۱)

### د: حالت چهارم

در ارتباط به اینکه والدین قادر به کسب و دارای صحت باشند نفقه شان واجب است یا خیر در این مورد میان علماء اختلاف نظر وجود دارد که به برخی از آن به صورت فشرده ذیلاً اشاره می گردد:

امام شافعی (رح) به این نظر است که نفقه والدین واجب است بداشتن قدرت کسب به دلیل اینکه در کسب خستگی و ضرر بیشتر متوجه والدین می شود و اولاد مامور به دفع ضرر از والدین شان است، از مذهب احناف شمس الائمة سرخسی چنین میگوید که هرگاه پدر فقیر باشد و قدرت کسب را داشته باشد و اولاد هم کاسب باشد اولاد مجبور کرده شود به کسب و تامین نفقه آن زیرا شریعت نهی کرده است اولاد را از ادنا ترین نوع از ضرر به والدین که عبارت از تأفیف است که الله جل جلاله چنین می فرماید: **فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا**

ترجمه: (کمترین اهانتی بدیشان مکن و حتی سبکترین تعبیر نامؤدبانه همچون) **أف** به آنان مگو! (و بر سر ایشان فریاد مزن) و آنان را از پیش خود مران و با سخنان محترمانه با آن دو سخن بگو. در ملزم ساختن اصول (پدر) به کار در حالیکه اولاد آن غنی یا صاحب کسب باشند معنی ضرر رساندن بیشتر تحقق پیدا می کند که در این حال نهی شریعت موکد تر و به طریق اولی است. از این جهت است که پدر به دین بچه بندی نمی شود اما بچه به دین پدربندی می شود همچنان شریعت اضافت مال بچه را به پدر نموده است. نزد مذاهب سه گانه فقهی چنین است پدر حق دارد

---

البرکات أحمد بن محمد العدوي الشهير بالدردير (المتوفى: ١٢٠١هـ)، الشرح الكبير ج ٢ ص ٥٢٢ مصدر الكتاب: موقع يعسوب، أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري البغدادي، الشهير بالماوردي (المتوفى: ٤٥٠هـ)، الحاوي في فقه الشافعي ج ١١ ص ٤٨٦، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى ١٤١٤هـ - ١٩٩٤، الشرح الكبير لابن قدامة ج ٩ ص ٢٧٥، أبو الحسن علي بن الحسين بن محمد السعدي، التنف في الفتاوى ج ١ ص ١٩٦، سنة الولادة / سنة الوفاة ٤٦١، الناشر دار الفرقان / مؤسسة الرسالة، سنة النشر ١٤٠٤ - ١٩٨٤، مكان النشر عمان الأردن / بيروت لبنان، فقه السنة - سيد سابق ج ٧ ص ٢٥

١ - تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق وحاشية الشلبي ج ٣ ص ٦٤



از مال اولادش تنها به قدر نیاز و رفع حاجت خویش بگیرد، اما امام احمد (رح) می‌گوید پدردار در وقت حاجت و غیرحاجت در حالت عادی از مال پسرش هر قدر خواسته باشد بگیرد. جمهور احناف در وجوب نفقه والدین صرف فقرشان را شرط دانسته اند و حنابله بر علاوه فقر نداشتن قدرت کسب را هم شرط وجوب نفقه می‌دانند در ارتباط به اینکه والدین قادر به کسب و دارای صحت باشند نفقه شان واجب است یا خیر دوقول است یکی اینکه مستحق نفقه اند و دیگری مستحق نفقه نمی‌شوند، قول راجح این است که هدف از نفقه والدین دریافت مسوول نفقه آنها می‌باشد که عبارت از اولاد شان است و والدین شامل اجداد و جدات می‌شود هر قدر بالا رود از این رو اولاد مباشرشان مکلف به تامین نفقه آنها اند و شرط وجوب نفقه صرف فقر ایشان است و با موجودیت فقر عجز شان از کسب شرط نگردیده است، لکن کسیکه کسب داشته و با کسب کفایت آن گردد نفقه اش از عهده اولاد ساقط می‌گردد. (۱)

و وجوب پرداخت نفقه والدین به ترتیب قرب و بعد جزئیت است نه به اساس میراث که از ارایه مثالها در مورد به وضاحت دانسته می‌شود:

هرگاه باشد برای شخصی برادر شقیق و دختر دختر اگرچه پایان برود یا بچه دختر، نفقه آن بر دختر دختر (نواسه) است، اگرچه میراث آن برای برادرش که درجه قرابت ان نسبت به دختر دختری دور است، می‌رسد.

هرگاه برای شخصی بچه بچه و بچه دختر (نواسه های بچگی و دختری) باشد، همه اینها در مسوولیت پرداخت نفقه یکسان اند، اما میراث وی می‌رسد برای نواسه بچگی آن.

همچنان برای شخصی بچه و بچه بچه (اولاد و نواسه) باشد که هر یک ایشان توانمند باشند، نفقه بر بچه شخص ثابت است نه بر نواسه، زیرا قرابت بچه نسبت به نواسه به او بیشتر است.

هرگاه درجه قرابت یکسان باشد نفقه بالای هر یک از ایشان واجب می‌شود، مگر اینکه یکی بر دیگری ترجیح داده شود، مانند اینکه برای شخصی پدر و بچه است، اگر چه درجه قرابت هر دو یکسان است، نفقه آن ترجیحاً بر بچه او است.

همچنان برای کسی که جد (پدرکلان) و بچه بچه است از اینکه درجه قرابت هر دو یکسان است، نفقه آن بر هر دو طور مساویانه است. (۲)

۱ - مجلة مجمع الفقه الاسلامي التابع لمنظمة المؤتمر الاسلامي بجدة ج ۱۲ ص ۱۸۲۹، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع و فقه السنه ج ۷

۲ - فتح القدير فصلٌ باب وَعَلَى الرَّجُلِ أَنْ يُنْفِقَ عَلَى أَوْلِيَّهِ وَأَجْدَادِهِ ج ۱۰ ص ۱۲

لازم به ذکر است که وجوب نفقه مادر، مانند نفقه پدر است، زیرا کلمه والدین به هر دوی ایشان استعمال شده است، نیکی نمودن و همچنان نهی از استعمال کلمه اف و امر به گفتن سخن نیکو (فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفًّا وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا) شامل حال هر دو ایشان می باشد، از جانب دیگر در نیکی کردن به والدین، مادر نسبت به پدر حق اولویت را دارد که در مورد آن از پیغمبر صلی الله علیه وسلم چنین روایت شده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَقَالَ مَنْ أَحَقُّ النَّاسِ بِحُسْنِ صَحَابَتِي قَالَ « أُمَّكَ ». قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ « ثُمَّ أُمَّكَ ». قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ « ثُمَّ أُمَّكَ ». قَالَ « ثُمَّ أَبُوكَ ». (۱).

ترجمه: ابوهریره - رضي الله عنه - مي گوید: شخصي نزد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آمد و گفت: چه کسی برای خوش رفتاری من از دیگران، مستحق تر است؟ فرمود: «مادرت». گفت: سپس چه کسی؟ فرمود: «مادرت». گفت: بعد از او چه کسی؟ فرمود: «باز هم مادرت». پرسید: پس از او چه کسی؟ فرمود: «بعد از او پدرت». (۲)

پس نفقه و مصرف نمودن هنگام ضرورت بر ایشان خود در نیکی کردن شامل است و در صورتی که ضرورت هر دو را پوره نکند در انفاق نمودن هم حق اولویت به مادر است، بعد به پدر، بنابر دلایل فوق الذکر نفقه پدر و مادر یکسان بر اولاد ذکور و اناث است.

## مطلب دوم

### نققات اصول غیر از پدر و مادر (اجداد و جدات)

از آنجایی که والدین مفهوم وسیع دارد شامل پدر و مادر و اجداد و جدات را هر قدر بالا برود شامل می شود، مانند اجداد و آباء، جدات و امهات که کلمه ابوین به ایشان هم استعمال می شود قسمی که الله جل جلاله ابراهیم علیه السلام را به عنوان پدر به همه امت پیغمبر صلی الله علیه وسلم معرفی نموده است و فرماید: {مَلَّةً أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ} (۳) ترجمه: آئین پدرتان ابراهیم است. (۴) در حالی که همه از نسل او نیستند، صرف پیغمبر صلی الله علیه وسلم از نسل او بوده و به خاطر شفقت پدر همه امت محمد صلی الله علیه وسلم معرفی شده است. همچنان لفظ ولد بر بچه و

۱ - صحیح مسلم باب بَرِّ الْوَالِدَيْنِ وَأَنْتَهُمَا أَحَقُّ بِهِ ج ۸ ص ۲ شماره حدیث - ۶۶۶۴ ، أحادیث مختارة من الصحيحین ص ۱۹ شماره حدیث (۱۷)

۲ - محمد بن اسماعیل بخاری ترجمه فارسی مختصر صحیح بخاری ص ۱۶۱۵

۳ - سوره حج آیه: ۷۸

۴ - تفسیر نور ص ۵۰

بچه هر قدر پایان برود اطلاق شده است و از قرآن دلیلی برای وجوب نفقه اصول (آباء وامهات) چنین است: {وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا} (۱) ترجمه: با ایشان در دنیا به طرز شایسته و به گونه بایسته‌ای رفتار کن. (۲) و رفتار نیک و شایسته چنین نیست که پدر و مادر یا اجداد و امهات در مشقت و گرسنگی زندگی کنند، اولاد شان در ناز و نعمت، در چنین حالتی خرج و نفقه نمودن به آنها معروف و احسان شمرده می شود، همچنان می فرماید: {وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا} نزد جمهور علماء و مذاهب سه گانه به جز از امام مالک نفقه اصول (پدر و مادر اجداد و جدات هر قدر بالا برود) بر اولاد ذکور اناث شان واجب است. (۳)

ابن عابدین در حاشیه رد المحتار پیرامون نفقه اصول و فروع آورده است که قضیه از دو حالت خالی نمی باشد، از اقارب یک شخص باقی مانده یا بیشتر از آن، در صورتی که یک شخص باقی باشد با تکمیل شرایط، نفقه بر همان شخص واجب است، اما در صورتی که زیاده از یک شخص باشد، مسایل در روشنی احکام قرآن و با استقراء در هفت کتگوری و در یک ضابطه کلی نافع و جامع به شرح ذیل توضیح داده شده است:

۱. صرف فروع باقی است.

۲. فروع و حواشی

۳. فروع و اصول

۴. فروع، اصول و حواشی

۵. صرف اصول

۶. اصول و حواشی

۷. صرف حواشی

۱ - سوره لقمان آیه ۱۵

۲ - مصطفی خرم دل، تفسیر نور ص ۵-۶

۳ - حاشیه ابن عابدین ج ۳ ص ۶۲۴، مجمع الأنهر فی شرح ملتقى الأبحر ج ۲ ص ۱۹۶، مجلة البحوث الإسلامية ج ۲۲ ص ۱۸۸، الإقناع للشربینی ج ۲ ص ۴۸۱، الشربینی، محمد بن محمد الخطیب شمس الدین، الإقناع فی حل ألفاظ أبی شجاع ج ۲ ص ۱۴۰ سال نشر ۱۴۱۵ ناشر دار الفکر، الفقه الإسلامي وأدلته ج ۱۰ ص ۱۴۴، فتاوی الشبکه الإسلامية ج ۶ ص ۲۹۴۶ رقم الفتوی ۴۴۰۲۰ تاریخ الفتوی

: ۲۰ ذو الحجة ۱۴۲۴

### قسم اول:

در قسم اول که تنها از فروع بیشتر از یک نفر باشد، در این صورت ضابطه مسوولیت پرداخت نفقه اصول (پدر واجداد) بر فروع (اولاد ها) بر اساس قرب و جزئیت (قرب بعد از جزئیت) است نه به اساس میراث، مانند اینکه موجودیت دو اولاد، یکی نصرانی و دیگر آن اناث، در این حالت مسوولیت پرداخت نفقه اصول بر هر دو اولاد است، چون هر دو در قرب و جزئیت باهم مساوی اند، اگرچه در میراث در بین شان اختلاف است. صورت دیگر موجودیت یک دختر و بچه بچه است، در این صورت نفقه تنها بالای دختر است، از جهت پیش بودن قرابت نه بر بچه بچه. صورت دیگر موجودیت بچه بچه و بچه دختر است، نفقه بر هر دوی آنها است، به خاطر اینکه در قرابت و جزئیت هر دو باهم مساوی اند، هر چند که بچه دختر مستحق میراث نمی باشد.

### قسم دوم:

در قسم دوم که بیشتر از دو نفر از فروع همراه حواشی موجود باشند، از ضابطه اجتماع فروع با حواشی استفاده صورت می گیرد. در این حالت مسوولیت پرداخت نفقه اصول (پدر واجداد) بر فروع به اساس قرابت و جزئیت است نه به اساس میراث، مانند موجودیت دختر و خواهر شقیقی، نفقه صرف بر دختر است نه بر خواهر شقیقی اگر چه میراث میبرد. صورت دیگر در بچه نصرانی و برادر مسلم است که نفقه بالای بچه نصرانی است نه بر برادر مسلم، اگر چه وارث برادر آن است.

### قسم سوم:

در قسم سوم که بیشتر از دو نفر از فروع و اصول همراه یکدیگر باشند، از ضابطه تامین نفقات اجتماع فروع با اصول استفاده می گردد که در این حالت ضابطه چنین است که مسوولیت پرداخت نفقه اصول (پدر واجداد) بر فروع به اساس اقرب و جزئیت است، اگر اقرب موجود نشد و در قرابت مساوی بودند به یکی از آنها طبق قوانین ترجیح داده می شود و این ترجیح اعتبار دارد، طور مثال: در موجودیت پدر و بچه بچه نفقه بر بچه است از جهت ترجیح، اگر چه در قرابت مساوی اند. صورت دیگر در موجودیت جد و بچه بچه، پرداخت نفقه به قدر میراث شان است.

### قسم چهارم:

در قسم چهارم که بیشتر از دو نفر از مجموع اصول، فروع و حواشی موجود باشند، از ضابطه تامین نفقات اجتماع فروع با اصول و حواشی استفاده می گردد که در این حالت شیوه پرداخت نفقه مانند قاعده قسم سوم می شود، یعنی پرداخت نفقه به اساس قاعده اقرب و جزئیت، اعتبار داده

می‌شود و اگر اقرب موجود نبود جانب میراث ترجیح داده می‌شود. مثلاً حواشی با موجودیت فروع سقوط میکند و جانب قرب که فروع است ترجیح داده می‌شود. صورت دیگر اصول و فروع مانند پدر و بچه که در قرابت مساوی اند بچه بر پدر ترجیح داده میشود و نفقه بر بچه است نه بر پدر.

### قسم پنجم:

قسم پنجم آن است که بیشتر از دو نفر تنها از اصول موجود باشد تنها از ضابطه موجودیت اصول استفاده می‌گردد که در این حالت مسوولیت پرداخت نفقه فروع (اولاد) بر اصول است، مانند پدر که طبق قوانین تامین نفقه، نفقه اولاد بر اصول لازم است.

### قسم ششم:

در قسم ششم که بیشتر از یک نفر از مجموع اصول و حواشی موجود باشد، در این صورت از ضابطه اجتماع اصول با حواشی استفاده می‌گردد و این خود دو حالت دارد اول اینکه یکی از دو صنف غیر وارث اند که در این حالت مسوولیت پرداخت نفقه تنها بر اصول است از حیث ترجیح به جزئیت.

مثال اول: صورت مسأله چنین است: اگر جد پدري و برادر شقیقی موجود باشند، در این حالت مسوولیت تامین نفقه بر جد آن است.

مثال صورت دوم: اگر جد مادری و کاکا موجود باشند، مسوولیت تامین نفقه از حیث ترجیح که به جانب جزئیت داده شود، نفقه بر جد آن است نه بر کاکا.

حالت دوم آن است که اصول و حواشی هر دو وارث باشند در این صورت قاعده آن که بر اساس سهم الارث خود مسوول پرداخت نفقه می‌باشند.

مثال صورت مسأله: اگر مادر و برادر عصبی، بچه برادر و کاکا موجود باشند، مسوولیت تامین نفقه به اساس سهم ارث تامین می‌شود بر مادر ثلث نفقه و بر عصبه ثلثان است.

**قسم هفتم:** در قسم هفتم که تنها از حواشی بیشتر از دو نفر موجود باشد، از ضابطه موجودیت صرف حواشی استفاده می‌گردد که در این حالت قاعده آن است که مسوولیت تامین نفقه بر اساس سهم ارث تعیین می‌شود. (۱)

۱- رد المحتار ج ۱۳ ص ۲۲۷، حفیظ الله و غلام محمد طاهری، خلاصة المسائل در فقه حنفی ص ۲۲۰ ناشر: شیخ الاسلام احمد جام سال چاپ ۱۳۸۰، الدر المختار وحاشیة ابن عابدین (رد المحتار) ج ۳ ص ۶۲۳.

آنچه که در فوق مورد بررسی قرار گرفت، همان ضوابط کلی تامین نفقات توسط فروع، اصول و حواشی اند که اقربای شخص محسوب می‌شوند، ضوابط فوق کلی بوده شامل مردان و زنان از فروع، اصول و حواشی می‌گردد. براساس استقراء، در صورتی که اقربای شخص بیشتر از یک نفر باشد، هفت صورت فوق قابل تصور است و در هر صورت قاعده خاص خودش قابل تطبیق است، در مجموع قواعد قابل تطبیق در اصل سه قاعده است، قاعده قرب و بعد، قاعده جزئیت یا بعضیت و قاعده میراث که در بعض از حالات هفت گانه فوق یکی از قواعد و در برخی از حالات دو قاعده یکی پس از دیگری قابل تطبیق است و در برخی از حالات به یکی از قواعد مذکور ترجیح داده می‌شود.

اکنون که تمام حالات نفقات اقرباء بیان گردید، این مسأله نیز باید مورد بررسی گردد، الزامی بودن یا واجب نفقه بریکی از اقربای شخص یک امر مطلق نیست بلکه وابسته به توانایی یا غنای شخص است. بنابراین باید دانست که کسی به ارتباط تامین نفقات فقیر محسوب گردیده و نفقه از آن ساقط و به گروه دیگر از اقرباء انتقال می‌گردد یا اینکه چه کسی غنی محسوب گردیده مکلف به پرداخت نفقه واجبه است. لذا در این بخش از مطالب انواع فقر به ارتباط مکلفیت نفقه بررسی می‌گردد.

### ۱ انواع فقر به ارتباط مکلفیت تامین نفقه:

فقر به سه قسم است:

۱. فقری که مال نداشته و قادر به کسب باشد، بنا بر قول معتبر نفقه والدین بر آن لازم است.
  ۲. فقری که مال نداشته و عاجز از کسب هم باشد، نفقه غیر بر آن واجب نمی‌شود.
  ۳. فقری که کسب آن زیاده از مصرف خودش باشد، نفقه والدین و اجداد بر آن لازم است.<sup>(۱)</sup>
- در مجموع انواع فقر نشان دهنده آن است که دو عامل بر استحقاق نفقه توسط شخص و ایجاب نفقه بر کسی موثر است، اول فقر یا نداشتن مال است، فقر در بحث پرداخت نفقه اقارب هم عامل موثر در دریافت نفقه است و هم عامل موثر در پرداخت نفقه است به این مفهوم که کسی مستحق نفقه می‌گردد که فقیر باشد و از خود مال نداشته هرگاه شخص از خود مال داشته باشد، نمی‌تواند از کسی دیگری نفقه دریافت کند بلکه نفقه وی از مال خودش پرداخته می‌شود.

---

۱- رد المحتار ج ۱۳ ص ۲۲۴

دومین عامل موثر توان کسب کار است کسی که توان کسب و کار را داشته باشد و زمینه کار هم برایش فراهم باشد، چنین شخصی نیز در حکم غنی است به این معنا که نمی تواند نفقه از کسی دریافت کند و بر عکس نفقه از کسی بر وی واجب باشد باید آنرا به پردازد.

### شرایط وجوب نفقه والدین، اجداد و جدات بر فروع شان:

۱. نفقه پدر و مادر اجداد و جدات در صورتی که ضعیف، فقیر، مجنون یا عاجز از کسب باشند بر فروع ایشان لازم است و به ظاهر روایت نزد احناف و شافعیه در صورت داشتن قدرت کسب هم واجب است.<sup>۱</sup>

۲. نزد جمهور علماء در صورتی که فروع ایشان موسر باشند (دارای از خود یا از کسب خود) داشته و قدرت انفاق را داشته باشند و مال زیاده از مصرف نفس خودشان باشد. (۲)  
۳. نزد ابن همام عدم حربی بودن ابویین شرط است به دلیل اینکه نفقه دادن نیکی است و مسلمان نهی شده از نیکی کردن به کافر حربی (۳)

۴. نزد احناف عدم اختلاف دارین میان اقارب (اصول، فروع و حواشی) شرط است اما نزد صاحب بدایع و صنایع اختلاف دار مانع تامین نفقه اصول و فروع نمی گردد (۴)  
آنطوری که موارد فوق نشان می دهد مکلفیت پرداخت نفقه والدین، اجداد و جدات یک امر مطلق و وابسته به فراهم بودن چندین شرط است و این شروط برخی مربوط دریافت کننده نفقه است و برخی از آن مربوط پرداخت کننده است و برخی هم به هر دو ارتباط دارد.

۱- مصطفی دیب البغامی المدینة دمشق الشافعی، التذہیب فی أدلة متن الغایة والتقریب المشهور بـ متن أبي شجاع في الفقه الشافعی، ص: ۱۰۷، الناشر: دار ابن کثیر دمشق - بیروت الطبعة: الرابعة، ۱۴۰۹ هـ - ۱۹۸۹ م، الفقه الإسلامي وأدلته ج ۱۰ ص ۱۴۶، ابوبکر جابر جزائری ب ت، ترجمه منهاج المسلم (روش زندگی مسلمان) مترجم نذیر احمد سلامی ج ۲ ص ۲۴۵، المحيط البرهاني في الفقه النعماني ج ۳ ص ۵۸۱، مجلة البحوث الإسلامي ج ۲۲ ص ۱۸۹، فقه السنة - سيد سابق ج ۷ ص ۲۴، الموسوعة الفقهية الكويتية ج ۲ ص ۳۰۶، الفقه الإسلامي وأدلته ج ۱۰ ص ۱۴۶

۲ - محمد بن محمد بن محمود، أكمل الدين أبو عبد الله ابن الشيخ شمس الدين ابن الشيخ جمال الدين الرومي البابرتي (المتوفى: ۷۸۶هـ)، العناية شرح الهداية ج ۴ ص ۴۱۶، الناشر: دار الفكر، الطبعة: ب ت، شمس الدين أبو بكر محمد بن أبي سهل السرخسي، المبسوط للسرخسي ج ۱۰ ص ۳۲۹، دراسة وتحقيق: خليل محي الدين الميس، الناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، لبنان، الطبعة الأولى، ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۰ م

۳- وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت، الموسوعة الفقهية الكويتية، ج ۲ ص ۳۱۱، الطبعة من ۱۴۰۴ - ۱۴۲۷ هـ

۴ - الموسوعة الفقهية الكويتية ج ۲ ص ۳۰۶

شرط که مربوط دریافت کننده است فقیر بودن و یا نداشتن مال است، هرگاه مال داشتند، نفقه شان بر مال خود شان است در هر وضعیت که باشند. ضعیف باشند، یا ناتوان، عاقل باشند یا اختلالات عقلی داشته باشند.

شرط دوم این است که دریافت کننده نفقه حربی نباشد، اگر اختلاف دین داشته باشند و لی دریافت کننده نفقه حربی نباشد باز هم باید نفقه شان پرداخته شود.

شرط که مربوط منفق یا پرداخت کننده نفقه است موسر بودن یا داشتن قدرت انفاق است که اضافه از مصرف نفس خود داشته باشد.

شرط که به هردو تعلق دارد عدم اختلاف دار میان اصول و فروع است، در اینجا تفکیکی وجود ندارد که کدام یکی در دار حرب است و کدام یکی در دار اسلام به هردو صورت نفقه از این دو بر دیگری واجب نمی‌باشد.

## مطلب سوم

### نفقات فروع غیر از پسر و دختر (نواسه ها)

وجوب نفقه اولاد از ادله ذیل ثابت است:

۱. {وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ} (۱)

ترجمه: بر آن کس که فرزند برای او متولد شده (یعنی پدر) لازم است خوراک و پوشاک مادران را (در آن مدت به اندازه توانائی) به گونه شایسته بپردازد. (۲)

وقتی که نفقه زن مطلقه شیر ده بر پدر اولاد واجب است، نفقه اولاد به طریق اولی بر وی واجب می‌شود.

۲. عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وسلم فقال يا رسول الله: عندي دينار قال: "أنفقهُ عَلَى نَفْسِكَ" قال عندي آخر: قال "أنفقهُ عَلَى وَادِكَ" قال عندي آخر: قال "أنفقهُ عَلَى أَهْلِكَ" قال عندي آخر: قال "أنفقهُ عَلَى خَادِمِكَ" قال عندي آخر: قال "أنت أعلم به" (۳)

۱- سوره بقره ۲۳۳

۲- مصطفی خرم دل، تفسیر نور ص: ۱۴۵

۳- السنن الكبرى للبيهقي وفي ذيله الجوهر النقي ج ۷ ص ۴۶۶ باب وجوب النفقه لزوجته شماره حديث ۱۶۱۰۹، مسند الشافعي ترتيب السندي ص ۱۳۰۹ باب في النفقات شماره حديث ۲۰۹، محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي بستي، صحيح ابن حبان ج ۱۰ ص ۴۶ باب النفقه شماره حديث ۴۲۳۳، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة الثانية، ۱۴۱۴ - ۱۹۹۳، محي السنة، ابو محمد الحسين بن



ترجمه: ابوهريره رَضِيَ اللهُ عَنْهُ مي گويد: مردی نزد پيامبر صلى الله عليه وآله وسلم آمد وگفت: اي رسول خدا! يك دينار دارم (آن را چكار كنم)؟ فرمود: «به مصرف خودت برسان» گفت: دينار ديگري دارم؟ فرمود: «به مصرف فرزندت برسان» گفت: ديگري دارم؟ فرمود: «به مصرف خانواده ات برسان» گفت: ديگري نيز دارم؟ فرمود: «به مصرف خدمتكاران برسان»، گفت: دينار ديگري دارم؟ فرمود: «تو خود بهتر مي داني».

۳. قانون مدنی افغانستان از ماده ۲۵۶ - ۲۶۳ در مورد مكلفيت پدر برای پرداخت نفقه اولاد

با وجود اختلاف دين صراحت دارد. (۱)

اگرچه اين قانون نفقه فروع غير از پسر و دختر (بچه بچه يا پايان تر از آن) را پيشبيني نکرده است، اما از آيه فوق الذكر که کلمه مولود در آن ذکر گردیده و ولد بر بچه بچه هم اطلاق می شود، همچنان از محتوای حديث متذکره که شیوه انفاق را به ترتيب ذیل تعليم داده است: اول مصرف خود شخص بعد فرزند، خانواده يا به روايت ديگر بعد از نفقه خود شخص نفقه زن و بعد از آن نفقه فرزند، خدمت کار و در صورت داشتن امکانات بيشتري، به خود شخص اختيار داده شده است که بالای چه کسی مصرف می نماید، دانسته می شود، نفقه نواسه‌ها که از اقارب و جزء خانواده محسوب می شوند هم برجد آنها لازم است مخصوصاً در حالت وفات يا معسر بودن اصل (پدر بچه) که نواسه نياز به سرپرستی و تأمين نفقه دارد و اسلام مومنين را به کمک نمودن به ايتام دستور داده است.

تأمين نفقه نواسه‌ها مانند نفقه پسر بر جد آن با رعايت اصل صله رحمی واجب است. از جانب ديگر در بحث قبلی گذشت که اسم ولد بر بچه بچه (نواسه‌ها از ذکور و اناث) هر قدر پايان برود استعمال شده است بنا بر آن نفقه اولاد هر قدر پايان برود به اتفاق علماء بجز از امام مالک (رح) در صورت فوت و معسر بودن پدر برجد آنها ثابت است. (۲)

مسعود بن محمد بن الفراء، شرح السنة للبعوي الشافعي المتوفى: ۵۱۶ هـ ج ۳ ص ۲۱۱ باب التعجيل الصدقه، تحقيق شعيب الانزوط محمد بن زهير الشاويش، الناشر: المكتبة الاسلامی - دمشق بيروت، الطبعة: الثانية ۱۴۰۳ هـ - ۱۹۸۳ م و بلوغ المرام من أدلة الأحكام ص: ۳۸۶ باب النفقات شماره حديث ۱۱۴۹

۱- قانون مدنی افغانستان ج ۱ ص ۷۸-۸۱

۲- أبو عبد الله محمد بن إدريس شافعي، سنة الولادة ۱۵۰/ سنة الوفاة ۲۰۴، الأم ج ۵ ص ۱۰۰ بَابُ الرَّجُلِ لَا يَجِدُ مَا يُنْفِقُ عَلَى امْرَأَتِهِ، الناشر دار المعرفة، سنة النشر ۱۳۹۳، مكان النشر بيروت، البحر الرائق شرح كنز الدقائق ومنحة الخالق وتكملة الطوري ج ۴ ص ۲۱۹ باب النفقه، علاء الدين أبو الحسن علي بن سليمان المرادوي دمشقي الصالحي (المتوفى: ۸۸۵هـ)، الإنصاف في معرفة الراجح من الخلاف على مذهب الإمام أحمد بن حنبل ج ۹، ص ۲۸۹ باب نفقة الأقارب والمماليك، الناشر: دار إحياء التراث العربي بيروت - لبنان، الطبعة: الطبعة الأولى ۱۴۱۹هـ، مصدر الكتاب: موقع مكتبة المدينة الرقمية <http://www.raqamiya.org>، الفقه الإسلامي وأدلته ج ۱۰ ص

## مطلب چهارم

### نفقة برادران و خواهران

نفقه برادران و خواهران یکی دیگر از مباحثی است که باید به آن پرداخته شود، زیرا گاهی چنین واقع می شود که یک شخص اقاربی نزدیکتر از برادر و یا خواهر ندارد و هرگاه چنین شخصی خود نتواند نفقه‌اش را تأمین کند چه کسی مکلف خواهد بود که نفقه آنرا بپردازد؟

صاحب هدایه نفقه خواهران و برادران را بر اساس قاعده ارث بنا کرده و نفقه برادر فقیر را بر خواهران آن به تناسب سهم الارث شان از برادر شان، لازم دانسته است. منظور آن است که اهلیت استحقاق ارث را دارا باشند نه اینکه بالفعل بتوانند مستحق ارث شناخته شوند، بنابراین هرگاه شخص نادر یک ماما و یک پسر کاکا داشته باشد، نفقه آن بر مامای آن است نه بر پسر کاکای آن، در حالی که اگر در چنین وضعیتی آن شخص وفات کند همه میراث آن متعلق به پسر کاکای آن بوده و مامای آن در موجودیت پسر کاکا هیچ مستحق ارث شناخته نمی شود، اما به نسبت اینکه اهلیت استحقاق ارث از آن را دارد نفقه او بر وی لازم می گردد. بنابراین نفقه خواهران و برادران بر یکدیگر شان در صورت اختلاف دین لازم نمی گردد، زیرا اهلیت ارث را از دست داده اند و بدون اهلیت ارث برادری و خواهری آنان در مسأله پرداخت نفقه از اعتبار ساقط می گردد. و نفقه برادران و خواهران بر برادر و یا خواهری که خود فقیر باشد، نیز لازم نمی گردد، زیرا نفقه از روی صلۀ رحم پرداخت می گردد و فقیر خود مستحق آن است که دیگران بر اساس صلۀ رحم نفقه آنرا تأمین کنند پس چگونه می شود که پرداخت نفقه دیگری را بر آن تحمیل نمود. (۱)

همچنان فتاوی الشبکه الإسلامية در فتوای شماره ۶۸۹ خویش در مورد نفقه برادر و سایر اقارب چنین تصریح کرده است: نفقه برادر و اقارب غیر از آن مورد اختلاف علمای اسلام است، برخی از آنها پرداخت آنرا در حالت ناداری واجب دانسته اند که از آن جمله علمای احناف و حنابله است. در این رابطه اقوال برخی از فقهای احناف را به صورت استشهاد بیان می کند.

---

۸۴-۸۵، فقه آسان در مذهب امام شافعی (احمد عیسی عاشور) ص: ۶۶۰، فقه السنه - سید سابق ج ۷، ص ۲۷، فقه خانواده در جهان معاصر ص: ۱۶۴

۱- علی بن ابی بکر بن عبد الجلیل الفرغانی المرغینانی، أبو الحسن برهان الدین (المتوفی: ۵۹۳هـ)، الهدایة فی شرح بدایة المبتدی ج ۲ ص ۲۹۳، المحقق: طلال یوسف، الناشر: دار احیاء التراث العربی - بیروت - لبنان.

چنانکه از عنایه نقل نموده که در آن آمده است: پرداخت نفقه برادر جز بر برادر ثروتمند آن واجب نمی باشد، زیرا رابطه برادری و خواهری نوعی از قرابت است که در بین قرابت فرزندی و قرابت پسران کاکا است، یعنی ضعیف تر از قرابت اولاد و قویتر از قرابت فرزندان کاکا است. همچنان از فتح القدیر نقل کرده که در آن آمده است: نفقه برادر نادار بر خواهران متعدد ثروتمند آن متناسب به اندازه سهم الارث شان لازم می گردد.

در عین حال برخی دیگر از علمای اسلام به این نظراند که نفقه غیر اصول و فروع که از یکی بر دیگری لازم است، نفقه سایر اقارب بر یکدیگر شان لازم نمی باشد. از جمله مالکی ها و شافعی ها بر این نظریه اند.

در ادامه اقوال علمای مذاهب یاد شده را نقل می کند. چنانکه می گوید که در المدونة آمده است: نفقه برادر، ذی قرابت دیگری غیر از برادر و هیچ یک از ذوی الارحام لازم نمی باشد. و به نقل از امام شافعی آورده که ایشان در کتاب الام فرموده اند: فرزند بر پرداخت نفقه والدش و والد بر پرداخت نفقه ولدش در حالتی که یکی از دیگری بی نیاز نباشند، مجبور ساخته می شوند، اما برادر به پرداخت نفقه برادرش مجبور ساخته نمی شود.

در همه حال در فتاوی مذکور در اخیر به این نکته اشاره می کند که: هیچ شکی وجود ندارد که سخن محتاطتر آن است که نفقه برادر بر برادرش لازم باشد، زیرا قایلین به این نظریه اکثریت اهل علم را تشکیل داده و بنده نیز سائل را چنین توصیه می کنم که بر این نظریه التزام نماید، چون التزام به این نظریه خارج از دایره خلاف است، در نهایت اینکه از سائل می خواهم برای درک بهتر به فتوای شماره ۹۶۵۳ در مورد کار زنان مراجعه فرماید. (۱)

از مجموع مباحث فوق می توان استنباط نمود که نفقه برادر بر برادر و یا خواهر ثروتمند از نظر فقهای حنفی و حنبلی الزامی است و چون قرابت آن ضعیف تر از قرابت اولاد است تنها بر افراد ثروتمند لازم پنداشته شده است. اما از نظر فقهای مالکی و شافعی غیر الزامی است، اما چون نظریه الزام به احتیاط نزدیکتر است و عمل به آنرا بیرون از دایره خلاف است، نظریه الزام راجح دانسته می شود.

۱- فتاوی الشیخة الإسلامية ج ۵ ص ۳۲۵۱.

## مطلب چهارم

### کیفیت و مقدار نفقات

در ارتباط به اینکه اسلام مسؤلیت تأمین نفقه اولاد را به ذمه پدران گذاشته است خداوند جل جلاله چنین ارشاد می فرماید:

وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ (۱)

ترجمه: بر آن کس که فرزند برای او متولد شده (یعنی پدر) لازم است خوراک و پوشاک مادران (شیرده) را [در آن مدت به اندازه توانائی] به گونه شایسته بپردازد.

از آیه فوق به وضوح دانسته می شود که نفقه اولاد بر عهده پدران شان است، کیفیت و مقدار نفقه آنها در حدیث شریف توضیح گردیده است که عایشه رضی الله عنها از پیغمبر صلی الله علیه وسلم چنین روایت میکند، هند زن ابوسفیان؛ نزد پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم آمد و گفت: ای رسول خدا! ابوسفیان مرد بخیلی است، به اندازه کافی مخارج زندگی من و فرزندانم را به من نمی دهد، آیا اگر از اموال وی بدون اجازه بردارم بر من گناهی هست؟ پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود « خُذِي مِنْ مَالِهِ بِالْمَعْرُوفِ مَا يَكْفِيكِ وَيَكْفِي بَنِيكَ ». (۲)

ترجمه: «از اموالش به اندازه ای که مخارج تو و فرزندان را کفایت کند؛ به روشی پسندیده بردار» اگر چه کلمه رِزْقُهُنَّ در آیت شریف و کلمه " مَا يَكْفِيكِ " در حدیث شریف هر دو لفظ مطلق است موضوع آن عام می باشند و اختصاص آن به بعضی از مستحقین مانع دیگران به آن نمی شود از این رو قدر کفایه صرف مختص به نفقه خانم و اولاد نمی باشد، شوهر و یا کسی دیگر که نفقه به عهده شان به سبب یکی از اسباب لازم گردیده باشد، قدر کفایه در همه شامل حال آنها است.

البته در تعیین مقدار و کیفیت نفقه با توجه به نصوص صریح قرآن کریم حالت منفق مدار اعتبار است نه منفق علیه چون خداوند جل جلاله در مورد چنین می فرماید:

{لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا} (۳)

۱ - سوره البقره آیه : ۲۳۳

۲ - صحیح مسلم ج ۵ ص ۱۲۹ شماره حدیث ۴۵۷۴ باب قضیه هند، بلوغ المرام من أدلة الأحكام ص: ۳۸۳ شماره حدیث ۹۷۵ وفقه اسلامی و ادلته ج ۷ ص ۷۶۹

۳ - سوره الطلاق آیه: ۸

ترجمه: آنان که دارا هستند، از دارائی خود ( برای زن شیر دهنده، به اندازه توان خود ) خرج کنند، و آنان که تنگدست هستند، از چیزی که خدا بدیشان داده است خرج کنند، خداوند هیچ کسی را جز بدان اندازه که بدو داده است مکلف نمی سازد . (۱)

اسباب وجوب نفقه سه چیز بیان گردیده است: (الرَّوْحِيَّةُ وَالْقَرَابَةُ وَالْمَلِكُ) همه کسانی که به سبب این قاعده تحت تکفل شخصی قرار داشته باشند و تامین نفقات شان به سبب یکی از این اسباب به دوش متکفل آنها باشد مانند اصناف ذیل: همسر چه حقیقی یا حکمی باشد، حقیقی مانند منکوحه در قید نکاح و حکمی مثل زن مطلقه به طلاق رجعی که نفقه به سبب زوجیت ثابت است، نفقات اولاد، پدر و مادر، اصول و فروع آنها که به سبب قرابت و همچنان نفقه مملوک و خادم که به سبب ملک واجب بوده. و این مسئله هم واضح است که نفقه در اصطلاح شریعت شامل طعام، لباس، مسکن و توابع آن می شود، در مورد اندازه نفقه از طعام که مراد از آن خوردنی سالم و نوشیدنی است آنچه است که حاجت به آن رفع می گردد و مراد از لباس، لباسی است که جلو گرمی و سردی را بگیرد مانند لباس تابستانی و زمستانی و منظور از مسکن، سر پناه است آنچه که مناسب زندگی کردن برای شب و روز باشد همه علماء به این مقدار اتفاق نظر دارند، اما کیفیت نفقه که متناسب به توان مالی شخص منفق و وضعیت زندگی کسانی که به آنها انفاق صورت می گیرد بستگی دارد و در این مورد نظریات فقهاء بناء بر عرف و مسلک شان متفاوت بوده به اقوال ذیل اختلاف نموده اند:

۱. جمهور علماء به این باوراند که نفقه به قدر کفایه است و مقدار آن نباید تعیین گردد. دلیل ایشان قول پیغمبر صلی الله علیه وسلم است که برای هند گفت « خُذِي مِنْ مَالِهِ بِالْمَعْرُوفِ مَا يَكْفِيكِ وَيَكْفِي بَنِيكِ ». به وجه پسندیده از مال شوهرت آنقدر بردار که کفایت خودت و اولادت بنماید، هرگاه مقدار نفقه معین می بود موضوع را پیغمبر صلی الله علیه وسلم محول به اجتهاد موصوفه نمی کرد واضح برایش می گفت این مقدار را از مال وی بگیر. (۲)

۱- مصطفی خرم دل تفسیر نور ص ۸ ، مولانا، محمد شفیع، تفسیر معارف القرآن ج ۸ ص ۱۸۰ مترجم، مولانا محمد یوسف حسین پور، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع ج ۴ ص ۲۴ ابوبکر جابر الجزائری، روش زندگی مسلمان ترجمه منهاج المسلم ج ۲ ص ۲۵۰ ، مترجم: نذیر احمد سلامی

۲- عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي الحنبلي نجدی (المتوفى: ۱۳۹۲هـ)، حاشية الروض المربع شرح زاد المستقنع، ج ۷ ص ۱۱۹ الطبعة: الأولى - ۱۳۹۷ هـ، أحمد بن محمد بن أحمد بن جعفر بن حمدان أبو الحسين القدوري (المتوفى: ۴۲۸ هـ)، التجريد للقدوري ج ۱۰ ص ۵۳۸۲ ، المحقق: مركز الدراسات الفقهية والاقتصادية ، أ. د محمد أحمد سراج ... أ. د علي جمعة محمد، الناشر: دار السلام -

۲. علماء حنفی می گویند شریعت مقدار نفقه را تعیین نکرده و غیر مقدر است، دلیل ایشان این قول الله جل جلاله است ﴿لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا﴾ (۱)

ترجمه: آنان که دارا هستند، از دارائی خود ( برای زن شیر دهنده، به اندازه توان خود ) خرج کنند، و آنان که تنگدست هستند، از چیزی که خدا بدیشان داده است خرج کنند، خداوند هیچ کسی را جز بدان اندازه که بدو داده است مکلف نمی سازد.

این دسته از علما کفایت زندگی را در نظر گرفته با توجه به غنماندی و فقر (وضع مالی شخص نفقه کننده) از خوراکی مانند نان خورش، گوشت، سبزی و میوه از پوشاک مانند لباس تابستانی و زمستانی، از مسکن جای سکونت مناسب و دیگر موارد ضروری حسب عرف و عادات که از لحاظ شرایط زمان و مکان متفاوت است، نفقه باید به قدر کفایه تامین گردد.

دلیل دیگر حدیث پیغمبر صلی الله علیه وسلم است: « خُذِي مَا يَكْفِيكِ وَوَلَدِكَ بِالْمَعْرُوفِ » (۲) نزد امام شافعی نفقه مقدر است (۳) با در نظر داشت حالت تنگی و فراخی و وضعیت مالی شخص نفقه کننده واجب است که شخص موسر دو مُد، شخص متوسط یک مُد و نصف و شخص معسر نصف مُد (۴) پرداخت نماید و می گوید معنی این قول خداوند جل جلاله (بِالْمَعْرُوفِ) این است که نفقه زن از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن با تمام ضروریات زندگی آن نفقه کافی که شامل مواد بهداشتی است مانند شانه، شامپو، روغن مو و مواد رفع کننده بوی بد، توسط اهل خیره بدون اسراف در نظر گرفته و تعیین گردد، زیرا در صورت عدم تعیین آن کشمکشها میان زوجین به

---

القاهرة، الطبعة: الثانية، ۱۴۲۷ هـ - ۲۰۰۶ م ، محمد بن يوسف بن أبي القاسم أبو عبد الله عبدري، سنة الولادة / سنة الوفاة ۸۹۷، التاج والإكليل لمختصر خليل ج ۴ ص ۲۰ ، الناشر دار الفكر، سنة النشر ۱۳۹۸، مكان النشر بيروت.

۱- سورة الطلاق آیه: ۷

۲- أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي البيهقي و الجوهر النقي: علاء الدين علي بن عثمان المارديني الشهير بابن التركماني، السنن الكبرى وفي ذيله الجوهر النقي شماره حديث ۱۶۱۰۸ ج ۷ ص ۴۶۶ الناشر : مجلس دائرة المعارف النظامية الكائنة في الهند ببلدة حيدر آباد، الطبعة : الطبعة : الأولى - ۱۳۴۴ هـ، صدر الدين علي بن علي ابن أبي العز الحنفي (المتوفى ۷۹۲ هـ) التنبيه على مشكلات الهداية ج ۳ ص ۱۴۵۵ ، تحقيق ودراسة: عبد الحكيم بن محمد شاکر (ج ۱، ۲، ۳) - أنور صالح أبو زيد (ج ۴، ۵)، أصل الكتاب: رسالة ماجستير - الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة، الناشر: مكتبة الرشد ناشرون - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۴ هـ - ۲۰۰۳ م، التجريد للقدوري ج ۱۰ ص ۵۳۸۲ ، فقه السنة - سيد سابق ج ۴ ص ۱

۳ - الإقناع للشربيني ج ۲ ص ۴۸۵، نهاية المحتاج ج ۵ ص ۳۲۵ ، فقه السنة - سيد سابق ج ۴ ص ۱۸۶

۴ - حاشية البجيرمي ج ۴ ص ۱۰۷ ، حاشية الجمل على المنهج لشيخ الإسلام زكريا الأنصاري ج ۹ ص ۳۴۷ ، بدایع والصنایع ج ۲۳

وجود می آید از این رو قانون مصر بنا بر نظریات امام شافعی و قسماً نظریات احناف مقدار نفقه را پیش بینی نموده که در داد گاهای آن کشور فیصله مبنی بر تعیین نفقه صورت می گیرد.

۱. نزد امام احمد بن حنبل و امام مالک مقدار نفقه محول شده است به اجتهاد حاکم و دلیل ایشان این است که تقدیر ثابت نمی شود مگر به توقیف و در این مورد کدام نصی وجود ندارد، بناءً محول شود به اجتهاد حاکم. (۱)

۲. دکتر وهبة الزحیلی هم قول جمهور علماء را اختیار نموده و میگوید به اتفاق علماء نفقات اقارب قدر کفایه است، زیرا تامین نفقات برای رفع حاجت است و حاجت به قدر کفایه رفع می شود. (۲)

با توجه به موارد یاد شده اختلاف میان فقهاء در کیفیت و کمیت نفقه است و دلایل آنها واضح می گردد که قول راجح قول جمهور علماء که قایل به عدم تقدیر نفقه اند به نظر می رسد، زیرا دکتر وهبة الزحیلی هم آنرا اختیار نموده است به دلیل اینکه وضعیت انسانها در بخش های مختلف زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی متفاوت اند، حسب احوال میزان نیازمندی هم در ایشان متفاوت می باشد، طور مثال گاهی بزرگ سال به چیزی نیاز دارد که اطفال ندارد و برعکس یا اینکه زن نیاز به خدمت گار داشته باشد استخدام آن نیز واجب است و نفقه زن عوض است و به تاخیر آن ساقط نمی گردد بلکه به وام تبدیل می شود، اما نفقه اقارب در صورت عدم پرداخت در وقت نیاز و با گذشت میعاد آن ساقط گردیده و به وام تبدیل نمی شود، صرف شخص مسوول به پرداخت نفقه نافرمانی الله جل جلاله را نموده گنهار محسوب می شود. (۳) اما بهتر است کسانی که متکفل پرداخت نفقه کسی اند طور عادی خود را ملزم به ادای حقوق و تامین نفقه دانسته و نفقه مستحقین را متناسب به وضعیت مالی خود به وقت زمان پرداخت نمایند، هر گاه از پرداخت نفقه امتناع ورزد یا کشمکش در تعیین مقدار نفقه به وجود آید موضوع به قضات محول گردد تا مطابق به وضعیت مالی افراد شرایط زمان و مکان، توسط اهل خبره طور منصفانه تعیین و قضات با توجه به شرایط و صوابدید خویش در مورد فیصله صادر نمایند. (۴)

۱ - عبد الله بن أحمد بن قدامة المقدسي، المغني في فقه الإمام أحمد بن حنبل الشيباني ج ۹ ص ۵۱۵، الناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة الأولى، ۱۴۰۵.

۲ - الفقه الإسلامي وأدلته ج ۱۰ ص ۱۴۸

۳ - فقه اسان ص ۲۹۱-۲۹۲

۴ - روش زندگی مسلمان ج ۲ ص ۲۴۶

## مطلب پنجم

### حالات سقوط نفقات

حالاتی که نفقه ساقط می شود و شخص متکفل دیگر مسوول پرداخت نفقه دانسته نمی شود به شرح ذیل اند:

۱. نفقه اقارب (اولاد، والدین و ذوی الارحام) به مرور زمان ساقط می شود مگر اینکه قاضی حکم نموده باشد، در این صورت بعد از گذشت یکماه به نزد امام ابوحنیفه (رح) ساقط می شود، زیرا نفقه برای حاجت است عدم قبض دلالت به عدم حاجت دارد (۱)

۲. نفقه اصول (پدر و مادر) هنگامی که غنی شوند یا صاحب کسب باشند که نفقه و مایحتاج زندگی شان را کفایت نماید ساقط می شود

۳. اختلاف دین در میان اصول و فروع در صورت حربی بودن یکی از آنها

۴. نفقه اولاد و نواسه ها ساقط نمی گردد مگر در شرایط زیر:

- اولاد دارای مال باشد که کفایت نفقه اش را نماید.

- صاحب کسب باشد که کفایت نفقه اش را نماید.

- به مجرد رسیدن به سن بلوغ نفقه ساقط می گردد به استثنای حالت معسر، مجنون، مریض

و یا معیوب (شل و کور) بودن شان، اما به نزد امام احمد بن حنبل بعد از بلوغ ساقط نمی شود مگر اینکه ایشان دارای کسب و یا صاحب مال باشند (۲)

۵. به سبب موت نفقه ساقط می شود (۳)

۶. نفقه دختران به ازدواج کردن ساقط می شود، اما به نزد امام مالک (رح) بعد از تکمیل

شرایط وطی و دخول شوهر نفقه آنها از ذمه پدر ساقط می گردد.

در این فصل بحث بیشتر روی ادای حقوق مالی و تامین نفقات الزامی بوده که اکثراً شامل

نفقات خانم، اولاد، پدر و مادر، اصول، فروع، اقارب و نزدیکان می شود، با آنکه تامین نفقات آنها

---

۱ - بدائع الصنائع ج ۴ ص ۲۶، الفقه علی المذاهب الأربعة ج ۴ ص ۲۸۴، الفقه الإسلامي وأدلته ج ۱۰ ص ۹۹، محمد بن صالح بن محمد العثیمین، (المتوفی: ۱۴۲۱هـ)، جلسات رمضانیه للعثیمین ج ۱۲ ص ۱۱، ۱۴۱۰هـ - ۱۴۱۵هـ، مصدر الكتاب: دروس صوتیه قام

بتفریغها موقع الشبكة الإسلامية <http://www.islamweb.net>، التنبيه على مشكلات الهداية ج ۳ ص ۱۴۶۲

۲ - الوزير أبو المظفر يحيى بن محمد بن هبيرة الشيباني، اختلاف الأئمة العلماء ج ۲ ص ۲۱۲، الناشر: دار الكتب العلمية - لبنان / بيروت

- ۱۴۲۳ هـ - ۲۰۰۲ م، الطبعة: الأولى

۳ - مجلة مجمع الفقه الإسلامي ج ۳ ص ۲۷۲



وجوبی است و در صورت تکمیل شرایط انسان مکلف به پرداخت آن می باشد، اسلام اینگونه نفقات را مورد تأیید و حمایت قرار داده آنرا شامل صدقات نیز ساخته است تا انسان در دادن صدقه بر اهل و عیال و صاحبان قرابت خویش نسبت به اشخاص دور تر اولویت قایل شده بر علاوه ادای حقوق و رفع مسوولیت برای شخص تامین کننده نفقه نزد الله جل جلاله ثواب اخروی هم ثابت است از اینرو خانواده سالم که هسته نخست اجتماع است در اسلام از اهمیت و ویژگی خاص برخوردار است و خداوند جل جلاله به انسان دستور می دهد تا مال خورا با وجود دوست داشتن آن در جاهای خیر مصرف نماید.

{وَأَتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْأَيْتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ} <sup>۱</sup>

ترجمه: و مال ( خود ) را با وجود علاقه ای که بدان دارد ( و یا به سبب دوست داشت خدا و یا با طیب خاطر ) به خویشاوندان و یتیمان و درماندگان و واماندگان در راه و گدایان دهد و در راه آزاد سازی بردگان صرف کند.

مولانا محمد شفیع در تفسیر معارف القرآن پیرامون تفسیر (عَلَىٰ حُبِّهِ) سه احتمال ذیل را ذکر کرده است:

۱. اول اینکه ضمیر "ه" در کلمه عَلَىٰ حُبِّهِ راجع به خداوند جل جلاله است که در این صورت مفهوم این آیت چنین است، انسان در مصرف مال جز کسب رضای الله جل جلاله کدام غرض نفسانی و شهرت طلبی نداشته باشد یعنی مال خود را به خاطر دوستی که با خداوند جل جلاله دارد بر خویشاوندان و سایرین مصرف میکند.

۲. دوم اینکه ضمیر "ه" در کلمه عَلَىٰ حُبِّهِ راجع به مال است که در این صورت مفهوم آیت چنین است مصرف نمودن مال محبوب و مرغوب انسان باعث اجر و پاداش است بخشیدن چیز های بی ارزش که زاید و دور ریختنی اند صدقه محسوب نمی شوند.

۳. مورد سوم اینکه ضمیر "ه" در کلمه عَلَىٰ حُبِّهِ راجع به ایتاء مصدر فعل (اتی) باشد که در این صورت مفهوم آیت چنین می شود نسبت به انفاق که می نماید از ته دل به آن راضی باشد نه اینکه به ظاهر انفاق نماید، اما قلباً از آن خوش نباشد، همچنان مولانا محمد شفیع مولف تفسیر معارف القرآن از امام جصاص نقل کرده است: امکان دارد هر سه مورد مراد باشد.

۱- سوره البقره آیه: ۱۷۷

از این آیت این حکم هم ثابت می شود که فریضه مال صرف به دادن زکات خلاص نمی شود بلکه ما سوی زکات فرض دیگری هم در مال است که عبارت از انفاق آن برخویشاوندان ناتوان مساکین، مسافر، سایل و فقراء است و حکم فرضیت نفقه اینها تابع نیاز و ضرورت است قسمی که انفاق نمودن به آنها با وجود ضرورت فرض و بدون ضرورت فرض نمی باشد و این آیت از جامع ترین آیات احکام است زیرا طورمختصروکلی تمام احکام شرعی را مانند عقاید، معاملات و اخلاق را بیان نموده است در ابتداء بحث عقاید را به لفظ (من آمن بالله) طورمفصل بیان نموده سپس بخش عبادات را که انفاق مال هم در این شامل است تا (وَأَتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ) طور تفصیلی بیان نموده و بخش معاملات را با بیان (وَالْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا) توضیح داده و همچنان احکام اخلاق را با لفظ (وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ) نیز به وضاحت بیان نموده است، پس مومن واقعی و انسان متقی کسی است که از این احکام پیروی کند، از این سبب دادن مال به روح انسان را از شهوت مال پرستی آزادی بخشیده و انسان را از بندگی شهوت که مانع انفاق می گردد رها می سازد، خداوند جل جلاله در این آیه، اصول اعتقاد ایمان به خدا به روز آخرت، ملایکه، کتاب های آسمانی و انبیاء "ع"، وظایف انسان و مال را بیان و دریک قالب، توحید نموده همه را به عنوان مفهوم نیکی می رساند یا ایمان نام نهاده است (۱).

---

۱- شفیع، مولانا محمد شفیع، تفسیر معارف القرآن ج ۱، ص ۴۶۰-۴۶۲، ناشر مکتبه فاروقیه پشاور پاکستان، مصطفی خرم دل، تفسیر

نور ص: ۹۸ و سید قطب، تفسیر فی ظلال القرآن فارسی، ترجمه دکترم مصطفی خرم دل، نشر احسان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۷.

## فصل دوم

### نفقات اختیاری یا تکافل اجتماعی

در این فصل نفقات اختیاری یا تکافل اجتماعی مورد بحث قرار خواهند گرفت، حسب معانی که بیان گردیده است نفقات صورت نمی‌گیرد مگر در کارهای خیر و اکثراً در این دو حالت می‌باشد یا نفقات الزامی و وجوبی است که بحث آن قبلاً در فصل اول گذشت یا اختیاری و تکافل اجتماعی است که در مبحث بعدی این فصل پیرامون آن تحت عنوان هزینه‌های اجتماعی بحث صورت گرفته احکام و مسایل مربوط به آن طور تفصیلی بیان می‌شود. بحث انفاق مال در راه های خیر یکی از مثال‌های زنده تکافل و تعاون اجتماعی در اسلام است و روی این موضوع تاکید بیشتر صورت گرفته است تکافل اجتماعی در اسلام طوری است که به حقوق حیوان هم توجه نموده است تا این سرحد که وعده دخول آتش را به کسی داده است که حق حیوان را ادا نکرده به آن ظلم و تعدی نموده است یعنی نفقه آنرا که در قید بند او قرار داشت به وقت ضرورت آن پرداخت نکرده است، همچنان کسی که به حیوانی ترحم نموده آنرا سیراب کرده است به آن وعده مغفرت از گناهان داده شده است که از پیغمبر صلی الله علیه وسلم در هر دو مورد روایت است: عن ابن عمر أن رسول الله {صلى الله عليه وسلم} قال عذبت امرأة في هرة سجنتها حتى ماتت فدخلت فيها النار لا هي أطعمتها وسقته إذ هي حبستها ولا هي تركتها تأكل من خشاش الأرض} (۱)

ترجمه: از ابن عمر رضي الله عنهما روایت است که: رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: عذاب کرده شد زنی در برابر گربه ای که آن را زندانی نموده و نه طعامش و نه سیرایش کرد و نه گذاشت که از حشرات و گزندگان زمین بخورد، تا اینکه مرد و در آن به دوزخ داخل شد.

همچنان در مورد از پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین روایت است: عن أبي هريرة رضي الله عنه: أن رسول الله صلي الله عليه وسلم قال { بينا رجل يمشي فاشتد عليه العطش فنزل بئراً فشرب منها ثم خرج فإذا هو بكلب يلهث يأكل الثرى من العطش فقال لقد بلغ هذا مثل الذي بلغ بي فملاً خفه ثم أمسكه بفيه ثم رقي فسقى الكلب فشكر الله له فغفر له} (۲)

۱- محمد بن فتوح الحميدي، الجمع بين الصحيحين البخاري ومسلم ج ۲ ص ۱۶۶ شماره حدیث (۱۳۳۸)، تحقیق: د. علی حسین البواب دار النشر / دار ابن حزم - لبنان/ بیروت - ۱۴۲۳ هـ - ۲۰۰۲ م، الطبعة: الثانية،

۲- محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري، صحيح البخاري الجامع الصحيح المختصر، ج ۲ ص ۸۳۳، شماره حدیث (۲۲۳۴) الناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، تحقیق: د. مصطفى ديب البغا.

ترجمه: از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت است که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود: «روزي، مردی در مسیر راه، بشدت تشنه شد. وارد چاهی شد و از آن آب، نوشید. سپس، بیرون آمد و ناگهان، سگی را دید که از شدت تشنگی، زبانش بیرون آمده است و خاك مي خورد. (با خود) گفت: این سگ، به همان اندازه، تشنه است که من تشنه بودم. (دوباره، وارد چاه شد)، موزه اش را پر از آب کرد و بدهان گرفت و از چاه بالا آمد و به سگ آب داد. خداوند از او راضي شد و گناهانش را بخشید». (۱)

با توجه به اهمیت موضوع، انفاق صورت نمی گیرد مگر در جای خیر، موارد مصرف مال را مطابق به دستورات اسلام ابن بطل (۲) به سه کتگوری ذیل تقسیم نموده است:

الف: قسم اول حق مال، انفاق آن است بر نفس خود و براهل و عیال و سایر کسانی که از اقارب و نزدیکان تامین نفقه ایشان بدوش وی باشد بدون کمی و اسراف، مال خود را در همین موارد مصرف نماید حق مال را ادا نموده است و اینگونه مصارف از بهترین صدقه و جمع نفقات است، مصرف نمودن در موارد متذکره نسبت به سایر موارد در اولویت قرار دارد که بدون کمی و اسراف نفقه آنها تامین گردد، چون خداوند جل جلاله در مورد چنین فرموده است: {وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا} (۳)

ترجمه: و کسانی که به هنگام خرج کردن (مال برای خود و خانواده) نه زیاده روی می کنند و نه سختگیری، بلکه در میان این دو (یعنی اسراف و بخل، حد) میانه روی و اعتدال را رعایت می کنند. (۴)

ب: قسم دوم از حق مال ادای زکات است که حق الله جل جلاله از آن بیرون کرده شود و برای اصناف مستحق آن داده شود و دادن زکات بر کسی است که زکات بالای آن فرض شده باشد. زکات یکی از ارکان اسلام است و پرداخت آن از جمله نفقات الزامی است نه اختیاری اما ذکر این مورد در این جا صرف بیان یکی از حقوق مال است که ابن بطل آنرا توضیح داده و ضمناً از این نوع نفقه کردن در بخش انفاق اختیاری برای تکمیل نمودن اقسام نوع مصرف یاد آوری شده است نه به عنوان نفقات اختیاری.

۱- محمد بن اسماعیل البخاری، التجريد الصريح لأحاديث الجامع الصحيح مختصر ص ۸۸۴، مختصر صحيح بخاري

۲- علي بن خلف بن عبد الملك بن بطل، أبو الحسن: عالم بالحديث، من أهل قرطبة (۰۰۰ - ۴۴۹ هـ = ۰۰۰ - ۱۰۵۷ م)

۳- سوره: فرقان / ۶۷

۴- مصطفی خرم دل، تفسیر نور ج ۱ ص ۳۲

ج: قسم سوم حق مال این است که انفاق با در نظر داشت صلّه رحمی به اقارب دور نزدیک همدردی و مواسات و طعام دادن مساکین، اشخاص گرسنه و محتاجان است که شامل صدقات نفلی می‌باشد و اینگونه مصارف کار پسندیده و تکافل اجتماعی را شامل است و از لحاظ حکم مستحب بوده که مورد ستایش خداوند قرار می‌گیرد، همچنان به واسطه این انفاق جایگاه و منزلت انسان تثبیت و تقرب به خدا جل جلاله حاصل می‌شود، که از پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد چنین روایت شده است ( ۱ )

عن أبي هريرة قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم الساعي على الأرملة والمسكين كالمجاهد في سبيل الله أو القائم الليل والصائم النهار ( ۲ )

ترجمه: ابوهریره - رضي الله عنه - مي گوید: نبي اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «کسي که در جهت تأمین نیازهای زنان بیوه و مساکین، تلاش می‌کند، مانند کسی است که در راه خدا، جهاد می‌نماید و یا مانند کسی است که شب‌ها را در عبادت به سر می‌برد و روزها را روزه می‌گیرد.

پس به انسان وظیفه سپرده شده تا با حس مسوولیت و با انفاق و مصرف نمودن مال در راه های خیر و سهمیم شدن در کارهای نیک در جامعه اسلامی مسوولیت ایمانی خود را اداء نماید.

## مبحث اول

### موارد تامین هزینه های اجتماعی

اسلام با برنامه کامل زندگی به تکافل اجتماعی اهتمام ورزیده و به انفاق در موارد مختلف دستور داده است. در این مبحث پیرامون چگونگی انفاق به اشخاص تنگ دست مانند قرض دار،

---

۱- أبو الحسن علي بن خلف بن عبد الملك بن بطلال البكري القرطبي، شرح صحيح البخاري - لابن بطلال ج ۳ ص ۴۰۹ دار النشر : مكتبة الرشد - السعودية الرياض - ۱۴۲۳هـ - ۲۰۰۳م، الطبعة : الثانية، تحقيق : أبو تميم ياسر بن إبراهيم ، أبو الفضل زين الدين عبد الرحيم بن الحسين بن عبد الرحمن بن أبي بكر بن إبراهيم العراقي (المتوفى: ۸۰۶هـ - أكملة ابنه: أحمد بن عبد الرحيم بن الحسين الكردي الرازياني ثم المصري، أبو زرعة ولي الدين، ابن العراقي (المتوفى: ۸۲۶هـ) طرح التثريب ج ۴ ص ۴۸۵، مصدر الكتاب : موقع الإسلام، \_ <http://www.al-islam.com> الناشر: الطبعة المصرية القديمة - وصورتها دور عدة منها (دار إحياء التراث العربي، ومؤسسة التاريخ العربي، ودار الفكر العربي

۲- محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، صحيح البخاري الجامع الصحيح المختصر ج ۵ ص ۲۰۴۷، شماره حديث ۵۰۳۸ باب فضل النفقة على الأهل، الناشر : دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت، الطبعة الثالثة ، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، تحقيق : د. مصطفى ديب البغا.

مسافر، شیوه انفاق بر همسایه و ضیافت و راه‌های رسیدن به خود کفایی امت اسلامی مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

## مطلب اول

### نفقات قرضدار

آیا مناسب نبود که مطابق ترتیب آیت مستحقین تأمینات اجتماعی بیان می‌کردید بدون شک انسان در هر مرحله زندگی دنیوی و بعد از مرگ تا دفن در قبر نیاز به کمک و همکاری دارد و حتی بعد از آن محتاج به دعای مغفرت از جانب باز ماندگان است از این جهت هیچ نظامی در روی زمین وجود ندارد که بدون همکاری افراد به وجود آمده باشد، نظام هستی کل جهان متکی به این رابطه استوار است، تعاون و همکاری در اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است از این جهت است که الله جل جلاله می‌فرماید: {إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ} (۱)

ترجمه: فقط مؤمنان برادران همدیگرند

همچنان پیغمبر صلی الله علیه وسلم رابطه مسلمان را در میان یک دیگر شان به ساختمانی محکمی تشبیه نموده اند که چنین روایت است: عن أبي موسى عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: ( إن المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضا ) . وشبك أصابعه (۲)

ترجمه: از ابوموسی اشعری - رضی الله عنه - روایت است که رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «مؤمن برای مؤمن، بمنزله یک ساختمان است که هر قسمت آن، موجب تقویت قسمت دیگر آن می‌شود». و (برای نشان دادن حالت آن، انگشتان دستهای خود را تشبیک کرد.

صحابه کرام رضوان الله علیهم اجمعین مانند بلال حبشی صهیب رومی، سلمان فارسی و سایرین با پیروی از دستورات اسلام همه در کنار هم با کمال محبت، داشتن تعاون و همکاری با یک دیگر زندگی نموده اند که تا امروز ملل جهان با همه امکانات نتوانسته اند نظیر آنرا ارایه نمایند. (۳)

۱- سوره حجرات آیه ۱۰

۲- صحیح البخاری ج ۱ ص ۱۸۲ باب تشبیک الأصابع فی المسجد وغیره شماره حدیث ۴۶۷، شعب الإیمان - البیهقی ج ۶ ص ۱۰۲ شماره حدیث ۷۶۱۱، محمد بن فتوح الحمیدی، الجمع بین الصحیحین البخاری و مسلم ج ۱ ص ۱۷۷ باب المتفق علیه من مسند أبي موسى عبد الله بن قيس الأشعري رضي الله عنه شماره حدیث ۴۴۲، الطبعه: الثانية، الناشر دار ابن حزم - لبنان/ بيروت - ۱۴۲۳ هـ - ۲۰۰۲ م، جوامع الأخبار ص: ۴، جامع العلوم والحکم ص: ۳۴، مختصر صحیح بخاری ص: ۳۷۹ شماره حدیث ۲۹۶

۳- تجلی اخلاق اسلامی در سوره حجرات ص: ۳۷، تفسیر أنوار القرآن ج ۱ ص ۸، تفسیر فی ظلال ترجمه فارسی ج ۲ ص ۳۱

در ارتباط به شخصی که از اثر حوادث روز کار درمانده و قرض دار شده و نمی تواند زندگی خود را اداره کند ادای دیون و نفقه این اشخاص بدوش چه کسی است، آیا نفقه برایشان وجوبی است یا کمک و همکاری نمودن با ایشان از باب صدقات نفلی جهت رفع عسر لازم است؟

تامین نفقات وجوبی که اسباب وجوب نفقه در سه چیز دانسته شده است (الرَّوْجِيَّةُ وَالْقَرَابَةُ وَالْمَلِكُ) هرگاه شخص قرض دار معسر هم شده باشد صرف به آن اشاره می نمایم که نفقه وی توسط اقارب نزدیک تامین می‌گردد و موضوع به تفصیل در فصل اول بیان شده است. اما منظور از تامین نفقات قرض دار در این فصل دادن زکات برای تامین وام های شخص غارم (بدهکارانی که در غیر معصیت بدهکار شده اند) است که یکی از جمله اصناف مستحقین زکات شمرده شده<sup>(۱)</sup> و تکافل اجتماعی است که اقارب یا غیر از اقارب از بابت صدقات نفلی و تعاون می توانند به آن صدقه نمایند.

قرض باعث پریشانی و احساس خواری و ذلت برای انسان در زندگی است و خداوند جل جلاله دوست ندارد که فرد مسلمان زیر بار قرض قرار داشته حتی بعد از مرگ در مورد شخص قرضداری بعد از مرگ چنین روایت شده است: عن سلمة قال كنا جلوساً عند النبي {صلى الله عليه وسلم} إذ أتى بجنزة فقالوا صل عليها فقال هل عليه دين قالوا لا قال فهل ترك شيئاً قالوا لا فصلى عليه ثم أتى بجنزة أخرى فقالوا يا رسول الله صل عليها قال هل ترك شيئاً قالوا لا قال فهل عليه دين قالوا ثلاثة دنائير قال صلوا على صاحبكم فقال أبو قتادة صل عليه يا رسول الله وعلي دينة فصلى عليه (۲) ترجمه: سلمه بن اکوع - رضي الله عنه - مي گوید: نزد رسول الله - صلى الله عليه وسلم - نشسته بودیم که جنازه ای را آوردند. مردم گفتند: بر این جنازه، نماز بخوان. رسول خدا - صلى الله عليه وسلم - فرمود: «آیا این میت، بدهکار است؟» گفتند: خیر. فرمود: «آیا چیزی از خود به جا گذاشته است؟» گفتند: خیر. آنگاه، رسول الله - صلى الله عليه وسلم - بر او نماز جنازه خواند. سپس، جنازه دیگری آوردند و گفتند: ای رسول خدا! بر آن، نماز بخوان. رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود: «آیا او، بدهکاری دارد؟» گفتند: بلی. رسول الله - صلى الله عليه وسلم -

۱ - أحمد بن علي أبو بكر الرازي الجصاص الحنفي (المتوفى: ۲۷۰ هـ)، شرح مختصر الطحاوي ج ۲ ص ۳۸۲ المحقق: د. عصمت الله عنایت الله محمد - أ.د. ساند بکدش - د محمد عبید الله خان - د زینب محمد حسن فلاتة، أعد الكتاب للطباعة وراجعہ وصححه: أ. د. ساند بکدش، الناشر: دار البشائر الإسلامية - ودار السراج، الطبعة: الأولى ۱۴۳۱ هـ - ۲۰۱۰ م ، دکتر خالد بن عبدالرحمن جریسی ، ترجمه ي کتاب فتاوی علماء البلد الحرام ج ۳ ص ۱۵۴ ، میانی اسلام (عقیدتی، عبادی و اخلاقی) ص: ۱۲۰

۲ - الجمع بین الصحیحین البخاری ومسلم ج ۱ ص ۳۶۶ شماره حدیث ۹۶۴ ، السنن الصغری للبيهقي (نسخة الأعظمي ج ۵ صص ۳۳۳ -

۳۳۴ ، مختصر صحيح بخاري ص: ۸۵۸



فرمود: «آیا چیزی از خود به جا گذاشته است؟» گفتند: سه دینار. آنگاه، بر او نماز خواند. سپس، جنازه دیگری آوردند و گفتند: بر آن، نماز بخوان. رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «آیا چیزی باقی گذاشته است؟» گفتند: خیر. پرسید: «آیا بدهکاری دارد؟» گفتند: سه دینار بدهکار است. رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «بر رفیقان، نماز جنازه بخوانید». ابوقتاده - رضی الله عنه - گفت: ای رسول خدا! بر او، نماز بخوان. پرداخت بدهی او، به عهده من است. آنگاه، رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - بر وی، نماز خواند.

همان طوریکه خداوند خوش ندارد انسان زیر بار قرض برود به این هم راضی نمی شود که شخص قرض دار تمام وسایل اولیه زندگی خویش را برای ادای دین خود به فروش برساند و توان تهیه نفقه را نداشته باشد از این رو بر قاضی لازم است هرگاه حکم به فروش مال مفلس برای طلبکاران نمود، باید آن مقدار مالی را برایش بگذارد که توسطه آن زندگی خود را تامین کند مانند خانه که در آن زندگی میکند حکم به فروش محل زندگی اش ننماید، همچنان در صورتی که حرفه یا پیشه ای داشته باشد ابزار کار برایش گذاشته شود یا تجار باشد مقدار مالی برایش گذاشته شود که به آن تجارت کند و آن مقدار مالی گذاشته شود که نفقه از قبیل خوراک و پوشاک خود و از کسانی را که به عهده او است تامین کرده بتواند.<sup>(۱)</sup>

مساعدت و کمک نمودن میان مسلمانان امری است پسندیده و نیکو مخصوصاً در حالاتی که انسان بیشتر به کمک نیاز داشته باشد از جمله وقتی که انسان در کارهای مشروع قرض دار شده باشد که خود قادر به پرداخت آن نباشد.

خداوند جل جلاله در مورد انفاق نمودن مال محبوب در راه های خیر چنین فرموده اند ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً﴾<sup>(۲)</sup>

ترجمه: کیست که به خدا قرض نیکویی دهد تا آن را برای او چندین برابر کند؟ با طیب خاطر از مال حلال خود در راه های خیر مصرف نماید، و اسلام راه های خیر را منحصر به چند مورد مشخص ننموده است قسمیکه در مورد انفاق در جای های متعدد از پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین روایت شده است « اِبْدَأْ بِنَفْسِكَ فَتَصَدَّقْ عَلَيْهَا، فَإِنْ فَضَلَ شَيْءٌ فَلْأَهْلِكَ، فَإِنْ فَضَلَ عَنْ أَهْلِكَ فَلِذِي قَرَابَتِكَ، فَإِنْ فَضَلَ عَنْ ذِي قَرَابَتِكَ فَهَكَذَا وَهَكَذَا يَقُولُ بَيْنَ يَدَيْكَ وَعَنْ يَمِينِكَ وَعَنْ شِمَالِكَ».<sup>(۳)</sup> وبه

۱ - فقه السنه - سيد سابق ج ۷ ص ۳۵، شرح مختصر الطحاوي للجصاص ج ۳ ص ۱۷۸

۲ - سوره البقرة آیه: ۲۴۵

۳ - السنن الكبرى للبيهقي وفي ذيله الجوهر النقي شماره حديث (۸۰۰۶) ج ۴ ص ۱۷۸

استعمال این الفاظ (فَهَكَذَا وَهَكَذَا) به انسان در مصرف مال اختیار میدهد بعد از رعایت مراتب راه های که مصرف مال در آن راه ها توضیح داده شده، در مرحله اول نفس خود انسان مورد توجه است وقتی که انسان در حال اضطرار قرار داشت، ابتدا باید به نفس خود نفقه و مصرف نماید، اما در حالت عادی می‌تواند دیگران را به خود ترجیح دهد، یعنی آنچه را که خود به آن نیاز دارد به دیگران صدقه نماید که از این گونه انفاق و خود گزری در قرآن به ایثار تفسیر شده و در اسلام از جایگاه خاص برخوردار است. برای کسانی که ایثار و فداکاری می‌نمایند رضامندی خدا جل جلاله اجرو پاداش زیاد وعده داده شده است، پس نفقه نمودن از مال حلال در مرحله نخست به نفس خود به قدر حاجت از جمله راه های خیر و بهترین صدقه به شمار می‌رود، هرگاه انسان از قدر حاجتش مال بیشتر داشت، باید بر اهل و خانواده (زن و فرزندان) خود مصرف نماید و در صورت داشتن بیشتر از این میتواند از مال زیاده اش به عنوان صدقه نافله بر اقارب و نزدیکان خود چه دور و چه نزدیک باشند مصرف نماید و مراد از تکرار این الفاظ فَهَكَذَا وَهَكَذَا تشویق به انفاق بیشتر و متنوع بودن راه های خیر است که انسان در این قسمت دست باز دارد بعد از رعایت حقوق مالی خود، خانواده و اقارب در صورت داشتن امکانات طبق مصلحت می‌تواند از مال و دارایی خود در دیگر کارهای خیر نیز صدقه و انفاق نماید از جمله راه های خیر و تکافل اجتماعی انفاق نمودن به کسانی است که قرض دار شده اند (۱) همچنان انسان به کمال نیکی نمی‌رسد مگر اینکه از مال محبوب و دوست داشتنی اش در راه الله جل جلاله مصرف نکند در این مورد عبد الرحمن بن عبد الرحیم المبارکفوری (۲) در تحفقه الاحوذی نوشته اند انفاق باید از مال محبوب صورت گیرد و قول امام نووی را چنین نقل میکند ایشان مصرف نمودن مال اضافه از حاجت خود و عیال را خیر و امساک آنر برای انسان شر دانسته اند به دلیل اینکه امساک از موارد وجوبی عقاب و عذاب را در پی دارد و امساک مال از موارد مندوب و مستحب، فوت ثواب و مصلحت است از این سبب امساک مال اضافه از حاجت را شر دانسته است و انفاق نمودن بر شخص قرض دار در مانده از مواردی است

۱ - مصطفی خرم دل تفسیر نور ص: ۱۵۶، تفسیر فی ظلال ترجمه فارسی ج ۲ ص ۳۱، طرح التثریب ج ۷ ص ۲۸-۲۹، محمد علی بن محمد بن علان بن ابراهیم البکری الصدیقی الشافعی المتوفی: ۱۰۵۷ هـ، دلیل الفالحین لطرق ریاض الصالحین ج ۴ ص ۱۵۱ الناشر: دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت - لبنان الطبعة: الرابعة، ۱۴۲۵ هـ - ۲۰۰۴ م عدد الأجزاء: ۸، شرح الأربعین النوویة ج ۴۳ ص ۱۲، - محمد علی خالدي ص: ۲۹۱، معانی الآثار ج ۹ ص ۲۵۵

۲ - عبد الرحمن بن عبد الرحیم المبارکفوری (۱۳۵۳ - ۰۰۰ هـ = ۱۹۳۴ - ۰۰۰ م)

که مورد تایید خدا ورسولش می باشد و در مورد نفقه ای که در نهایت اخلاص در راه الله صورت می گیرد از پیغمبر صلی الله علیه وسلم چنین روایت شده است:

عن أبي هريرة عن رسول الله {صلى الله عليه وسلم} قال سبعة يظلهم الله في ظله يوم لا ظل إلا ظله إمامٌ عادلٌ وشابٌّ نشأ في عبادة الله ورجلٌ معلق في المساجد ورجلان تحابا في الله اجتمعا عليه وتفرقا عليه ورجلٌ دعت امرأته ذات منصب وجمال فقال إني أخاف الله ورجل تصدق بصدقة فأخفاها حتى لا تعلم شماله ما تنفق يمينه ورجلٌ ذكر الله خالياً ففاضت عيناه (١) ترجمه: ابوهریره گوید: پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: در روزی که سایه ای جز سایه خدا وجود ندارد خداوند هفت صنف از بندگان را در زیر سایه خود قرار می دهد:

اول: رهبری است که عادل باشد. دوم: جوانی است که در عبادت پروردگارش رشد و پرورش می یابد. سوم: مردی است که قلبش به مسجد گرویده و به آن تعلق دارد. چهارم: دو نفری هستند که به خاطر خدا یکدیگر را دوست دارند و به خاطر خدا به هم نزدیک می شوند و یا از هم جدا می گردند. پنجم: مردی است که زنی باشخصیت و زیبایی او را به سوی خود دعوت می کند ولی در جوابش می گوید: من از خدا می ترسم و به خاطر خدا دعوتش را قبول نمی کند. ششم: مردی است که صدقه و بخشش او به حدی پنهانی است که دست چپش از آنچه دست راستش می بخشد بی اطلاع است. هفتم: کسی است که به تنهایی و دور از مردم ذکر خدا می کند و اشک از چشمانش جاری می شود.

یکی از هفت گروه کسی است که مالش را در راه خدا مصرف می نماید طوریکه دست راستش صدقه می کند دست چپش نمی داند.

علمای حدیث در ارتباط به منزلت و جایگاه این حدیث نزد علما نوشته اند این حدیث از جمله احادیث جوامع الکلم و امهات الاحادیث بوده و از جمله بزرگترین حدیثی است که تشویق به انفاق در راه های خیر نموده است و اسلوب این حدیث طوری است که ترتیب نتایج به اسباب آن و موضوع آن شامل همه طبقات امت است تعدد موضوعات دلالت به تعدد معانی آن دارد از بیان حلال و حرام تا بیان واجب و مستحب شامل اند، در باب صدقات احادیث بیشتری وارد شده، اما

---

١ - الجمع بین الصحیحین البخاری و مسلم ج ٣ ص ٧٢ شماره حدیث ٢٢٨٥ ، اللؤلؤ و المرجان ج ٢ ص ٧٩ باب فضل و ثواب پنهان داشتن صدقه شماره حدیث ٦١٠ ، محمد عبد الرحمن بن عبد الرحیم المبارکفوری أبو العلاء، تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی، ج ٨ ص ٢٧٦-٢٧٧ و ج ٧ ص ٦ الناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت.

در این حدیث طوری بیان گردیده است که نفقات تبرع و نفلی در نهایت اخلاص باید باشد و منطق ایمان به خدا در این است که انجام کار به خاطر رضای او باشد و از او ثواب اعمال خواسته شود از اینرو طوری ابلغ هدایت به اخفای صدقه شده تا در آن کدام سوء نیت داخل نشود و به این معنی شخص انفاق کننده بر تنگ دست و محتاج در صورت بهبود وضع آن به او منت نگذارد بلکه منتظر اجر خود از جانب الله جل جلاله باشد که همانا مستفید شدن در روز قیامت از سایه عرش الله جل جلاله و موارد دیگر است.<sup>(۱)</sup>

قرض دار شدن در کارهای مشروع قرار ذیل اند:

۱. قرضدار که به خاطر نیازمندی‌های خود قرض دار می‌گردد اما در کارهای معصیت و گناه نیست و توان پرداخت آنر ندارد.
۲. کسانی که به منظور جلوگیری از ظهور فتنه میان خانواده‌ها و مردم و برای تحقق صلح در میان ایشان خونبها و توان‌های دیگر را به عهده گرفته قرض دار می‌شوند.
۳. کسانی که به ضمانت‌های مشروع قرض دار شده اند ضامن و کسیکه از او ضمانت شده هر دو تنگ دست باشند.

۴. کسانی که گناه یا جرمی را مرتکب و جریمه شده اند که توان پرداخت آنرا ندارند، اما از گناه و جرم خود توبه کرده اند.<sup>(۲)</sup>

با توجه به دلایل ذکر شده شخص قرض دار بعد از تامین نفقه خود و کسانی که نفقه شان به عهده وی باشد در صورت داشتن مال اضافی از مصارف نفقه، وام هایش را از دارایی خود پرداخت می‌نماید هرگاه قادر به پرداخت وام هایش نباشد در این صورت از مال زکات برای ادای وام‌های آن داده شود همچنان اشخاصیکه دارای امکانات اند اعم از اقارب و کسانی که به آن رابطه عقیدتی دارند، می‌توانند از صدقات نفلی شان به وی چیزی بدهند، زیرا مومن برادر مومن است و خداوند تا زمانی در کمک بنده خود است که بنده اش در کمک برادر خود باشد، انسان مومن در زندگی برادران مومن خود را کمک می‌نماید حتی بعد از مرگ در فکر نجات آنها از عذاب خدا می‌باشد، در زندگی دنیوی انفاق نمودن برای مستمندان و کسانی که به اثر حوادث روزگار در

---

۱ - عطیة بن محمد سالم (المتوفی : ۱۴۲۰هـ)، شرح بلوغ المرام، ۴/۱۳۶-۵، مصدر الکتاب : دروس صوتیة قام بتقریغها موقع الشبكة الإسلامية، <http://www.islamweb.net>

۲ - عبدالعظیم بن بدوی، فقه از ادله ی قرآن کریم و سنت صحیح ج ۱ ص ۳۴۹، فقه آسان در مذهب امام شافعی (احمد عیسی عاشور) ص: ۳۱۵، داکتر یوسف قرضاوی، عبادت در اسلام، ۳۱۲-۳۱۳، مترجم : محمد ستاری خرقانی

مانده شده و نمی توانند زندگی خود را اداره کنند نشان دهنده همکاری، تعاون و احترام به شخصیت آنها است از جانب دیگر یک نوع تکافل اجتماعی است که شخص در مانده خود را عضو جامعه اسلامی احساس می کند وحدت و یک پارچگی در بین امت اسلامی تقویه، کینه وحقد که در بین سرمایه دارو فقیر باشد از بین می رود و برای شخص نفقه کننده با حسن نیت که دارد از طرف الله جل جلاله پاداش مضاعف داده می شود و در نتیجه از اقشار مختلف جامعه یک امت واحد ساخته می شود که در غم و شادی یک دیگر سهیم باشند.

## مطلب دوم

### نفقات مسافر

تعریف مسافر: به اعتبار اینکه از یک مکان به مکان دیگر سفر می نماید مسافر میگویند، محمد عبدالرؤف (۱) آنرا چنین تعریف نموده است: " والسفر بفتح التین الخروج للارتحال وقيل قطع المسافة وسافر فهو مسافر خص بالمفاعلة اعتبارا بأن المسافر سفر عن المكان والمكان سفر عنه" مسافر، یکی از جمله اصناف هشت گانه مستحق زکات است که خداوند جل جلاله در مورد چنین فرموده است: {إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ} (۲)

ترجمه: زکات مخصوص مستمندان، بیچارگان، گردآورندگان آن، کسانی که جلب محبتشان ( برای پذیرش اسلام و سود گرفتن از خدمت و یاریشان به اسلام چشم داشته ) می شود، ( آزادی ) بندگان، ( پرداخت بدهی ) بدهکاران، ( صرف ) در راه ( تقویت آئین ) خدا، و واماندگان در راه ( و مسافران در مانده و دور افتاده از مال و منال و خانه و کاشانه ) می باشد. این يك فريضة مهم الهي است ( که جهت مصلحت بندگان خدا مقرر شده است ) و خدا دانا ( به مصالح آفریدگان ) و حکیم ( در وضع قوانین ) است. (۳)

۱- محمد عبد الرؤوف بن تاج العارفين ابن علي بن زين العابدين الحدادي ثم المناوي القاهري، زين الدين ( ۹۵۲ - ۱۰۳۱ هـ = ۱۵۴۵ - ۱۶۲۲ م ) التوقيف على مهمات التعاريف ص ۴۰۶، الناشر: دار الفكر المعاصر، دار الفكر - بيروت، دمشق الطبعة الأولى، ۱۴۱۰، تحقيق: د. محمد رضوان الداية.

۲ - سورة التوبة آية: ۶

۳ - مصطفى خرم دل، تفسير نور ص: ۳۷، تاريخ نشر ۱۳۷۲ هـ ش، محل نشر تهران، ناشر احسان

همچنان در ارتباط به کسانی که نسبت به سایرین شایسته تر به نیکی و مصرف کردن اند چنین فرموده است: {وَأَتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ}

ترجمه: و مال ( خود ) را با وجود علاقه ای که بدان دارد ( و یا به سبب دوست داشت خدا، و یا با طیب خاطر ) به خویشاوندان و یتیمان و درماندگان و واماندگان در راه و گدایان دهد، و در راه آزاد سازی بردگان صرف کند.

در مورد مفهوم ابن سبیل تفسیر ماوردی سه نظر یه را نقل نمود است:

اول اینکه مراد از ابن سبیل مسافری است که عملاً در حالی پیمودن راه بوده و در سفر قرار دارد. این قول مجاهد، قتاده و ربیع است.

دوم اینکه مراد از ابن سبیل کسی است که قصد سفر را دارد ولی مخارج سفر را ندارد. این قول امام شافعی است.

سوم اینکه مراد از ابن سبیل شخص ضعیف و ناتوان است و این قول ضحاک است.<sup>۱</sup>

قول راجح: قول اول است زیرا احتمال دارد به دو مورد اخیر فقیر و یا مسکین هم خطاب شود که آنها هم از جانب شریعت به عنوان فقیر و مسکین مستحق انفاق دانسته شده اند و مسافر به کسی گفته می شود که از وطن اهل و عیال خود جدا شده در حال پیمودن راه بوده و در سفر قرار داشته باشد و به ترتیبی که در آیه متذکره از آن تذکر به عمل آمده و به طور جدا گانه کلمه ابن سبیل به آن استعمال شده است و مراد از آن شاید همان شخصی باشد که درمانده و دور افتاده از مال و منال و خانه و کاشانه خود باشد و به آن شخص مسافر اطلاق شده است در صورتیکه از مسافر شخص ضعیف و یا کسی که قصد سفر را دارد اما مخارج آنرا نداشته باشد مفهوم شود شاید معنی واقعی آن ترک گردد که عملاً بیرون شدن از خانه و کاشانه است. والله اعلم

خداوند جل جلاله در این آیه طریقه دادن مال را که عبارت از مال محبوب است و کسانی که به آنها مصرف شود بیان می کند آنها کسانی اند که نسبت به دیگران شایسته تر به مصرف اند، از جمله یکی از این گروه مسافر است و منظور از مسافر آنده کسانی اند که دور از خانه، اهل و مالش در راه مانده، توشه کافی برای رسیدن به وطن خود را ندارند هر چند افراد فقیر و بی بضاعت نیستند اما در سفر به اثر حوادث متعددی مانند سرقت مالش از جانب دزدان، گم شدن مال،

۱- أبو الحسن علي بن محمد بن حبيب الماوردي البصري، تفسير الماوردي النكت والعيون ج ۱ ص ۴۸۶، دار النشر: دار الكتب العلمية -

بيروت / لبنان - تحقيق: السيد بن عبد المقصود بن عبد الرحيم

دچار شدن به مریضی دشوار و موارد دیگر که انسان در مانده شده مالی برای تامین نفقه، مقاصد سفر و رسیدن به وطن را نداشته باشند، نفقه نمودن از صدقات نفلی به اینگونه اشخاص بر علاوه دادن مال زکات همچگونه ممانعت شرعی ندارد بلکه اسلام به انفاق و مساعدت میان مومنین تشویق نموده است زیرا در نفقه نمودن به ایشان ( مسافران در مانده ) از صدقات نفلی تکافل اجتماعی است و هم برای شخص نفقه کننده نزد الله جل جلاله اجر و پاداش چند چند است. از ابن عباس روایت شده که مسافر مهمان است. همچنان تعداد دیگر مانند مجاهد، سعید بن جبیر، ابوجعفر الباقر، حسن، حسن قتاده، ضحاک، زهری، ربیع بن انس و مقاتل بن حیان نیز به این باورند که مسافر حکم مهمان را دارد، اهل وطن به عنوان مهمان نفقه اش را تامین، کرایه و وسایل مورد ضرورت او را تا رسیدن به وطنش تدارک نمایند (۱)

## مطلب سوم

### نفقات همسایه

شریعت اسلام که مسلمانان را برادر یک دیگر خوانده است با برنامه کامل زندگی طرز ادای حقوق همسایگان را با رعایت فکتور های مشخص مانند تعاون و همکاری، دوستی و محبت، خود داری از ازار و اذیت، احسان و بخشندگی رهنمودی نموده است، کمک نمودن به فقراء و دست گیری آنها وظیفه همه مسلمانان است مخصوصاً همسایه‌های که در کنار انسان زندگی می نمایند و به کمک نیاز داشته باشند، دادن خوراک و پوشاک به همسایه‌ها از روش های پسندیده اسلام و پاسداری از کرامت و حرمت آنها است. زیرا خداوند جل جلاله در مورد چنین فرموده است:

---

۱ - مصطفی خرم دل، تفسیر نور ص: ۹۸ تاریخ نشر ۱۳۷۲ هه ش، محل نشر تهران، ناشر احسان، سید قطب، تفسیر فی ظلال ترجمه فارسی ج ۲ ص ۳۰، علامه شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدی متوفای ۱۳۷۶ هجری قمری [۱۳۳۴ هجری شمسی]، تفسیر راستین ترجمه ی: تیسیر الکریم الرحمن، ج ۱ ص ۲۳۴-۲۳۷، مترجم: محمد گل گمشاد زهی، أسعد حومد، أیسر التفاسیر ج ۱ ص ۱۸۴، مصدر الكتاب: موقع التفاسیر، <http://www.altafsir.com>، الشیخ محمد الطاهر بن عاشور، التحرير والتنوير - الطبعة التونسية ج ۲ ص ۳۱۸، دار النشر: دار سحنون للنشر والتوزیع - تونس - ۱۹۹۷ م، أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشي الدمشقي [ ۷۰۰ - ۷۷۴ هـ ]، تفسیر القرآن العظیم ج ۱ ص ۴۸۷، تحقیق: سامی بن محمد سلامة، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزیع، الطبعة: الثانية ۱۴۲۰ هـ - ۱۹۹۹ م، مصدر الكتاب: موقع مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، [www.qurancomplex.com](http://www.qurancomplex.com)، أبو المظفر منصور بن محمد بن عبد الجبار السمعاني سنة الولادة ۴۲۶ هـ / سنة الوفاة ۴۸۹ هـ، تفسیر القرآن ج ۲ ص ۳۲۲، تحقیق یاسر بن ابراهیم و غنیم بن عباس بن غنیم، الناشر دار الوطن - الرياض، سنة النشر ۱۴۱۸ هـ - ۱۹۹۷ م، مکان النشر السعودية

{وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَاناً وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالاً فَخُوراً} (١)

ترجمه: (تنها) خدا را عبادت کنید و (بس . و هیچ کس و ) هیچ چیزی را شریک او مکنید . و نیکی کنید به پدر و مادر، خویشان، یتیمان، درماندگان و بیچارگان، همسایگان خویشاوند، همسایگان بیگانه، همدمان (در سفر و در حضر و همراهان و همکاران)، مسافران (نیازمندی که در شهر و مکان معینی اقامت ندارند)، و بندگان و کنیزان . بیگمان خداوند کسی را دوست نمی دارد که خودخواه و خودستا باشد. (٢) مفسر کشف و بیان در تفسیر این آیه چنین نوشته اند:

واعبدوا الله ای وُحِدُوا الله وأطيعوه، قالت الحكماء: العبودية ترك العصيان، وملازمة الذل والانكسار، وقيل: العبودية أربعة أشياء: الوفاء بالعهود، والحفظ للحدود، والرّضا بالموجود، والصبر على المفقود (٣)

ابن کثیر رح در تفسیر خود این آیه را: وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ چنین تفسیر نموده است:

همسایه نزدیک و همسایه ی دور و دوستِ همنشین (٤)

پس احسان به والدین و رعایت حقوق اقارب، ایتم، محتاجین، همسایه، رفیق سفر در حقیقت ارج گذاری به امر خدا و به مفهوم انقیاد و فرمانداری از آن است.

در مورد معنی وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ دو قول است:

١. به معنی همسایه که صاحبان قرابت و رحم باشد (ایشان کسانی اند که بین تو و ایشان قرابت

نسبی است)

٢. به معنی همسایه که صاحب قرابت به اسلام باشد

در مورد معنی وَالْجَارِ الْجُنُبِ هم دو قول است:

١ - سوره النساء آیه: ٣٦

٢ - مصطفی خرم دل، تفسیر نور ص: ٣٠

٣ - أبو إسحاق أحمد بن محمد بن إبراهيم الثعلبي النيسابوري، الكشف والبيان ج ٣ ص ٣٠٤ دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان - ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠٢ م الطبعة: الأولى، تحقيق: الإمام أبي محمد بن عاشور، تدقيق الأستاذ نظير الساعدي

٤ - ترجمه ی تفسیر ابن کثیر قسمت اول - ص: ٢٧٤



۱. همسایه که از لحاظ نسب دور باشد (بین تو ایشان قرابت نسبی نباشد) ۲. همسایه مشرک که دور است از لحاظ دین داری با تو

در مورد معنی وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ سه قول است:

۱. رفیق سفر ۲. زوجه ۳. آنکه زندگی با تو اختیار نموده و امید نفع رساندن را دارد (۱)  
آیه متذکره بیان گر این موضوع است که همسایه سه قسم است و علما هم به این باور اند:  
اول: همسایه قریب و مسلمان، به این گونه همسایه سه حق است: حق همسایگی، حق اسلامیت و حق قرابت.

دوم: همسایه مسلمان غیر قریب، به اینگونه همسایه دو حق است: حق همسایگی و حق اسلام.  
سوم: همسایه کافر، به اینگونه همسایه صرف حق همسایگی است در صورت قرابت، حق قرابت نیز است (۲)

احادیث وارده در مورد انذار و تشویق به انفاق بر همسایه ها:

۱. عَنْ أَبِي عَمْرَانَ الْجَوْنِيِّ، سَمِعْتُ طَلْحَةَ، قَالَ: قَالَتْ عَائِشَةُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ لِي جَارِينَ فَأَلِي أَيْهَمَا أُهْدِي؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِلَى أَقْرَبِهِمَا مِنْكَ بَابًا هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ أَخْرَجَهُ مُحَمَّدٌ، عَنْ حَجَّاجِ بْنِ مِنْهَالٍ، عَنْ شُعْبَةَ

ترجمه: عایشه رضی الله عنها می گوید: عرض کردم: ای رسول خدا! دو همسایه دارم. نخست، برای کدام یک از آنها هدیه بفرستم؟ رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «برای همسایه ای که دروازه خانه اش، به تو نزدیک تر است» (۳)

۲. عَنْ أَبِي ذَرٍّ، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تَحْقِرَنَّ مِنَ الْمَعْرُوفِ شَيْئًا وَلَوْ أَنْ تَلْقَى أَخَاكَ بِوَجْهِ طَلِيقٍ، وَإِذَا طَبَخْتَ مَرَقَةً، فَأَكْثِرْ مَاءَهَا، وَاعْرِفْ لِجِيرَانِكَ مِنْهَا (۴)

ترجمه: از ابی ذر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید: هیچ کاری پسندیده را ناچیز و حقیر نپندارید حتا اینکه اگر رو به رو شدن با برادرت با پیشانی باز باشد و هرگاه در خانه ات شوربا کردی آبش زیاد نموده و مقداری از آن را به همسایه هایت بفرست.

۱ - تفسیر الماوردی - النکت والعیون ج ۱ ص ۴۸۵-۴۸۶، انظر، البحر المديد ج ۲ ص ۶۵ و أيسر التفسير لكلام العلي الكبير ج ۱ ص ۴۷۶

۲ - أحاديث مختارة من الصحيحين (ص: ۳۳)، انظر، تفسير البيضاوي (ص: ۱۸۷)

۳ - شرح السنة للبيهقي ج ۳ ص ۲۱۳ باب الصدقة على الجار، مختصر صحيح بخاري (ص: ۸۴۷) شماره حديث (۲۲۵۹)

۴ - شرح السنة للبيهقي ج ۳ ص ۲۱۴

۳. عن عبد الله بن أبي مساور قال: سمعت ابن عباس و هو يبخل ابن الزبير و يقول: سمعت رسول الله صلى الله عليه و سلم يقول ليس المؤمن الذي يبیت و جاره إلى جنبه جائع (۱)

۴. از عبدالله بن ابی مساور روایت است: از ابن عباس رضی الله عنه در حالی که ابن زبیر را بخیل می‌پنداشت، شنیدم که می‌گفت: از رسول الله صلی الله شنیدم که می‌گوید کسی که در خانه‌اش می‌خوابد و همسایه‌اش در پهلوی آن گرسنه است، مومن نیست.

در حدیث فوق برای کسیکه شب را با شکم سیر و آرام بگذارند در حالی که همسایه اش در کنارش گرسنه باشد و از حالت او هم آگاهی داشته باشد، به نفی ایمان او سخن رانده شده است، اما شرح حدیث نوشته اند که مراد از نفی ایمان نفی کامل ایمان نیست بلکه دلالت به بی‌پروایی، قساوت قلب، بخل شدید، بی‌مروتی شخص و پایین بودن طبع آن دارد یا در اعلی‌ترین مراتب ایمان قرار ندارد، تعبیر نموده اند.<sup>۲</sup>

و از ابی هریره رضی الله نیز مثل حدیث فوق روایت گردیده است یا چنین گفته شده است که مومن نیست کسی که در خانه‌اش شب با شکم سیر سپری کند و همسایه‌اش در پهلوی آن گرسنه باشد و همچنان در روایت دیگری از ابی مساور آمده است که می‌گوید من از عباس درحالی که ابن زبیر را در رابطه به بخالتش ملامت می‌کرد شنیدم که حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم را نقل می‌کرد که رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: مومن کسی نیست که در خانه‌اش شب را با شکم سیر سپری کند و همسایه‌اش در کنارش گرسنه باشد. مقصود این نیست که شخص به طور کامل از ایمان خارج گردیده و با ترک این عمل کافر می‌گردد بلکه مقصود آن است ه چنین شخصی در درجه‌ای بلندی از ایمان قرار ندارد و چنین عباراتی در احادیث زیاد آمده است مثل اینکه در حدیث آمده است کسی که بسم الله را نگوید وضوء ندارد که منظور آن نیست که کسی در اول وضوء بسم الله را نگوید: اصلاً وضویش درست نمی‌شود بلکه منظور کاهش فضیلت آن است.<sup>۳</sup>

۱ - المستدرک علی الصحیحین للحاکم مع تعلیقات الذهبی فی التلخیص ج ۴ ص ۱۸۴ شماره حدیث ۷۳۰۷ ، انظر، التیسیر بشرح الجامع

الصغیر - للمناوی ج ۲ ص ۶۵۳

۲ - التیسیر بشرح الجامع الصغیر - للمناوی ج ۲ ص ۶۵۳

۳ - معانی الآثار ج ۱ ص ۳۹

با توجه به موارد یاد شده حق همسایه بر همسایه است که در سختی ها او را یاری رساند و در شادی و خویش با شادی و در صورت مظلومیت از آن رفع ظلم نماید هرگاه انحراف نمود او را رهنمایی کند و از مسولیت های مهم در برابر همسایگان این است که هنگام ضرورت و نیاز مندی مورد حمایت قرار گیرد نفقه و لباس برایش داده شود.

## مطلب چهارم

### نفقات ضیافت

تعریف ضیافت: ضیافت مصدر ضاف است به معنی میلان کردن یا نازل شدن به کسی و در اصطلاح اسم از برای اکرام مهمان است و مهمان کسی است که خودش بیاید یا دعوت شده باشد<sup>(۱)</sup> انسان عادتاً به جمع آوری مال علاقه دارد همان طوریکه شریعت اسلام در سایر عرصه زندگی انسان را رهنمونی نموده است در رابطه به بدست آوردن مال که از مدرک حلال باشد و چگونگی مصرف آن نیز اسلام طریقه ی را گذاشته است که انسان را از هلاکت و بد بختی نجات می دهد، شح یکی از ویژگی های نفس انسان است که انسان را به جمع آوری مال و عدم مصرف آن و می میدارد که گاهی گاهی انسان دچار مریضی بخل و تنگ نظری می شود اسلام این موضوع را از طریق مصرف مال که در حد اسراف و تبذیر نباشد معالجه نموده تامین نفقات و تدارک مال برای مصرف نمودن در ضیافت به منظور ایجاد محبت، سالم ماندن و وقایه انسان از بخل و تنگ چشمی یکی از موارد انفاق و ایثار است<sup>۲</sup>، خداوند جل جلاله از کسانی که مال های شان را به نیت رضای او مصرف می کنند به نیکویی یاد نموده و چنین می فرماید:

{وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنًا نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ} (۳)

ترجمه: آنانی که پیش از آمدن مهاجران خانه و کاشانه ( آئین اسلام ) را آماده کردند و ایمان را ( در دل خود استوار داشتند ) کسانی را دوست می دارند که به پیش ایشان مهاجرت کرده اند، و در درون احساس و رغبت نیازی نمی کنند به چیزهایی که به مهاجران داده شده است، و ایشان را

۱ - الموسوعة الفقهية الكويتية ج ۲۸ ص ۳۱۶

۲ - فقه خانواده در جهان معاصر، ص ۳۴۳-۳۴۵

۳ - سوره الحشر آیه: ۹

بر خود ترجیح می دهند، هرچند که خود سخت نیازمند باشند . کسانی که از بخل نفس خود، نگاهداری و مصون و محفوظ گردند، ایشان قطعاً رستگارانند.

همچنان پیغمبر صلی الله علیه وسلم مردم را به دادن طعام تشویق نموده است که مخصوصاً زمانی که نیاز مندی بیشتر محسوس باشد که در مورد چنین روایت شده است:

عن عبد الله بن سلام قال: لما قدم رسول الله صلى الله عليه وسلم المدينة استشرفه الناس فقالوا قدم رسول الله قدم رسول الله فخرجت فيمن خرج فلما رأيت وجهه عرفت ان وجهه ليس بوجه كذاب فكان أول ما سمعته يقول يا أيها الناس أفشوا السلام وأطعموا الطعام وصلوا الأرحام وصلوا بالليل والناس نيام تدخلوا الجنة بسلام (١)

ترجمه: از عبد الله بن سلام رضي الله عنه روایت شده است وی گفت: هنگامیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم به مدینه منوره تشریف آورد مردم به او مشرف شدند وگفتند رسول الله تشریف آورد رسول الله تشریف آورد من بر آمدم و بجای استاد شدم دیدم روی مبارک رسول الله صلی الله علیه وسلم را شناختم که روی رسول الله روی دروغ گوها نیست و اولین سخنی را که از آن شنیدم این بود که می گفتند: ای مردم، سلام را آشکار کنید و طعام دهید و روابط خویشاوندی را بر قرار دارید و نماز بخوانید، در حالیکه مردم خواب هستند تا به سلامتی به بهشت داخل شوید. (٢)

مرقات المفاتیح در شرح این حدیث نوشته میکند زمانی که پیامبر صلی الله علیه وسلم به مدینه منوره تشریف بردند و اولین سخنی که با کلمات بیسار رسا از زبان شان جاری شد این بود که سلام را در میان تان پخش کنید و طعام دهید از مال تان که اضافه از واجب زکات است، برابر است که این مصرف نمودن برای صدقه، هدیه و ضیافت باشد و صدقه نمودن مال باعث دخول بهشت و دوری انسان از آتش دوزخ می شود همچنان در حدیث دیگر آمده است صدقه نمایید ولو بشق تمره هم باشد اشاره به چیز کم دارد یعنی آنچه که در توان انسان باشد انفاق نماید(٣)

---

١- محمد بن سلامة بن جعفر أبو عبد الله القضاة، مسند الشهاب، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة الثانية، ١٤٠٧ - ١٩٨٦، تحقيق: حمدي بن عبد المجيد السلفي، عدد الأجزاء: ٢، عبدالله بن عبدالرحمن أبو محمد الدارمي، سنن الدارمي ج ٢ ص ٣٥٧ شماره حدیث (٢٦٣٢) باب فی افشاء السلام، الناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، الطبعة الأولى، ١٤٠٧، تحقيق: فواز أحمد زمرلي، خالد السبع العلمي

٢- رياض الصالحين - خاموش هروي ج ٢ ص ١٦٣ شماره حدیث ٨٤٩

٣- أبو الحسن عبيد الله بن محمد عبد السلام بن خان محمد بن أمان الله بن حسام الدين الرحمانى المباركفوري (المتوفى: ١٤١٤هـ)، مرعاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح ج ٦ ص ٣٤٢، الناشر: إدارة البحوث العلمية والدعوة والإفتاء - الجامعة السلفية - بنارس الهند، الطبعة:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- فَقَالَ إِنِّي مَجْهُودٌ. فَأَرْسَلَ إِلَيَّ بَعْضُ نِسَائِهِ فَقَالَتْ وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ مَا عِنْدِي إِلَّا مَاءٌ. ثُمَّ أَرْسَلَ إِلَيَّ أُخْرَى فَقَالَتْ مِثْلَ ذَلِكَ حَتَّى قُلْنَا كُنْهُنَّ مِثْلَ ذَلِكَ لَا وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ مَا عِنْدِي إِلَّا مَاءٌ. فَقَالَ « مَنْ يُضِيفُ هَذَا اللَّيْلَةَ رَحِمَهُ اللَّهُ ». فَقَامَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ فَقَالَ أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَأَنْطَلَقَ بِهِ إِلَيَّ رَحْلِي فَقَالَ لِأَمْرَأَتِهِ هَلْ عِنْدَكَ شَيْءٌ. قَالَتْ لَا إِلَّا قُوْتُ صِيبَانِي. قَالَ فَعَلَّيْهِمْ بِشَيْءٍ فَإِذَا دَخَلَ ضَيْفُنَا فَأَطْفِئِي السِّرَاجَ وَارِيهِ أَنَا نَأْكُلُ فَإِذَا أَهْوَى لِيَأْكُلَ فَقُومِي إِلَيَّ السِّرَاجَ حَتَّى تُطْفِئِيهِ. قَالَ فَفَعَدُوا وَأَكَلَ الضَّيْفُ. فَلَمَّا أَصْبَحَ غَدَا عَلَى النَّبِيِّ -صلى الله عليه وسلم- فَقَالَ « قَدْ عَجِبَ اللَّهُ مِنْ صَنِيعِكُمَْا بِضَيْفِكُمَْا اللَّيْلَةَ ». (١)

ترجمه: ابو هريره رضي الله عنه روايت مي كند كه مردی به حضور پیامبر صلي الله عليه وسلم آمده و گفت: من بسيار خسته و نیازمندم، آنحضرت صلي الله عليه وسلم نزد بعضی از زنانش فرستاد و او گفت: سوگند به ذاتي که ترا بحق فرستاده، در نزدم جز آب چیزی نیست. باز بسوي دیگری فرستاد و او هم همچنان گفت، تا اینکه همهء آنها چنان گفتند که نه: بذاتیکه ترا به حق فرستاده سوگند که چیزی جز آب وجود ندارد. سپس پیامبر صلي الله عليه وسلم فرمود: کدام کس این شخص را امشب مهمان میکند؟

مردی از انصار گفت: من یا رسول الله صلي الله عليه وسلم و او را به خانه اش برده و به زنش گفت: مهمان رسول الله صلي الله عليه وسلم را گرامي دار. و در روایتی آمده که برای زنش گفت: آیا چیزی داری؟ گفت: ني جز غذای اطفالم.

گفت: آنها را به چیزی مشغول بدار و چون نان خواستند، آنها را خواب کن و چون مهمان ما درآید چراغ را خاموش کن و به او نشان میدهم که ما غذا می خوریم. پس نشستند و مهمان خورد، و آنها هر دو گرسنه خوابیدند، و چون صبح شد بخدمت پیامبر صلي الله عليه وسلم آمد. آنحضرت صلي الله عليه وسلم فرمود: که خداوند از کاریکه به مهمان خود کردید به شگفت مانده است. ابو سلیمان خطابی می گوید: مراد به عجب رضا است، یعنی چنانچه این کار مایهء تعجب شما شده است، مورد قبول و رضای خداوند نیز قرار گرفته است.

الثالثة - ١٤٠٤ هـ ، ١٩٨٤ م ، ابن رجب الحنبلي، اختيار الأولى في شرح حديث اختصام المأ الأعلى ص ١٠ ، مصدر الكتاب : موقع الوراق، <http://www.alwarraq.com>

١ - صحيح مسلم باب اكرام الضيف وفضل ايثاره ج ٦ ص ١٢٧

بهترین طعام آن است که شخص در حالی که خودش نیازمند است به دیگران ایثار می‌نماید و این گروه از اشخاص را خداوند متعال در آیه که فوقاً ذکر گردید توصیف نموده است. (۱)

### حکم ضیافت:

ضیافت یا گرامی داشت از مهمان از مکارم اخلاقی و سنت ابراهیم و سایر انبیاء علیه السلام و از نشانه های ایمان است علماء در واجب بودن ضیافت و مهمانی اختلاف نموده‌اند، لیث بن سعد آنرا واجب دانسته است.

ابن وهب می‌گوید که از لیث شنیدیم که می‌گفت ضیافت یک حق واجب است.

ابو عمر در رابطه می‌گوید که احتمال دارد مقصود لیث این باشد که ضیافت در اخلاق کرام واجب است. ابن وهب و دیگران واجب بودن آنرا صرفاً برای یک شب از لیث نقل نموده اند. دلیلی که برای آن ذکر نموده اند حدیث شعبه بن منصور است که از شعبی از مقدم بن معدیکرب روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید ضیافت یک شب حق واجبی بر هر مسلمان است. اما ابو عمر می‌گوید که احتمال دارد که این امر در اوایل اسلام بوده است آنگاه که همدردی واجب بوده است سپس خداوند دروازه خیر و گشادگی را بر مسلمانان گشود و در نتیجه ضیافت به یک امر جایز، مندوب، پسندیده تبدیل گردید که فاعل آن مورد ستایش قرار گرفته است. و در مسلم شریف به ارتباط مدت ضیافت آمده است که ضیافت برای سه روز است و شخص مقیم مهمان خوانده نمی‌شود و مالك می‌گوید مهمانی برای اهل حضر نیست، همچنان سخنون گفته است که مهمانی برای اهل بادیه است. (۲)

امام شوکانی نفقه ضیافت را برای سه شبانه روز واجب دانسته و فراتر از آن را در حکم صدقه نافله می‌داند و در مورد چنین گفته اند "حد الضیافة إلى ثلاثة أيام وما كان وراء ذلك فصدقة" (۳)

۱ - محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي ، الأدب المفرد ص ۲۵۸ ، الناشر : دار البشائر الإسلامية - بيروت ، الطبعة الثالثة ،

۱۴۰۹ - ۱۹۸۹ ، تحقيق : محمد فؤاد عبدالباقي ، رياض الصالحين - خاموش هروي ج ۱ ص ۴۹۹

۲ - ابن عبالبر أبو عمر يوسف بن عبد الله النمري ، الاستنكار ج ۸ ص ۳۶۸ ، الناشر : دار الكتب العلمية - بيروت ، الطبعة الأولى ، ۱۴۲۱ - ۲۰۰۰ ، تحقيق : سالم محمد عطا ، محمد علي معوض.

۳ - ابن محمد ، محمد بن علي شوکانی ، الأدلة الرضية للإمام الشوکانی (ص: ۱۸)

نزد مذاهب سه گانه شافعیه حنفیه و مالکیه سنت و به نزد امام احمد بن حنبل واجب است اما جمهور علما آنرا مستحب دانسته اند (۱)

و در مورد حکم ضیافت از شیخ حسین و شیخ عبدالله پرسیده ایشان جواب داده اند که واجب است بر اهل قراء و بادیه نه بر اهل شهرهای بزرگ که در آنها طعام بدون تکلیف پیدا می شود. (۲)

## مطلب پنجم

### خود کفایی امت اسلامی

بحث خود کفایی امت اسلامی به ویژه در عرصه کاهش فقر و دستگیری نیازمندان و از بین بردن زمینه‌های تکدی و گدایی گری در میان امت و جوامع اسلامی یکی از اباحت بسیار حیاتی و کلیدی است. بادر نظر داشت اهمیت این مسئله است که احکام اسلامی در کل به این مسئله توجه نموده است و از زوایای مختلف تلاش نموده است که فقر و نیازمندی را از جامعه اسلامی نابود کرده و زمینه خود کفایی هر فرد امت اسلامی را به خودش تا حد امکان فراهم نماید و اگر این امکان وجود نداشته باشد که در عمل هم چنین است، در قدم دوم تلاش صورت گرفته است که هیچ فردی از لحاظ تامین نیازهای زندگی و برای ادامه حیات در جامعه اسلامی بلا تکلیف باقی نمانده و سر نوشت هر فردی را که خودش قادر به تامین نیازهایش نیست، مشخص نموده است. در مجموع این خود کفایی در میان امت اسلامی با پیروی از احکام اسلامی به صورت های مختلف صورت می‌گیرد که ذیلا به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

الف: تشویق به کسب و کار

شریعت اسلام مردم را به کسب و کار تشویق نموده بعد از نماز کسب روزی حلال را فرض پنداشته و عمر رضی الله عنه منزلت آنرا حتما از جهاد مقدم دانسته است. (۳)

اللَّهُ تَعَالَىٰ فِي مَرَدِّهِ {أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ} (۴)

ترجمه: از قسمت‌های پاکیزه اموالی که ( از طریق تجارت ) به دست آورده اید ببخشید

۱ - الموسوعة الفقهية الكويتية ج ۲۸ ص ۳۱۶، ابن نایف الشهود الباحث في القرآن والسنة، الخلاصة في أحكام أهل الذمة ج ۲ ص ۴۱۹

۲ - (-) الدرر السنية في الكتب النجدية ج ۸ ص ۴۷۱

۳ - محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي (المتوفى: ۴۸۳هـ) ج ۳۰ ص ۲۴۵، الناشر: دار المعرفة - بيروت، تاريخ النشر: ۱۴۱۴هـ - ۱۹۹۳م.

۴ - سورة البقرة آیه: ۲۶۷

همچنان از پیامبر صلی الله چنین روایت شده است:

عن أنس قال قال النبي {صلى الله عليه وسلم} ما من مسلم يغرس غرساً أو يزرع زرعاً فيأكل منه طيرٌ أو إنسانٌ أو بهيمةٌ إلا كان له به صدقة (١)

ترجمه: هر مسلمانی که درختی، غرس نماید، یا بذری بیافشاند و انسان، پرنده، و یا حیوانی، از آن بخورد، برایش صدقه محسوب می گردد.

در این حدیث تشویق به کار شده است حتی اگر انسان بداند که در آخرین لحظات عمر خود قرار داشته باشد که امیدی از استفاده نعمت‌های دنیا برایش نباشد و در این هنگام اندک ترین کاری از دست اش پوره است باید بخاطر رفاه دیگران آن عمل را انجام دهد و از الله جل جلاله امید وار باشد که اجر عملش را برای می‌دهد این رو انسان نباید تنبلی را اختیار و از دیگران سوال کند بلکه کار نماید تا از دست مزد خود صدقه نماید حتی اگر از این دست مزدش غیر از انسان سایر زنده جان‌ها هم استفاده نماید برایش صدقه محسوب می شود پس کمک نمودن به انسان‌های محتاج به طریق اولی مورد توجه است که تلاش و زحمت کشی اش به نیت این باشد تا از طریق حلال کسب و به طریق نیک مصرف نماید و در زندگی اش به فقر و تنگ دستی مبتلا نشده و از دیگران سوال نکند خودش خود کفای خودش باشد و در هر کار مشروع که اقدام نماید آنرا بخاطر رضامندی الله جل جلاله انجام دهد نتیجه کارش بدون اجر و ثواب باقی نمی ماند.

حرام ساختن تکدی در صورت داشتن توان کار حتی توبیخا به این نکته اشاره شده است چه کم گدای کند چه زیاد چنانچه مطلق در مورد مذمت سوال از پیغمبر صلی الله علیه وسلم چنین روایت شده است عن أبي هريرة قال: - قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ( من سأل الناس أموالهم تكثرأ فإنما يسأل جمر جهنم . فليستقل منه أو ليكثر) ٢

ترجمه: ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «هر کس از مردم گدایی کند؛ تا مال فراوانی برای خود گرد آورد، قطعاً او پاره ای از آتش جمع آوری می کند؛ حالا می خواهد کم یا زیاد جمع کند».

١ - الجمع بین الصحیحین البخاری و مسلم ج ٢ ص ٤٤٠ شماره حدیث ١٩٥٢

٢ - محمد بن یزید أبو عبدالله القزوینی، سنن ابن ماجه، شماره حدیث (١٨٣٨) ج ١ ص ٥٨٩ باب من سال عن ظهر غنی الناشر : دار الفکر - بیروت تحقیق : محمد فواد عبد الباقي مع الکتاب : تعلیق محمد فواد عبد الباقي والأحدیث مذیلة بأحكام الألبانی علیها



هرچند اعطای زکات برای کسی که توان کار کردن را داشته باشد ولی صاحب مال نباشد در نزد احناف جایز است لکن تکدی شخص غنی (کسی که مالک دو صد درهم یا معادل آن اضافه از حاجت اصلی خود باشد) ولو اینکه توان کار را هم نداشته باشد جایز نمی‌باشد، اما امام شافعی گفته است کسی که مالک دو صد درهم و صاحب عیال باشد که این دو صد درهم کفایت حاجت اصلی آنرا ننمایند اعطای زکات به آن جایز است، خلاصه اقوال فقها در این است کسی که غنی یعنی دارای مال باشد که حاجت اصلی آنرا کفایت نماید سوال کردن به آن حرام است همچنان برای کسی که توان کار داشته باشد برایش سوال کردن جایز نیست، بناء طور فشرده گفته می‌توانیم که اسلام به کسب و کار و پیدا نمودن رزق حلال تشویق نموده است نه به تگدی. (۱)

ب: مکلف ساختن دولت برای فراهم کردن زمینه‌های کارگری

در حدیث شریف آمده است که مردی از انصار که دچار فقر شده بود نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد شکایت از حالت و وضع زندگی خود نمود پیامبر صلی الله علیه وسلم به او گفت (أَمَا عِنْدَكَ شَيْءٌ) (۲) چیزی داری بیار ایشان رفت توتۀ فرشی و ظرفی را آورد پیامبر صلی الله علیه وسلم آنرا به مزایده برایش فروخت و اسباب کار را برایش مهیا ساخت و از آن خواست تا یک درهم آنرا برای اهلش طعام بخرد و با درهم دیگر آن وسیله کار را خریده هیزم جمع و به بازار بفروش برساند سپس طبق دستور پیامبر عمل می‌کرد تا اینکه پس از مدتی کم سرمایه قابل توجهی به دست آورده بود، همچنان پس از مراجعه دوباره، پیامبر برایش گفت این برایت بهتر است از اینکه در روز قیامت حاضر شوی که بر رویت لکه‌های تکدی‌گری باشد.

از مفهوم حدیث فوق الذکر چنین برداشت می‌گردد که پیامبر اسلام به حیث مسئول دولت اسلامی زمینه کار را برای انصاری فراهم نموده و آنرا به کار و تلاش تشویق نمود.

۱- محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي (المتوفى: ٤٨٣هـ) المبسوط ج ٣ ص ١٤ باب عشر الارضين، الناشر: دار المعرفة - بيروت، تاريخ النشر: ١٤١٤هـ - ١٩٩٣م، بلوغ المرام من أدلة الأحكام ص: ٢٠٧

۲ - أبو العباس شهاب الدين أحمد بن أبي بكر بن إسماعيل بن سليم بن قايماز بن عثمان البوصيري الكنتاني الشافعي (المتوفى: ٨٤٠هـ) إتحاف الخيرة المهرة بزوائد المسانيد العشرة (٤٥/٣ - ٤٦) المحقق: دار المشكاة للبحث العلمي بإشراف أبو تميم ياسر بن إبراهيم دار النشر: دار الوطن للنشر، الرياض الطبعة: الأولى، ١٤٢٠هـ - ١٩٩٩م

ج: پرداخت مخارج هر شخص از مال خودش

د: تشویق به تکافل اجتماعی

ه: تشویق به انفاق

و: پرداخت زکوة، عشر و دیگر واجبات مالی در اسلام

ز: مکلف ساختن اقرباء به پرداخت مخارج اقربای نیازمند

ح: مکلف ساختن دولت برای رسیدگی به مشکلات نیازمندان بی‌سرپرست

در مجموع اسلام از طرق مختلف برای خود کفایی امت مسلمه رهنمودها و احکامی را مشروع ساخته که همه و همه به خود کفایی مسلمانان کمک می‌نماید به طور نمونه اگر زکات را در نظر بگیریم هرگاه دولت اسلامی زکات را مطابق دستورات اسلام جمع آوری و به اصناف مستحق آن توزیع نماید، به یقین که بستر فقر و تنگ دستی از جامعه اسلامی برچیده شده دیگر فقیری وجود نخواهد داشت.

هرگاه عوامل خود کفایی به دقت بررسی شود مسأله انفاق و نفقات در اسلام نقش کلیدی و اساسی را جهت تامین خود کفایی جوامع مسلمان و امت اسلامی ایفاء می‌نماید.

## فصل سوم

مسؤولیت دولت در برابر نفقات فقراء، بی سرپرست، مجانین، بندی‌ها، معتادین

دولت بدون رعیت مفهوم نخواهد داشت این امر مسلم است که هر جانب از عقد (امام مسلمین و رعیت) دارای حقوق و مکلفیت‌ها اند بگونه که امت مسوولیت تعیین رهبر سیاسی را دارند رهبرسیاسی مسلمانان نیز مسوولیت بزرگ را در قبال رعیت خود دارد از جمله اقامه عدل است که به این نقطه شرایع انبیاء قبلی حکما و عقلاء اتفاق نظر دارند بر پائی عدل در میان مردم و تمامی بخش‌ها سبب نمودی برکات و بقای دولت است، بر عکس ظلم استبداد و خود کامگی باعث تباهی نظام است همانطوریکه اسلام برای سر و سامان دادن امور خانواده، یکی از زوجین (مرد) را به حیث مسوول تامین نفقات، رهبر و سرپرست امور خانواده تعیین نموده است، موجودیت امام و رهبر به سطح جامعه اسلامی به طریق اولی مورد توجه است بلکه مسوولیت امام مسلمین بزرگتر و نفع آن عام است از همین سبب است که اجر و پاداش رهبر سیاسی مسلمانان با تامین عدالت نزد الله جل جلاله عظیم است در ارتباط به اینکه تامین نفقه فقراء مساکین، کهن سالان بی سرپرست، مجانین، پودری‌ها، بندیان و هرفردی که خودش قادر به تامین نیازهایش نیست و کسی هم از اقارب آنها موجود نباشد تا مسوولیت تامین نفقه شان را به عهده گیرد، آیا دولت کدام مسوولیت در قبال اینگونه اشخاص دارد یا خیر در این فصل نقش و مسوولیت دولت را در تامین نفقات فقراء، لا وارث، مجانین، بندی‌ها و معتادین به ترتیب در مطالب جدا گانه مورد بررسی قرار داده پاسخ قناعت بخش ارایه خواهند گردید، از واجبات حاکم و وظایف دولت حفظ کلیات خمس، حفظ دین، عقل، نفس، نسل و مال که موافق به روح و مقاصد عامه شریعت می باشد است، همچنان حفظ حقوق رعیت، جمع آوری زکات، فیء، غنیمت، صدقات، مالیات، موارد دیگر و توزیع عادلانه آن به گونه که هیچ فرد مستحق محروم باقی نمانده نفقه و مایحتاج زندگی فقراء، لا وارث، مجانین، پودری‌ها و سایر نیاز مندان از واجبات فوق الذکر دولت است که از اموال بیت المال بدون اسراف و تقصیر تامین گردد از این رو دولت مکلف است مطابق به قانون حقوق اساسی اتباع را رعایت افراد مستحق و بی بضاعت را حمایت و تصامیم لازم برای بهبود وضعیت اتخاذ و زمینه زندگی مرفه را به رعیت فراهم نماید.

## مبحث اول

### واجبات دولت در تامین نفقات

رئیس دولت بر علاوه سایر تکالیف به اساس حکم شریعت اسلام مسوول است به منظور فراهم آوری اساس زندگی برای رعیت با فقر و بی چاره گی به طریقه نیکو مبارزه نماید همچنان زمینه کار و اسباب کار حلال را برای توان مندان فراهم و به عنوان حامی و مدافع حقوق جامعه، در برابر نفقات فقراء، بی سرپرستان، مجانین، پودری ها (معتادین) و غیره افراد نیازمند نیز مسوول است تا نفقه آنها را از بیت المال بصورت دوام دار تامین نماید.

با درنظرات دستورات صریح قرآنی به پیامبر اسلام، به حیث رئیس حکومت اسلامی و بادر نظر است سیره و عملکرد شخص پیامبر، خلفای راشدین و اجتهادات انجام شده به نمونه های مسولیت پذیری مسوولین دولت اسلامی مختصراً اشاره میکنیم نخست رسول الله صلی الله علیه وسلم خود منحیث رئیس دولت اسلامی رسیدگی به فقراء را وظیفه خود دانسته مسوولین را تعیین می نمود تا اموال ذکات را جمع آوری نموده وبگونه کمال آنرا تسلیم بیت المال می نمودند و از ان طریق دو باره برای فقراء و مساکین توزیع می گردید از پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد چنین روایت شده است:

عن أبي حميد الساعدي قال استعمل النبي {صلى الله عليه وسلم} رجلاً من الأزد - يقال له ابن اللثبية - على الصدقة فلما قدم قال هذا لكم وهذا أهدي إلي قال فقام رسول الله على المنبر فحمد الله وأثنى عليه ثم قال أما بعد فإني استعمل الرجل منكم على العمل مما ولأني الله فيأتي فيقول هذا مالكم وهذا هدية أهديت لي أفلا جلس في بيت أبيه وأمه حتى تأتيه هديته إن كان صادقاً والله لا يأخذ أحدٌ منكم شيئاً بغير حقه إلا لقي الله يحمله يوم القيامة فلأعرفن أحداً منكم لقي الله يحمل بغيراً له رغاءً أو بقرةً لها خوار أو شاة تيعر ثم رفع يديه حتى رئي بياض إبطيه يقول اللهم هل بلغت.

ترجمه: از ابو حمید عبد الرحمن بن سعد ساعدي رضي الله عنه روایت شده که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم مردی از قبیله ازد را که ابن لثبیه نام داشت، مأمور جمع آوری صدقات نمود و چون آمد، گفت: این مال از شما است و این برایم بخشش داده شده است. رسول الله صلی الله علیه وسلم به منبر برآمده بعد از حمد و ثنای خداوند فرمود: اما بعد، پس من طبق وظیفه ای که دارم، یکی از شما را بوظیفه ای می گمارم، او می آید و می گوید: این مال از شما است و این برایم بخشش داده شده است. اگر درست می گوید، چرا به خانه پدر یا مادرش ننشست تا این هدیه بوی برسد؟ بخدا هیچ یک از شما چیزی را بدون حقس نمی گیرد، مگر اینکه با خدا بحالتی روبرو می شود که آن را بر دوش دارد، پس

نبینم یکی از شما را که با خدا ملاقی شود، در حالیکه شتر و گاو و گوسفندی را بر دوش دارد که هر کدام از آنها آواز می نمایند صدا می کند، سپس دستهایش را بالا نمود، طوری که سفیدی بغل شان دیده شد و فرمود: بار خدایا آیا رساندم آیا تبلیغ نمودم؟ و این سخن را سه بار تکرار فرمود.<sup>(۱)</sup> از این حدیث چنین استنباط می شود که پیامبر صلی الله روش جمع آوری زکات را به مسوولین آن تعلیم داد و هشدار می دهد تا از مال زکات چیزی را به عنوان بخشش بجز آنچه حق شان است نگیرند به این معنی که زکات را مکمل جمع آوری و در بیت المال تسلیم نمایند تا به مستحقین آن داده و مشکلات زندگی رعیت حل و جلو فقر گرفته شود و از جانب دیگر مصالح مالی مسلمین که وابسته به بیت المال است رعایت گردد، با توجه به اهمیت موضوع از این روش در زمان صاحبه استفاده می شد حتی ابو بکر صدیق رضی الله عنه با مانعین زکات اعلام جنگ را نمود.

## مطلب اول

### نفقات فقراء

فقراء جمع فقیر است و بر کسی اطلاق می شود که مال موجودش به حد نصاب نرسد و یا هم مقدار مال است که خرچ و مصارف یک سال او را کفایت ننماید در تعریف میان فقیر و مسکین میان فقها اختلاف و جود دارد مسکین را تنگ دست و نادار تر نسبت به فقیر میدانند اما فقیر و مسکین هر دو مستحق زکات و خیرات اند. و منظور از نفقات فقراء در این مطلب صرف بیان نفقه شب و روز که در حالت اعتدال مایه قوام انسان است نمی باشد زیرا این سخن هم واضح است که مسوول تامین نفقه واجبی آنها اقارب نزدیک شان اند بعد از تامین نفقه توسط اقارب آنعه کسانیکه نیاز به کمک بیشتر دارند، سرمایه زندگی شان به حد نصاب نمی رسد و از زندگی خوبی بر خور دار نیستند در حالت فقر و بیچارگی زندگی می نمایند مسلم است که در زمره مستحقین اصناف هشتگانه زکات شامل اند و فقراء یکی از این صنوف اند، دولت مکلفیت دارد تا از مال زکات و موارد دیگر که در بیت المال مسلمین جمع آوری می شود به ایشان نفقه نماید. در صورتیکه فقراء بلا وارث باشند و توان تامین نفقه شب و روز خود را نداشته باشند در این صورت نفقه شان به طریق اولی بر عهده دولت اسلامی است که در مطلب بعدی با دلایل موضوع واضح خواهند گردید.

۱ - الجمع بین الصحیحین البخاری و مسلم ج ۱ ص ۲۹۱ شماره حدیث ۷۵۶ ریاض الصالحین - خاموش هروی ج ۱ ص ۲۵۰ - ۲۵۱

شماره حدیث ۲۰

## مطلب دوم

### نفقات لاوارث (بی سرپرست)

آنطوری که قبلاً اشاره گردید نفقه اشخاص که دارای وارث و سرپرست هستند و خودشان از خود مالی ندارند و همچنان قادر بر تامین نفقه شان از راه کار کردن هم نمی‌باشند، در این چنین صورتی نفقه و پرداخت مصارف چنین اشخاص بر عهده دولت اسلامی است، به دلیل اینکه در حدیث شریف آمده است:

عن المقدم الشامي قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «أنا وارث من لا وارث له أعقل عنه وأرثه والخال وارث من لا وارث له يعقل عنه ويرثه» (۱)

ترجمه: از مقدم شامی روایت گردیده که رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: «من وارث کسی‌ام که وارث و سرپرستی ندارد یعنی مالش را در بیت المال قرار می‌دهم دیت او را می‌پردازم و مالش را به ارث می‌برم و ماما وارث کسی است که وارثی ندارد و دیتش را می‌پردازد و مالش را به میراث می‌برد.

از حدیث شریف چنین دانسته می‌شود که افراد بدون ولی که هیچ سرپرست شرعی و قانونی ندارند در صورت که وفات نمایند وارث آنها دولت است به همین ترتیب اگر این افراد مرتکب قتل خطای می‌شود که موجب دیت است دیت آن نیز بر دوش دولت و بیت المال است.

و به دلیل این قواعد فقهی که در مواد مختلف مجله الاحکام العدلیه (۲) آمده است:

(المَادَّةُ ٨٥): الْخَرَّاجُ بِالضَّمَانِ

(المَادَّةُ ٨٧): الْغُرْمُ بِالْغُنْمِ

(المَادَّةُ ٨٨): النِّعْمَةُ بِقَدْرِ النِّقْمَةِ وَ النِّقْمَةُ بِقَدْرِ النِّعْمَةِ

مواد فوق الذکر این مطلب را می‌رسانند که هرکسی که منافع کسی را مستحق گردد لزوماً مصارف آن شخص نیز بر عهده او است مثلاً کسی که مستحق میراثی کسی است لزوماً پرداخت نفقه همان شخص به ترتیب ارث برعهده میراث برآن به اساس همین قاعده است (۳) و قتیکه دولت وارث

۱ - محمد بن یزید أبو عبدالله القزوینی، سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۸۷۹، الناشر: دار الفكر - بیروت، تحقیق: محمد فواد عبد الباقي،

۲ - لجنة مكونة من عدة علماء وفقهاء في الخلافة العثمانية، مجلة الأحكام العدلية ص ۲۶ المحقق: نجيب هوايني الناشر: نور محمد، كارخانه تجارتي كتب، آرام باغ، كراتشي

۳ - محمد بن محمد المختار الشنقيطي، شرح زاد المستقنع ج ۷ ص ۳۳۸ مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية -

کسی است که وارثی ندارد لزوماً نفقه چنین شخصی نیز برعهده دولت اسلامی است که باید آنرا بپردازد.

همان طوری که در حدیث شریف ذکر گردیده که پیامبر خدا فرمودند کسی که وارث ندارد من وارث آن هستم به این معنی است که ارث شخص بلا وارث به بیت المال مسلمین تحویل می شود در صورت نا توان بودن اینگونه اشخاص از تامین نفقه شان، دولت از بیت المال مسلمین نفقه آنان را پرداخت می نماید.

و به اساس حکم این حدیث فقهای کرام می گویند: کسی که قتل یا جرمی را مرتکب شده و خود از پرداخت تمام دیت یا خساره جرمش عاجز باشد و عاقله هم نداشته باشد (اقوام پدری که عصبه نسبی او هستند مانند عمو، برادران پدری و غیره) دولت مکلف است دیت وی را از بیت المال پرداخت نماید. خلاصه اینکه حدیث شریف به آن اشاره می کند که پیامبر صلی الله علیه وسلم کفالت زن و فرزندان شخصی را که مرده و مالی از خود به جا نگذاشته تا با آن امرار معاش نمایند و نیز دین شخصی که مرده است و مالی برای پرداخت دین از خود به جا نگذاشته، متعهد شده است و از کسی که وارثی ندارد ارث می برد یعنی مال مرده را به بیت المال منتقل می کنند، آنچه پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده به این اعتبار است که او امام مسلمانان و رییس دولت اسلامی است و حاکمان پس از او باید کار او را ادامه و انجام دهند و بر دولت اسلامی واجب است که تنگ دستان نیازمند چه مرد و چه زن باشد از بیت المال یاری دهد زیرا این کار حق آن ها است. (۱)

### مطلب سوم

#### نفقات مجانین (دیوانه ها)

مجنون در لغت عقل رفتگی و فاسد شده گی را گویند. که جمع آن مجانین میشود. (۲)  
المجنون (دیوانه) کسی است که سخن و کردارش درست و موزون نباشد، و عدم استقامت و درستی قول و فعل او نزد امام ابو حنیفه مدت یکماه و نزد ابویوسف مدت یک روز و نزد امام محمد به مدت یکسال بوده باشد. که در چنین وضعی مجنون از تکالیف شرعی معاف اند (۳)

۱ - عبدالکریم زیدان، حقوق و تکالیف زن در اسلام، مترجم: سهیلا رستمی، [www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

۲ - ابراهیم مصطفی - أحمد الزیات - حامد عبد القادر - محمد النجار المعجم الوسیط ج ۱ ص ۱۴۱. تحقیق / مجمع اللغة العربیة. دار النشر: دار الدعوة.

۳ - علی بن محمد بن علی الجرجانی، التعریفات للجرجانی (ص: ۲۶۱). تحقیق: ابراهیم الأبیاری. ناشر: دار الكتاب العربی - بیروت. طبع اول.



جنون مرض است که توسط آن عقل زائل می‌گردد، و اغلباً باعث ازدیاد قوت (چاقی) میشود.<sup>(۱)</sup> اسلام با داشتن برنامه های همه شمول خود آئوده دیوانه گان که سرپرست ندارند تا آنها را تغذیه نماید مورد توجه قرار داده و از همین جهت اموال بیت المال را حق ثابت برای زنان، اطفال، کودکان، دیوانه گان، و فقراء میدانند.<sup>(۲)</sup>

در اینجا این مطلب قابل یاد آوری که بحث و قواعد مربوط به دریافت کسی است که باید نفقه شخص را بپردازد بر این محور می‌چرخد که آیا خود شخص مال دارد یا ندارد و آیا توانایی کارکردن و تحصیل نفقه‌اش را خودش دارد یا ندارد و همچنین موضوع بحث این است که آیا دارای ولی و سرپرست هست یا خیر نه بر دیوانگی و هشیاری شخص بنابراین از لحاظ تامین نفقه حکم مجانین با حکم اشخاص عاقل تفاوت نمی‌کند بنابراین قواعدی بر آن تطبیق می‌گردد که بر عقلاء تطبیق می‌شود به این معنا که نفقه مجانین در صورتی بر عهده دولت است و از بیت المال پرداخته می‌شود که خودش مالی نداشته و بی‌سرپرست باشد.

## مطلب چهارم

### نفقات بندی‌ها

اسلام برنامه کامل زندگی است و برای تامین حقوق و وجایب انسان در هر حالت از حالات زندگی احکام و رهنمود خود را دارد، مکافات و مجازات به عنوان یک اصل مورد پذیرش همگان بوده و اسلام هم برای اصلاح مجرمین مجازات را تعیین نموده است که از جمله این مجازات یک نوع آن حبس است، نفقه و مایحتاج زندگی از ضروریات و مایه حیات هر ذی روح است که بندی‌ها بدون تامین نفقه زندگی شان به مخاطره می‌افتد و تامین نفقه هنگام مدت حبس شان مستثنی از ضروریات زندگی بوده نمی‌تواند و از جمله حقوق شان نیز محسوب می‌شود در ارتباط به اینکه مسؤلیت تامین نفقه بندی‌ها بدوش چه کسانی اند موضوع را در روشی احکام اسلام مورد تحقیق و بررسی قرار داده تا به صورت مشخص مسؤل تامین نفقه بندی‌ها را معرفی نمایم اما قبل از دریافت مسؤل تامین نفقه بندی‌ها برای تبیین بیشتر موضوع که حبس یا زندانی نمودن افراد مشروع است یا خیر نخست حبس را تعریف و دلایل برای وجود وجایگاه حبس در اسلام را ارایه و بعد موضوع تامین نفقه آنها که تحت کدام قواعد است و مسؤل تامین نفقه شان چه کسانی اند معرفی خواهند نمود.

۱- الموسوعة الفقهية الكويتية ج ۵ ص ۲۶۷

۲- عبد الله بن أحمد بن قدامة المقدسي. المغني في فقه الامام أحمد بن حنبل (۹/ ۵۱۵) ناشر: دار الفكر - بيروت. طبع: اول، ۱۴۰۵.

حبس در لغت به معانی متعدد آمده مانند منع، نگاه داشتن، و از جمله: السجن، چنانچه گفته می شود حبس الحاكم المجرم اذا سجنه، سجن کلمه عربی است و به معنای حبس استعمال میگردد، لکن سجن به مکان و یا جای حبس استعمال گردیده است چنانچه الله متعال در مورد اختیار نمودن یوسف علیه سلام زندان را به جای عمل زشت و ناپسند روای که به آن دعوت شده است چنین فرموده است: {قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ} (۱)

ترجمه: یوسف گفت: پروردگارا! زندان برای من خوشایندتر از آن چیزی است که مرا بدان فرا می خوانند، و اگر (شر) نیرنگ ایشان را از من باز نداری، بدانان می گرایم و (دامن عصمت به معصیت می آیم و خویشتن را بدبخت می نمایم و آن وقت) از زمره نادان می گردم سجن به کسر ه در آیت فوق بمعنای زندان یعنی بر مکان محبوسین اطلاق شده است، همچنان محبس کلمه عربی است که به معنی زندان آمده و جمع آن محابس می آید و در اصطلاح: عبارت از تعویق شخص از تصرف خودی، و بیرون نشدن به شغل و امور اجتماعی، و به اشکال مختلف صورت میگیرد مانند بستن به درخت یا ستون مسجد، بند ساختن شخص در خانه و یا در مسجد و جای دیگر (۲)

مشروعیت زندان از قرآن، سنت و اجماع ثابت است که ذیلاً دلایل آن ارایه می گردد:

#### الف: دلایل بر مشروعیت زندان از قرآن کریم

{وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاَسْتَشْهَدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةٌ مِّنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَقَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا} ۳

ترجمه: و کسانی که از زنان شما مرتکب زنا می شوند، چهار نفر از (مردان عادل) خودتان را به عنوان شاهد بر آنان به گواهی طلبید، پس اگر گواهی دادند، آنان را در خانه های (خود برای حفظ ایشان و دفع هرگونه شرّ و فساد) نگاه دارید تا مرگشان فرا می رسد یا این که خداوند راهی را برای (زندگی پاک و درست، یا عقوبت) آنان (با ازدواج یا توبه، یا وضع حکم دیگری) باز می کند.

۱- سورة يوسف آیه: ۳۳

۲- فرهنگ معین (-) ج ۳ ص ۱۱۹ و ج ۴ ص ۳۳۵، سعود بن عبد العالی البارودي العنبي، الموسوعة الجنائية الإسلامية المقارنة بالأنظمة المعمول بها في المملكة العربية السعودية، ص ۳۴۱ الطبعة الثانية ۱۴۲۷، أبو العباس أحمد عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی سنة الولادة ۶۶۱/ سنة الوفاة ۷۲۸، کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة فی الفقه ج ۳ ص ۳۹۸ - ۳۹۹، تحقیق عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي، الناشر مكتبة ابن تیمیة.

۳- سورة النساء آیه: ۱۵

در صدر اسلام جزا و عقوبت زنی که از او عمل فاحشه زنا سر می زد حبس یا زندانی کردن در منزل، شکنجه با تهدید و عیب جویی نمودن از او بود سپس حکم این عقوبت با حکم عقوبت زنا که در سوره نور نازل شد منسوخ گردیده است. از این آیه مشروعیت حبس در اسلام دانسته می شود همچنان خداوند جل جلاله در مورد می فرماید:

{إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلاَفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ} (۱)

ترجمه: کیفر کسانی که ( بر حکومت اسلامی می شورند و بر احکام شریعت می تازند و بدین وسیله) با خدا و پیغمبرش می جنگند، و در روی زمین ( با تهدید امنیت مردم و سلب حقوق انسانها، مثلاً از راه راهزنی و غارت کاروانها ) دست به فساد می زنند، این است که ( در برابر کشتن مردم ) کشته شوند، یا ( در برابر کشتن مردم و غصب اموال ) به دار زده شوند، یا ( در برابر راهزنی و غصب اموال، تنها ) دست و پای آنان در جهت عکس یکدیگر بریده شود، و یا این که ( در برابر قطع طریق و تهدید، تنها ) از جایی به جایی تبعید گردند و یا زندانی شوند. این رسوائی آنان در دنیا است، و برای ایشان در آخرت مجازات بزرگی است.

عطف به ماسبق این آیت هم به مشروعیت حبس در اسلام دلالت دارد کسانی که برحکومت اسلامی می شورند و امنیت راه های عبور و مرور را مختل و مردم را در وحشت قرار داده تهدید می نمایند جزای این گروه از عقوبات تعزیری و مفوض به رای امام است که آنرا تبعید یا زندانی کند و این گونه زجر دادن مجرمین باعث از بین رفتن فساد در زمین، عبرت دیگران و تامین امنیت در شاه راه و مرزهای جامعه اسلامی می گردد (۲)

### ب: دلایل بر مشروعیت زندان از سنت

احادیث پیغمبر صلی الله هم بر مشروعیت حبس در اسلام دلالت دارد طور نمونه صرف یک حدیث را در مورد نقل می نمایم

عن ابی هریره رضی الله عنه قال: بعث النبي صلی الله علیه و سلم خيلاً قبل نجد فجاءت برجل من بني حنيفة يقال له ثمامة بن أثال فربطوه بسارية من سواري المسجد فخرج إليه النبي صلی الله

۱ سوره مائده آیه: ۳۳

۲ - مصطفی خرم دل، تفسیر نور ص: ۱۳- ۱۴ و ۲۲- ۲۳، تفسیر فی ضلال فارسی ج ۱ ص ۹

عليه و سلم فقال ( أطلقوا ثمامة ) . فانطلق إلى نخل قريب من المسجد فاغتسل ثم دخل المسجد فقال أشهد أن لا إله إلا الله وأن محمدا رسول الله (١)

ترجمه: ابوهريره - رضي الله عنه - مي گوید: نبي اکرم - صلى الله عليه وسلم - سواراني را بسوي نجد فرستاد آنان مردی را از طایفه بنوحنیفه که ثمامه بن اثال، نام داشت، آوردند و به یکی از ستونهای مسجد، بستند. سپس نبي اکرم - صلى الله عليه وسلم - بسويش رفت و فرمود: «ثمامه را آزاد کنید». آنگاه، او به نخلستاني که نزدیک مسجد بود، رفت و غسل کرد. سپس وارد مسجد شد و گفت: گواهی می دهم که هیچ معبودی بجز الله، وجود ندارد و گواهی می دهم که محمد، فرستاده خداست. (٢)

این حدیث را امام بخاری در صحیح خود طور فشرده نقل نموده است اما سایر کتب حدیث این حدیث را به طور مشرح نقل کرده اند که قصه آن مشهور است صحابه کرام ثمامه بن اثال را در یکی از ستونهای مسجد بسته کرده بودند دلالت به حبس وی میکند که مدت سه شبانه روز در بند قرار داشت و پیغمبر صلی الله هر روز از وی تحقیق می گرفت بعد از سپری شدن سه شبانه روز دستور دادند، ثمامه بن اثال را آزاد کنید و چنین کردند ثمامه رفت بعد از غسل نمودن دو باره تشریف آورد و مشرف به اسلام شد اگرچه از این حدیث مفاهیم زیاد دانسته می شود مانند اخلاق حمیده پیغمبر صلی الله علیه وسلم و رویه نیک ایشان با اسراء است.

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ أُصِيبَ رَجُلٌ فِي عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- فِي ثَمَارِ ابْتِاعَهَا فَكَثُرَ دَيْنُهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- « تَصَدَّقُوا عَلَيْهِ ». فَتَصَدَّقَ النَّاسُ عَلَيْهِ فَلَمْ يَبْلُغْ ذَلِكَ وَفَاءَ دَيْنِهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- « خُذُوا مَا وَجَدْتُمْ وَلَيْسَ لَكُمْ إِلَّا ذَلِكَ ». (٣)

ترجمه: از ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت است که گفت مردی در زمان پیغمبر صلی الله علیه وسلم میوه های زیادی را خریده به اثر خساره که به وی رسید زیاد قرض دار شد پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود " به وی زکات بدهید" و مردم به وی زکات دادند ولی به اندازه ی نشد که دویونش را پوره کند پیغمبر صلی الله علیه وسلم به طلبکاران وی فرمود: " بگیریید آنچه که دارد و به شما داده است

١- محمد بن اسماعیل أبو عبدالله البخاري الجعفي، صحيح البخاري الجامع الصحيح المختصر ج ١ ص ١٧٦، شماره حدیث ٤٥٠ ، تحقیق :

د. مصطفى ديب البغا، الناشر : دار ابن كثير ، البمامة - بيروت، الطبعة الثالثة ، ١٤٠٧ - ١٩٨٧،

٢- محمد بن اسماعيل بخاري، التجريد الصريح لأحاديث الجامع الصحيح مختصر، مختصر صحيح بخاري ص ١٣٧٧

٣- أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري النيسابوري، الجامع الصحيح المسمى صحيح مسلم باب استحباب الوضع من الدين، ج ٥ ص ٢٩، شماره حدیث ٤٠٦٤، الناشر : دار الجيل بيروت + دار الأفاق الجديدة - بيروت.

وبه غیر از آن چیزی دیگری نیست شما را ونمی توانید او را به جای باقی مانده دیون حبس کنید" از این حدیث معلوم می شود کسی که قرض دار باشد و توانایی پرداخت آن داشته باشد لکن باز هم قرض‌های خود را پرداخت نکند برای گرفتن حق مردم از نزدش و رفع ظلم، حبس آن جواز دارد و مشروعیت حبس در اسلام از این حدیث معلوم میشود همچنان حدیث دیگری که پیغمبر صلی الله علیه وسلم شخصی را که به وی تهمت وارد شده بود به مدت یک ساعت یا یک روز تا ظاهر شدن حقیقت، وی را در بند قرار داده بود هم دلالت به موجودیت و مشروعیت حبس در عهد نبی کریم صلی الله علیه وسلم دارد اما از اینکه در زمان حیات پیغمبر صلی الله علیه وسلم اسلام بیشترگسترش نیافته بود تعداد رعیت در آن زمان کم بود و تا زمانه ابو بکرصدیق رضی الله عنه کدام ساختمان و مکان خاصی برای بندی‌ها وجود نداشت از این روساختن ساختمان خاص برای محبوسین از لوازم آن پنداشته نمی شود اما در زمان عمر رضی الله عنه که اسلام بیشتر گسترش یافت با افزایش ساحه و قلمرو دولت اسلامی تعداد رعیت بیشتر و قضایای متعددی اتفاق افتاد از آن جمله قصه جالبی از عمررضی الله عنه چنین نقل شده است، عمر رضی الله عنه از شخصی پرسید حال ات چطور است؟ شخص در جواب گفت حال من مانند کسی هست که دوست دارد فتنه را وبد می بیند حق را وگواهی میدهد کسی را که ندیده است، عمر رضی الله عنه به غلامش دستور داد به زندان اندازید وی را غلامش گفت راست گفته است این شخص عمر رضی الله عنه پرسید چگونه وی را تصدیق می نمایی گفت دوست دارد مال و اولاد را زیرا خداوند جل جلاله می فرماید: {إنما أموالکم وأولادکم فتنة} وبد می بیند مرگ را حال آنکه مرگ حق است وشهادت میدهد که محمد صلی الله علیه وسلم رسول الله است وندیده آن را سپس دستور داد آزاد کنید وی را (۱) اگرچه این شخص کدام جرمی را مرتکب نشده بود که زندانی شود اما صرف به عنوان موجودیت زندان در زمان عمررضی الله عنه چگونه قضایای و حمایت وی از ارزش‌های اسلام از این قضیه ثابت می شود یاد آوری گردیده است با بیشتر شدن تعداد محبوسین از قضایای مختلف، عمر بن خطاب رضی الله عنه خانه ای را در مکه خریداری وآنرا به زندان مسمی کرد که محبوسین در آن نگهداری میشد (۲)

۱- محمد بن ابی بکر ایوب الزرعی أبو عبد الله، الطرق الحکمیه فی السیاسة الشرعیة ص ۶۸ ، الناشر : مطبعة المدني - القاهرة تحقیق : د. محمد جمیل غازی،

۲- أبو العباس أحمد عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی سنة الولادة ۶۶۱/ سنة الوفاة ۷۲۸، کتب ورسائل وفتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة فی الفقه ج ۳۵ ص ۳۹۸ - ۳۹۹، تحقیق عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی، الناشر مكتبة ابن تیمیة، الشیخ عبد الحي الكتاني، نظام الحكومة النبویة المسمى الترتیب الإدراية ج ۱ ص ۲۹۷ باب ذکر من ولی ذلك فی زمن رسول الله صلی الله علیه وسلم، الناشر دار الكتاب العربي، مکان النشر بیروت.

## ج: مشروعیت زندان از اجماع

مشروعیت زندان از اجماع، صحابه رضوان الله عليهم اجمعين وبعد از ایشان به مجازات حبس اجماع نموده اند حبس نمودن افراد توسط عمر، عثمان، علی و عبد الله بن زبیر رضی الله عنه که سایر صحابه آنرا انکار ننموده اند دلالت به اجماع صحابه دارد همچنان اتفاق فقها بر این شده است که حبس یکی از جزایهای تعزیری است و تا این دم وجود دارد و هیچ دانشمندی آنرا رد ننموده است. خلاصه اینکه حبس، سجن و یا زندان در زمان نبوت، عهد صحابه، تابعین و بعد از آنها تا عصر حاضر بدون انکار وجود داشته و میباید و با انکشاف و آمدن تغییرات درسیستم اداری نظامها شکل زندانها هم تغییر نموده است به هر حال، امام شوکانی (رح) موجودیت زندان را از مصالح عامه دانسته است (۱) به دلیل اینکه حبس از جزایهای تعزیری است و تعزیر گاهی با قول است مانند توبیخ، پند و اندرز دادن و گاهی هم عملی است حسب احوال مرتکب جرم مانند شلاق زدن، زندانی کردن مجرم، تبعید ... (۲) و در نبود آن اهل جرایم آناتیکه محارم الله را حرمت نمی گزارند بیشتر به ارتکاب جرایم که حدود بر آنها جاری نمی شود دست می برند و تلاش به فساد و از بین بردن امنیت جامعه می نمایند که از ضرر ایشان مسلمین در امان نمی باشند از جانب دیگر الله جل جلاله امر به معروف و نهی از منکر نموده است و یکی از راه های جلوگیری از منکر زندانی نمودن مجرمین است و اسلام به ولی الامر دستور می دهد که مجرمین را در پنجه قانون گرفته آنها را جزاء دهد. اما وقتی که تاریخ مطالعه شود زندان تنهای جای مجرمین نبوده بلکه بهترینها انسانهای بی گناه مانند یوسف علیه السلام که به عمل زشت زنا دعوت شده به دلیل اینکه دعوت زلیخا را نپذیرفت به ناحق روانه زندان شده است لکن یوسف علیه السلام که قلبش سرشار از ایمان و عقلش غالب بر هوای نفسش بود به خدا پناه برد از مکر زلیخا، عقوبت و درد زندان را تا واقع شدن به حرام ترجیح داد و از میان دو ضرر، ضرر زندان را برای خود انتخاب کرده بود (۳) از امامان دین هر چهار امام که صاحب اجتهاد، تفکر و اندیشه و پاکدامنی بودند هرگز حقایق را به زرق و برق دنیا نفروختند امام ابوحنیفه (رح) به ضد خلافت بنی امیه و بنی عباس به مبارزه برخاست و در این راه زندان، تازیانه و بی حرمتی هیات حاکم وقت را به جان خرید، داعیان

۱- محمد بن علی بن محمد الشوکانی، نیل الأوطار من أحادیث سید الأخیار شرح منتهی الأخبار ج ۹ ص ۱۶۲ باب استخلاف المنکر اذا لم یکن بینة، الناشر: إدارة الطباعة المنیریة مع الكتاب: تعلیقات بسیرة لمحمد منیر الدمشقی (الصفحات من بعد المجلد الرابع مرقمة ألیا)

۲- فقه السنه ج ۵ ص ۳۵۱

۳- محمد بن ابي بكر أبو الزرعی أبو عبد الله، روضة المحبین ونزهة المشتاقین، ص ۴۵۹، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، ۱۴۱۲

خلافت امام مالک را تازیانه زدند و شانه اور شکستند و امام مالک (رح) از گفتن حق سکوت اختیار نکرد و امام شافعی (رح) را به اتهام دفاع از علویان به زنجیرها بسته نزد خلیفه بغداد آوردند، منصور ابو حنیفه را چندین بار زندانی کرد و با تهدید تقاضای پذیرش منصب قضا را از وی می نمودند و ایشان نمی پذیرفتند و روایت می کنند که به زندان بماند تا اینکه وفات نمود. همچنان امام احمد بن حنبل (رح) نزدیک به ۱۵ سال در زندان زیر شکنجه و تهدید خلافت مامون و معتصم و واثق بود و در زمان خلافت متوکل که از دوست داران سنت و عقیده سلف صالح بود امام از زندان آزاد شد (۱) شیخ الاسلام تقی الدین احمد ابن تیمیه عالم بزرگوار و مجتهد عصر خود است هم بدون ارتکاب کدام جرم و گناه صرف به علت تبیین حقایق و رد عقاید باطله زندانی شده اند است موصوف در سال ۷۱۰ ق / ۱۳۰۲ م کتابی را تحت عنوان "النصوص علی الفصوص" بر کتاب فصوص الحکم اثر محی الدین ابن عربی که از بزرگان تصوف بود نوشت آراء و نظریات محی الدین و پیروان او را در این کتاب رد نموده بود به همین علت و دلایل دیگر موصوف در قاهره زندانی شد. (۲) همچنان یوسف پسر یحی ابویعقوب مشهور به البویطی از جمله مجتهدین مذهب امام شافعی (رح) در حادثه معروف به خلق قرآن که موصوف معتقد به این بود که قرآن مخلوق نیست از جانب حکومت وقت گرفتار و در بغداد بندی گردید تا اینکه وفات نمود. (۳)

این بود بحث فشرده پیرامون مشروعیت زندان در اسلام که گاهی هم اتفاق می افتد که انسان‌های بی گناه هم از درد و رنج زندان بی نصیب نمانده اند اگرچه تعداد مبارزین راه حق و آزادی بسیار است که در این راه قربانی داده اند به عنوان مثال مشیت نموده خروار از چند شخصیت مشهور و محدود نام برده شده است به هر حال همان طوریکه حبس در اسلام برای کسانیکه متهم و یا مجرمانیکه می‌خواهند فساد نمایند امنیت جامعه را مختل کنند و یا عاصی اند محارم الله جل جلاله را حرمت نمی گذارند جایز و مشروع است تامین نفقه شان هم مشروع است، تامین نفقه کسانیکه بدون ارتکاب جرم در بند قرار گرفته اند به طریق اولی جایز و مشروع است، در ارتباط به اینکه مسؤول تامین نفقه ایشان

۱- فریدون سپهری، پژوهشی درباره امامان اهل سنت (امام ابوحنیفه، امام مالک، امام شافعی امام احمد)، ص ۱۱-۲۹، جلال الدین عباسی، فضل انمه اربعة اهل سنت - رضي الله عنهم - ص ۳۱، دکتر احمد الریسونی استاد محمد جمال باروت، اجتهاد نص، واقع، مصلحت ص ۱۲۹، مترجم: سعید ابراهیمی ب ت.

۲- شیخ الاسلام تقی الدین احمد بن تیمیه - رحمه الله -، تحقیقی پیرامون اجتهاد ائمه ص ۱۳-۱۴، مترجم: دکتر احمد علی آریانزاد ب ت

۳- علی آقا صالحی، امام شافعی و شاگردان مکتب بغداد و مصر (مذهب قدیم و جدید) ص ۱۰۹ ب ت

چه کسانی اند موضوع را در روشنی قرآن و سنت نبی کریم صلی الله علیه وسلم مورد بررسی قرار خواهند داد.

### نَفَقَه مَحْبُوسِينَ:

اسلام به حقوق حیوانات هم توجه نموده است تا این سرحد که وعده دخول آتش را به کسی داده است که پشکی را بند ساخته و نفقه آنرا نپرداخته است، همچنان برای کسی که به حیوانی ترحم نموده آنرا سیراب کرده است و وعده دخول بهشت را داده است همچنان به نیکی نمودن و طعام دادن به آنانیکه از میدان معرکه به دست مسلمانان اسیر می شوند ترغیب نموده است طوری که الله جل جلاله در مورد چنین فرموده است: {وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا} (۱)

ترجمه: و خوراک می دادند به بینوا و یتیم و اسیر، به خاطر دوست داشت خدا .

ابواسحاق احمد بن محمد صاحب تفسیر کشاف در تفسیر این آیت نوشته است که مراد از طعام دادن به اسیر، اسیران حربی اند که در اثر جنگ و غلبه به دست مسلمانان اسیر می شوند یا طعام دادن به بندی‌های مسلمان که به حق بندی شده اند می باشد، همچنان قول قتاده (رح) را چنین نقل نموده است، قتاده میگوید بعد از این که خداوند جل جلاله دستور نیکی کردن به اسراء را داد در این ایام اسراء از اهل شرک بودند وقتی که طعام دادن به اسراء اهل شرک مراد باشد، بندی‌های مسلمان در طعام دادن مستحق تراز آنها اند و قول مجاهد، سعید بن جبیر و عطا را نقل نموده است که ایشان چنین گفته اند مراد از اسیر بندی‌های اهل قبله اند همچنان علی بن احمد الواحدی ابوالحسن صاحب تفسیر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز نوشته اند که مراد از اسیر در آیه فوق مملوک و محبوس مسلمین است یا مطلق اهل سجن چه کافر و چه مسلمان باشد طعام دادن و نیکی کردن به آنها مراد است (۲)

زیرا حیات انسان به خوراک و نوشیدنی وابسته است وقتی که بندی در بند قرار گیرد منع کرده می شود و عاجز از کسب و تامین نفقه خود می باشد و در این زمان محتاج به تامین نفقه می گردد، اسلام به حیات انسان ارج گذاشته و عقوبت زندان را برای اصلاح انسان عاصی که به محارم الله جل جلاله حرمت نمی گزارند، گرفتن حقوق از آنده مجرمین که با وجود

۱- سوره انسان (الدهر) آیه: ۸

۲- الکشف والبیان ج ۱۰ ص ۹۶، جلال الدین محمد بن أحمد المحلی و جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، ص ۷۸۲، الناشر: دار الحدیث - القاهرة، الطبعة الأولى، علی بن أحمد الواحدی أبو الحسن، الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز ص ۱۱۵۸، أحمد بن محمد بن المهدي بن عجبیة الحسني الإدريسي الشاذلي الفاسي أبو العباس، البحر المديد - ج ۸ ص ۲۹۹، دار النشر / دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الثانية / ۲۰۰۲ م - ۱۴۲۳ هـ، أبو الليث نصر بن محمد بن إبراهيم السمرقندي الفقيه الحنفي، بحر العلوم - ج ۳ ص ۳۰۴، دار النشر

: دار الفكر - بيروت، تحقيق: د. محمود مطر جي



استطاعت از دادن حقوق مردم امتناع ورزند و دفع ضرر از مردم مشروع ساخته است نه برای ائتلاف، ظلم و تعدی بر محبوسین از این سبب است که منع کردن بندی‌ها از طعام و شراب تا اینکه از گرسنگی و تشنگی بمیرند نزد فقهاء قتل عمدی محسوب شده بر شخص حبس کننده قصاص لازم میشود، در مورد حبس شخص مرتد و دادن خوراک به آن از عمر رضی الله عنه چنین روایت است شخصی از شام نزد وی آمد عمر رضی الله عنه از او پرسید آیا از سرزمین‌های دور خبر داری؟ او گفت بلی مردی که اسلام آورده بود مرتد شد، عمر رضی الله عنه گفت با وی چه کردید، گفت گردن او را زدیم و آنرا کشتیم، عمر رضی الله عنه گفت چرا او را سه روز در خانه ای حبس نکردید که هر روز به او یک گرده نان میدادید و از او طلب توبه را می نمودید شاید توبه می کرد. (۱)

الموسوعة الفقهية وجوب نفقه محبوس را از آثار حبس چه انسان یا حیوان باشد دانسته و چنین نوشته است: " من احتبس انساناً او حیواناً وجبت علیه مؤنثه " (۲) و مراد از مؤنث نفقه محبوسین از قبیل طعام، شراب، لباس و غیره ضروریات کافی زندانیان است که باید از بیت المال و خزانه عمومی تامین گردد و منع نمودن زندانیان از خوراک، پوشاک ما یحتاج و موارد بهداشتی ضرر و ظلم است و از نگاه شرعی زندان باید وسیع و دارای گنجایش کافی باشد. (۳) نفقه محبوسین که مجرمین متکررانند و با تطبیق حدود پند نگرفتند بعد از تطبیق حدود بار دیگر دست به انجام جرایم زدند به منظور دفع ضرر مردم از جرایم ایشان به امیرجواز دارد آنها را تا هنگام مرگ شان حبس دایمی نماید، نفقه و لباس شان از بیت المال تامین گردد (۴) با توجه به مستندات فوق الذکر که زندان مشروع و از مصالح عامه دانسته شده است، معمولاً بندی‌ها متشکل از انسانهای سرکش که از دادن حقوق مردم امتناء می ورزند یا مجرمین که در زمین فساد میکنند و یاهم گنهکاران که ترک واجبات را نموده به محارم الله جل جلاله اعتناء ندارند می باشند و دولت مسؤول

۱- فقه السنه - سید سابق ج ۵ ص ۲۴۲ و ۱۳۹، الموسوعة الفقهية الكويتية ج ۲۴ ص ۲۷۹، فقه آسان در مذهب امام شافعی (احمد عیسی عاشور) ص: ۶۷۹

۲- الموسوعة الفقهية الكويتية ج ۲ ص ۶۸.

۳- الموسوعة الفقهية الكويتية ج ۴۱ ص ۱۲۸، فقه السنه - سید سابق ج ۶ ص ۴۵۵.

۴- الموسوعة الجنائية الإسلامية المقارنة ص: ۶۸۳، ابن الأزرق، بدائع السلك في طبائع الملك ص ۱۸۴، مصدر الكتاب: موقع الوراق، <http://www.alwarraq.com>، محمد بن عبد الوهاب بن عبد اللطيف بن علي بن عبد الكافي السنباطي القاهري، تحرير السلوك في تدبير الملوك المخطوط ص ۳۹، ب ت، الماوردي، الأحكام السلطانية ج ۱ ص ۴۴۰، مصدر الكتاب: موقع الإسلام، <http://www.al-islam.com>

است تا حقوق مظلوم را از ظالم بگیرد همچنان برای تامین امنیت آوردن رفاه و آسایش، دفع ضرر و حفظ جان و مال مردم مسؤول است و بندی شدن اینگونه افراد دو جانب قضیه را با خود دارد اول اینکه حصول حقوق مردم که منافع آنها در آن نهفته است دوم این که دفع از ضرر از آنها است که هر دو مورد از مصالح عامه است و بیت المال نیز برای مصالح عامه است از این سبب است که تامین نفقه خوراک، پوشاک و مایحتاج روز مره زندانیان از بیت المال تامین می گردد و نفقه انسان های بی گناه که به ناحق به زندان می روند نیز به اساس قاعده احتباس بر عهده دولت است که باید به درستی آنرا تامین نماید.

## مطلب پنجم

### نفقات پودری ها و معتادین

آنطوری که قبلا بیان گردید که محور یا قاعده در لزوم پرداخت نفقه بر دولت یا بر هر شخص دیگری این نیست شخص که به وی نفقه پرداخت می گردد دارای چه صفاتی باشد، عاقل باشد یا دیوانه معتاد و مریض باشد یا تندرست و صحت مند، بلکه قاعده پرداخت نفقه بر معیارهای مانند دارای و ناداری آنها است و اینکه وارث و سر پرستی دارد یا خیر؟ هر چند جلوگیری از اعتیاد یا اتخاذ تدابیر پیش گیری کننده برای گسترش اعتیاد در جامعه وظیفه مشترک دولت و ملت است که زیاد ربطی به نفقه معتادین ندارد، اما بحث تداوی معتادین جزء از همان نفقاتی است که به معتادین ارتباط دارد و همان قاعده نفقات بر آن تطبیق می گردد. به هر صورت باید گفت که معتادین مانند اشخاص سالم اگر صاحب مال باشند، تمام مصارف ایشان بر همان مال آنها است و اگر صاحب مال نباشند به ترتیب قاعده الاقرب فالاقرب (۱) بر عهده عصبات و اقربای وی است (۲) و هرگاه کسی را نداشته باشد که شرعا به حیث وارث آن شناخته شود در آن صورت چون وارث آن دولت اسلامی و بیت المال است، مصارف و نفقه زندگی و تداوی وی نیز بر عهده دولت و بیت المال است.

۱ - المبسوط للسرخسی ج ۳۰ ص ۳

۲ - الدر المختار وحاشیه ابن عابدین (رد المحتار) ج ۳ ص ۵۹۷

## نتیجه گیری

از بررسی های انجام شده نتایج ذیل به دست آمده است

۱. نظام اسلام نظام کامل و پاسخگوی نیاز مندی ها و مشکلات افراد جمعه بوده و صلاحیت تطبیق را در هر شرایط و زمان دارد.
۲. نظام اجتماعی اسلام به ارتباط تامین نفقات در جامعه، یک نظام کامل بوده و اصول عادلانه ای را در زمینه وضع نموده است به گونه ای که همه افراد جامعه و دولت اسلامی تکلیف شان در این زمینه واضح و روشن گردیده و مشخص شده است که در چه حالتی و در کجا چه کسی مسؤولیت دارد.
۳. حمایت اسلام از جایگاه خانواده و تاکید بر حفظ کیهان این کانون و هسته کوچک زندگی انسان ها (خانواده)
۴. اسلام به حیث دین کامل برای زندگی به تشکیل خانواده ارج قایل شده است، خانواده را طوری تنظیم نموده که در آن یکی از زوجین را به حیث رهبر تعیین و مسؤولیت سر پرستی افراد خانواده را به دوش آن گذاشته است و وظایف و مسؤولیت های مرد و زن را بگونه مشخص نموده که مرد مسئول تامین نفقه زن و اولاد و زن مسؤول حفظ و نگهداری دارایی های خانه می باشد. همچنان زن باید حقوق شوهر را رعایت و از حریم آن، چه در حضور و غیاب وی محافظت نماید، به تربیه اولاد و تدبیر منزل اهتمام ورزد، با تعاون و همکاری مشترک مرد و زن خانواده سالم تشکیل می شود که اساس و بنیاد جامعه اسلامی را می سازند.
۵. اثبات نفقه اقارب از قرآن و سنت رسول کریم صلی الله علیه وسلم و در بسا موارد به اساس استنباط فقها که از قرآن و سنت شده واضح گردیده است و اسلام تاکید بر انجام صلّه رحم نموده قطع آنرا نکوهش و منع نموده است.
۶. تکافل و تعاون در نظام اجتماعی اسلام در جهت تقویت روابط اجتماعی بسیار زیاد مورد تاکید، تشویق و از جمله اخلاق پسندیده اسلامی و نشانه ایمان افراد دانسته شده است.
۷. علاوه بر اینکه اسلام، به همکاری و تعاون با بی بضاعتان و تهی دستان تشویق و ترغیب کرده در مواردی به نسبت عدم تکافل، همکاری و همدردی افراد با دیگران، نفی اسلام و ایمان را به آن ها انتساب کرده است.

۸. در نظام‌های غیر اسلامی چنین تکافلی که در اسلام وجود دارد به ملاحظه نمی‌رسد. در این نظام‌ها در نهایت، مسؤلیت نفقه افراد ناتوان، بی سرپرست و کهن سال به دولت ارجاع گردیده است. در نتیجه مسؤلیت دولت در نظام‌های غیر اسلامی بیش از حد سنگین می‌گردد و مجال آن نیست که دولت هم مخارج افراد بی بضاعت، ناتوان و بی سرپرست را تامین و هم عزت، کرامت و شرافت انسانی تامین نماید. همچنان دولت نمی‌تواند در چنین وضعی از عهده این مسؤلیت به درستی برآید.

۹. اسلام به طور فشرده طریقه تامین نفقات را به گونه ذیل بیان نموده است:

- نفقه اولاد صغار را بر ذمه پدر و نفقه خانم را بدوش شوهرش گذاشته است
- مخارج هر شخص در صورتی که صاحب مال باشد از مال خودش تامین می‌گردد
- اقارب و خویشاوندان را به اساس قرابت و به اساس قاعده *أَلْعُرْمُ بِالْعُرْمِ* مکلف به پرداخت مخارج اقربای نیازمند شان ساخته است
- به تامین نفقه اقارب به اساس رعایت صله رحمی و احسان، تاکید شده است.
- به انفاق از مال محبوب بلا مانع برای حصول ثواب بر هر شخص نیازمند تشویق نموده است.
- همچنان دولت را برای رسیدگی به مشکلات و تأمین احتیاجات افراد بی‌سرپرست و نیازمندان بلا وارث به اساس قاعده *أَلْعُرْمُ بِالْعُرْمِ* مکلف ساخته است.

۱۰. دولت یکی از اساسی‌ترین نیاز افراد بشر است و در هیچ نقطه جهان بشر بدون دولت زندگی نمی‌نماید و این مسأله هم واضح است که هیچ دولتی بدون رهبر نمی‌باشد، شریعت اسلام از رهبر به لفظ امام تعبیر نموده است و منظور از آن پیشوا و رهبر سیاسی مسلمانان است که در حدیث شریف آمده، در روز قیامت هیچ سایه ای وجود نمی‌داشته باشد به جز سایه عرش خدا و هفت صنف زیر این سایه قرار می‌گیرند از جمله این هفت صنف یکی آن امام عادل است. خانواده رکن اساسی جامعه بوده و نقش اساسی در قوام دولت دارد. اسلام برای سر و سامان دادن امور خانواده، یکی از زوجین (مرد) را به حیث مسوؤل تامین نفقات، رهبر و سرپرست امور تعیین نموده است. وقتی که موجودیت رهبر و مسوؤل در این اجتماع کوچک ضرور است موجودیت امام و رهبر به سطح جامعه اسلامی به طریق اولی مد نظر است که فقر و نیازمندی را از جامعه اسلامی نابود کرده، زمینه کار و خود کفایی هر فرد امت اسلامی را به خودش تا حد امکان فراهم نماید. در صورت عدم امکان نفقه و مایحتاج زندگی کسی که توانایی مالی نداشته یا کسب و

کار هم نداشته یا به بیماری دایمی مبتلا باشد، همچنان اشخاص معیوب و معلول و غیره ( فقراء مساکین، کهن سالان بی سرپرست، مجانین، پودری ها، بندیان) و هر فردی که خودش قادر به تامین نیازهایش نیست و کسی هم وجود نداشته باشد که نفقه شان را به عهده بگیرد، نفقه شان به اساس قاعده العُزْمُ بِالْعُزْمِ بر بیت المال واجب است، عندالموقع دولت باید به آن رسیدگی نماید.

۱۱. مشکلات جامعه را در بخش تامین نفقه و سهل انگاری افراد مسوول که از خلال تحقیق دریافت نموده ام طور فشرده به آنها اشاره می نمایم:

- اکثر افراد جامعه زیر خط فقر زندگی می نمایند و نمی توانند نفقه شبانه روزی خود و خانواده های شان را تامین نمایند و دولت تا اکنون برای رفع این مشکل چاره ای نسجیده است
- نفقه پدران و مادران کهن سال ضعیف و ناتوان با آنکه دارای فرزندان اند از جانب اولاد های شان و نفقه سایر اقارب و خویشاوندان از جانب مسوولین تامین نفقه شان به نسبت اینکه خود شان روز گار خوبی ندارند به صورت درست تامین نمی گردد
- احکام اسلامی از جانب دولت به صورت درست تطبیق نگردیده است که این امر باعث رشد زندگی طبقاتی میان افراد جامعه گردیده است (تفاوت های کلان و فاحش اقتصادی میان سر مایه دار و فقراء)

- فقر، بیکاری و اعتیاد روز افزون مواد مخدر که مردم و خانواده ها دامن گیر آن اند
- کمبود همکاری تعاون و تکافل اجتماعی در میان اقشار مختلف جامعه
- نبود جای مشخص برای سالمندان بی بضاعت و بی سرپرست
- عدم آگاهی تعدادی از همشهریان از احکام اسلامی در مورد تامین نفقه خانواده، اقارب و خویشاوندان و سایر افراد بی بضاعت و بی سرپرست جامعه

## پیشنهادها

بدر نظر داشت نتایج تحقیق برای حل مشکلات امروزی جامعه افغانی در عرصه تامین نفقات ذیلا پیشنهاد می‌گردد:

۱. دولت افغانستان باید از احکام اسلام به ارتباط نفقه حمایت، احکام شرعی را تطبیق و برای برچیدن فقر از جامعه، زکات اموال را مطابق دستورات اسلام از اغنیاء جمع آوری و به اصناف مستحق آن به صورت عادلانه توزیع نماید و با عملی نمودن این حکم اسلام به یقین بستر فقر و تنگ دستی از جامعه اسلامی برچیده شده دیگر فقری وجود نخواهد داشت.

۲. زمینه کار و خود کفایی هر فرد امت اسلامی را از طریق برنامه‌های اقتصادی فراهم و برای از بین بردن فقر تلاش لازم انجام دهد تا فقر و نیازمندی از جامعه اسلامی نابود و میزان جرایم اقتصادی مانند دزدی و راهزنی کاهش یابد.

۳. به وضعیت زندگی افراد مستحق مانند فقراء مساکین، کهن سالان بی سرپرست، مجانین، پودری ها، بندیان و هر فردی که خودش قادر به تامین نیازهایش نیست، توجه لازم را مرعی و تدابیر مناسب و پیش گیرانه ای را روی دست گیرد.

۴. ایجاد مراکز پژوهشی و تحقیقی را به ویژه در بخش توسعه اقتصاد اسلامی تا معلومات همه جانبه از احکام اقتصادی اسلام به خصوص در زمینه تامین نفقات در جامعه اسلامی به مردم ارایه و در پرتو آن همه افراد مستحق نفقه و افراد مسئول پرداخت آن، حقوق و وجایب اسلامی، اجتماعی، اخلاقی و ایمانی شان را به درستی درک و تاحد ممکن بدون اکراه و اجبار آنرا رعایت نمایند.

۵. زمینه های کشت و زراعت را در زمین های دولتی لا مزروع فراهم و طبق پلان منظم زمین های که طی سال های متمادی بدون استفاده بوده اند برای مستحقین آن توزیع عادلانه صورت گیرد تا زمینه برای خود کفایی و فقر زدایی در جامعه افغانی فراهم آید.

## فهرست آیات های قرآنی

شماره	آیات	سورت	صفحه
۱	إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ	حجرات	۶۹، ۱۲
۲	أَسْكِنُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِّنْ وَّجْدِكُمْ	طلاق	۳۵، ۲۷، ۲۴ ۳۷، ۳۶
۳	وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا	فرقان	۶۷، ۲۴
۴	لِيُنْفِقُ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ	طلاق	۵۹، ۵۸، ۲۷
۷	وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ	بقره	۵۹، ۵۱، ۳۵
۸	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ	بقره	۳۰
۹	وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمَلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ	طلاق	۳۸، ۳۶
۱۰	وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنكُمُ	بقره	۴۰، ۳۹
۱۱	وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا	اسراء	۴۹، ۴۳، ۴۲
۱۲	مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ	حج	۴۸
۱۳	وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا	لقمان	۴۸، ۴۵، ۴۳
۱۴	وَأَتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ	بقره	۷۶، ۶۴، ۶۳
۱۵	مَنْ ذَا الَّذِي يُفْرِضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً	بقره	۷۱
۱۶	إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا	توبه	۷۵
۱۷	وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ	نساء	۷۸
۱۸	وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ	حشر	۸۱
۱۹	قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ	يوسف	۹۶
۲۰	فَأَمْسِكُوهُمْ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَّوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا	نساء	۹۶
۲۱	أَوْ تَقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَرُوا مِنَ الْأَرْضِ	مائده	۹۷
۲۲	وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا	انسان (الدهر)	۱۰۲

## فهرست آحادیث نبوی

شماره	حدیث	صفحه
۱	عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- يَقُولُ قَالَ اللَّهُ أَنَا الرَّحْمَنُ وَهِيَ الرَّحْمُ شَقَقْتُ لَهَا اسْمًا مِنْ اسْمِي	۱۲
۲	خُذِي مِنْ مَالِهِ بِالْمَعْرُوفِ مَا يَكْفِيكَ وَيَكْفِي بَنِيكَ	۵۹،۵۸،۲۷
۳	إِنْ تَطَعِمَهَا إِذَا طَعِمْتَ وَتَكْسُوَهَا إِذَا اكْتَسَيْتَ	۲۸
۹	أَفْضَلُ دِينَارٍ يُنْفِقُهُ الرَّجُلُ دِينَارًا يُنْفِقُهُ عَلَى عِيَالِهِ	۳۰
۱۰	وَدِينَارًا أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ أَعْظَمُهَا أَجْرًا الَّذِي أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ	۲۵
۱۱	لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ	۳۷
۱۲	أَنْتَ وَمَالِكَ لِأَبِيكَ إِنْ أَوْلَادَكُمْ مِنْ أَطِيبِ كَسْبِكُمْ	۴۳
۱۳	قال « أُمَّكَ ». قال ثم من قال « ثم أُمَّكَ »	۴۸
۱۴	قال " أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ " قال عندي آخر: قال " أَنْفَقْتَهُ عَلَى خَادِمِكَ " قال عندي آخر: قال " أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ	۵۴
۱۵	الساعي على الأرملة والمسكين كالمجاهد في سبيل الله أو القائم الليل	۶۸
۱۶	إن المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضا	۶۹
۱۷	فقال هل عليه دين	۷۰
۱۸	سبعة يظلهم الله في ظله يوم لا ظل إلا ظله ... ورجل تصدق بصدقة فأخفاها حتى لا تعلم شماله ما تنفق يمينه ورجل ذكر الله خاليا ففاضت عيناه	۷۳
۱۹	إِلَى أَقْرَبِهِمَا مِنْكَ أَبَا	۷۹
۲۰	وَإِذَا طَبَخْتَ مَرْقَةً، فَأَكْثِرِ مَاءَهَا، وَاعْرِفْ لِجِيرَانِكَ مِنْهَا	۷۹
۲۱	ليس المؤمن الذي يبني و جاره إلى جنبه جائع	۸۰
۲۲	يا أيها الناس أفسحوا السلام وأطعموا الطعام وصلوا الأرحام	۸۲
۲۳	قَدْ عَجِبَ اللَّهُ مِنْ صَنِيْعِكُمْ بِضَيْفِكُمْ اللَّيْلَةَ	۸۳
۲۴	فياكل منه طيرٌ أو إنسان أو بهيمة إلا كان له به صدقة	۸۶
۲۵	من سأل الناس أموالهم تكثرا فإنما يسأل جمر جهنم . فليستقل منه أو ليكثر	۸۶



٨٧	أَمَّا عِنْدَكَ شَيْءٌ	٢٦
٩١	فَإِنِّي اسْتَعْمَلُ الرَّجُلَ مِنْكُمْ عَلَى الْعَمَلِ	٢٧
٩٣	أَنَا وَارِثٌ مِنْ لَا وَارِثٍ لَهُ أَعْقَلُ عَنْهُ	٢٨
٩٨	أَطْلِقُوا ثَمَامَةَ	٢٩
٩٨	خُذُوا مَا وَجَدْتُمْ وَلَيْسَ لَكُمْ إِلَّا ذَلِكَ	٣٠

## فهرست اعلام

شماره	العلم	صفحات
١	أحمد الزيات - حامد عبد القادر	٩٤ - ٩
٢	محمد عبد الرؤوف	٥٧-١٣-٩
٣	عبد الرحمن بن محمد بن سليمان الكليبولي	٢٦-١٤-١٠
٤	دكتور وهبة الزحيلي	١٠
٥	مصطفى خرم دل	١١-٧٩-٢٤-٤٣-٤٩-٥٤-٥٨-٦٤-٦٧-٧٢-٧٥-٧٧-٧٨
٦	نظام الدين عبدالله	١١
٧	عبد الرحمن بن عوف	١٢
٨	أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني	٢٨-١٢
٩	محمد رواس حامد صادق	١٣
١٠	محمد بن مكرم بن منظور الأفريقي المصري	١٤-١٣
١١	عثمان بن علي بن محجن البارعي، فخر الدين الزيلعي الحنفي	١٤
١٢	عبد الرحمن بن محمد عوض الجزيري	١٦
١٣	العلامة أبو الحسن الماوردي	١٧
١٤	سيد سابق	١٨-٢٩-٤٦-٤٨-٥٣-٥٥-٦٠-١٠٣
١٥	مولانا محمد شفيع	٦٤-٥٨-١٩
١٦	فالح بن محمد بن فالح الصغير	٢١

٢٣-٦٠	علاء الدين علي بن عثمان المارديني الشهير بابن التركماني	١٧
٢٨	علاء الدين، أبو بكر بن مسعود بن أحمد الكاساني الحنفي	١٨
٢٦-٣٣-٥٥-٧٤-١٠٣	احمد عيسي عاشور، فقه آسان در مذهب امام شافعي	١٩
٢٦	شيخ ابوبكر جزائري	٢٠
٢٥-٩٨	أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري النيسابوري	٢١
٣٢	أبي بكر ابن السيد محمد شطا الدميطي	٢٢
٣٢	شيخ الإسلام زكريا الأنصاري	٢٣
٤٥	كمال الدين محمد بن عبدالواحد السيواسي المعروف بابن الهمام	٢٤
٤٥	محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز عابدين الدمشقي	٢٥
٤٥	أبو البركات أحمد بن محمد العدوي الشهير بالدردير	٢٦
٤٧	أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري البغدادي	٢٧
٤٧	أبو الحسن علي بن الحسين بن محمد السعدي	٢٨
٤٩-٦٨-٧٠-٧١-٨٠-٩٨	محمد بن اسماعيل بخارى	٢٩
٥٤-٦٧-٦٩-٩٧	مصطفى ديب البغا الميداني الدمشقي الشافعي	٣٠
٥٤	ابوبكر جابر جزائري	٣١
٥٤	أبو عبد الله ابن الشيخ شمس الدين	٣٢
٥٤	شمس الدين أبو بكر محمد بن أبي سهل السرخسي	٣٣
٥٥	محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي بستي	٣٤

٥٥	ابو محمد الحسين بن مسعود بن محمد بن الفراء	٣٥
٥٦	أبو عبد الله محمد بن إدريس شافعي	٣٦
٥٦	علاء الدين أبو الحسن علي بن سليمان المرادوي الدمشقي الصالحي	٣٧
٥٧	علي بن أبي بكر بن عبد الجليل الفرغاني المرغيناني	٣٨
٦٠-٩٦-٩٩	عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي الحنبلي نجدي	٣٩
٦٠	محمد بن يوسف بن أبي القاسم أبو عبد الله عبدري	٤٠
٦١	صدر الدين علي بن علي ابن أبي العز الحنفي	٤١
٦٣	الوزير أبو المظفر يحيى بن محمد بن هبيرة الشيباني	٤٢
٦٧-٧٠	محمد بن فتوح الحميدي	٤٣
٧١	أحمد بن علي أبو بكر الرازي الجصاص	٤٤
٦٩	أبو الحسن علي بن خلف بن عبد الملك بن بطلال البكري القرطبي	٤٥
٧٣	محمد علي بن محمد بن علان بن إبراهيم البكري الصدفي الشافعي	٤٦
٧٣-٧٤	عبد الرحمن بن عبد الرحيم المباركفوري	٤٧
٧٥	عبدالعظيم بن بدوي	٤٨
٧٥	داكتر يوسف قرضاوي	٤٩
٧٦	محمد عبد الرؤوف بن تاج العارفين ابن علي بن زين العابدين	٥٠
٧٦	أبو الحسن علي بن محمد بن حبيب الماوردي البصري	٥١
٧٧	علامه شيخ عبدالرحمن بن ناصر السعدي	٥٢

٧٧	أسعد حومد	٥٣
٧٧	الشيخ محمد الطاهر بن عاشور	٥٤
٧٧	أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي الدمشقي	٥٥
٧٧	أبو المظفر منصور بن محمد بن عبد الجبار السمعاني	٥٦
٧٨	أبو إسحاق أحمد بن محمد بن إبراهيم الثعلبي النيسابوري	٥٧
٨٢	محمد بن سلامة بن جعفر أبو عبد الله القضاعي	٥٨
٨٢	عبدالله بن عبدالرحمن أبو محمد الدارمي	٥٩
٨٣	أبو الحسن عبيد الله بن محمد عبد السلام	٦٠
٨٣	ابن رجب الحنبلي	٦١
٩٨-٨٤	محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي	٦٢
٨٤	ابن عبالبر أبو عمر يوسف بن عبد الله النمري	٦٣
٨٥	ابن محمد، محمد بن علي شوكاني	٦٤
٨٥	ابن نايف الشحود الباحث في القرآن والسنة	٦٥
٨٦-٨٥	محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي	٦٦
٩٣- ٨٦-٤٤	محمد بن يزيد أبو عبدالله القزويني	٦٧
٨٧	أبو العباس شهاب الدين أحمد بن أبي بكر بن إسماعيل بن سليم بن قايماز بن عثمان البوصيري الكناني الشافعي	٦٨
٩٣	محمد بن محمد المختار الشنقيطي	٦٩
٩٤	عبدالكريم زيدان	٧٠
٩٥	علي بن محمد بن علي الجرجاني	٧١

٩٦	سعود بن عبد العالي البارودي العتيبي	٧٢
٩٩-٩٦	أبو العباس أحمد عبد الحلیم بن تیمیة الحراني	٧٣
١٠٠-٩٩	محمد بن أبي بكر أيوب الزرعي أبو عبد الله	٧٤
١٠١	فريدون سيهري	٧٥
١٠١	شيخ الاسلام تقي الدين احمد بن تيميه	٧٦
١٠١	علي آقا صالحی	٧٧
١٠٢	جلال الدين محمد بن أحمد المحلي وجلال الدين عبدالرحمن بن أبي بكر السيوطي،	٧٨
١٠٢	أحمد بن محمد بن المهدي بن عجيبة الحسني الإدريسي الشاذلي الفاسي أبو العباس	٧٩
١٠٢	أبو الليث نصر بن محمد بن إبراهيم السمرقندي الفقيه الحنفي	٨٠
١٠٣	محمد بن عبد الوهاب بن عبد اللطيف بن علي بن عبد الكافي السنباطي القاهري	٨١

## مراجع و مصادر

١. قرآنكريم.
٢. إبراهيم، مصطفى - أحمد الزيات - حامد عبد القادر - محمد النجار، المعجم الوسيط، تحقيق مجمع اللغة العربية، دار النشر: دار الدعوة، ب ت.
٣. ابراهيمي، محمود ترجمه فارسي فقه السنه، ب ت.
٤. ابن الهمام السيواسي، كمال الدين محمد بن عبدالواحد، فتح القدير، الناشر: دار الفكر، مصدر الكتاب موقع الاسلام <http://www.al-islam.com>.
٥. ابن أنس، مالك، الموطأ، تحقيق: محمد مصطفى الأعظمي، الناشر: مؤسسة زايد بن سلطان آل نهيان، الطبعة: الأولى ١٤٢٥ هـ - ٢٠٠٤ م، مصدر الكتاب: موقع الإسلام.
٦. ابن بدوي، عبدالعظيم، مختصر فقه از ادلهی قرآن كريم و سنت صحيح، ب ت.
٧. ابن تيميه، احمد، تحقيقي پيرامون اجتهاد ائمه، ب ت، مترجم: دكتور احمد علي أريائزاد.
٨. ابن رجب الحنبلي، عبد الرحمن بن احمد سلامي، اختيار الأولى في شرح حديث اختصام الملاء الأعلى، مصدر الكتاب: موقع الوراق، <http://www.alwarraq.com>.
٩. ابن عابدين، محمد امين، حاشية رد المختار على الدر المختار شرح تنوير الأبصار، الناشر دار الفكر للطباعة والنشر، سنة النشر ١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠ م، مكان النشر بيروت، ب ت.
١٠. ابن قدامة، عبد الله بن أحمد المقدسي. المغني في فقه الامام أحمد بن حنبل، المغني في فقه الإمام أحمد بن حنبل الشيباني، الناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة الأولى، ١٤٠٥.
١١. ابن نجيم المصري، زين الدين بن إبراهيم بن محمد، البحر الرائق شرح كنز الدقائق الناشر: دارالكتاب الإسلامي، الطبعة: الثانية - ب ت.
١٢. أبو الحسن، علي بن أحمد الواحدي، الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، ب ت.
١٣. أبو العباس، أحمد بن محمد بن المهدي بن عجيبة الحسني الإدريسي الشاذلي الفاسي، البحر المديد، دار النشر / دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الثانية / ٢٠٠٢ م - ١٤٢٣ هـ.
١٤. أبو العلا، محمد عبد الرحمن بن عبد الرحيم المباركفوري، تحفة الأحوذى بشرح جامع الترمذي، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، ب ت.

١٥. أبو الفضل، زين الدين عبد الرحيم، طرح التثريب، مصدر الكتاب: موقع الإسلام، \_  
<http://www.al-islam.com> الناشر: الطبعة المصرية القديمة، ب ت.
١٦. أبو عبد الله، محمد بن أبي بكر أيوب الزرعي، روضة المحبين ونزهة المشتاقين، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، ١٤١٢ - ١٩٩٢.
١٧. أبو الطيب، محمد شمس الحق العظيم آبادي، عون المعبود شرح سنن أبي داود، الطبعة الثانية، ١٤١٥، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، ب ت.
١٨. أبوبكر، أحمد بن الحسين بن علي البيهقي، السنن الصغرى، الناشر مكتبة الدار، ب ت.
١٩. أبو عبد الله، محمد بن أبي بكر أيوب الزرعي، الطرق الحكمية في السياسة الشرعية، الناشر: مطبعة المدني - القاهرة تحقيق: د. محمد جميل غازي، ب ت.
٢٠. أحمد عيسى عاشور، فقه آسان در مذهب امام شافعي
٢١. أزرق، ابن الأزرق، بدائع السلك في طبائع الملك، مصدر الكتاب: موقع الوراق، \_  
<http://www.alwarraq.com>
٢٢. أصبحي، مالك بن أنس أبو عبدالله، موطأ الإمام مالك، الطبعة: الأولى ١٤١٣ هـ - ١٩٩١ م، الناشر: دار القلم - دمشق،
٢٣. أصبحي، مالك بن أنس أبو عبدالله، موطأ الإمام مالك، الطبعة: الأولى ١٤١٣ هـ - ١٩٩١ م، الناشر: دار القلم - دمشق،
٢٤. أعظمي، محمد ضياء الرحمن، المنة الكبرى شرح وتخريج السنن الصغرى، الناشر مكتبة الرشد، سنة النشر ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠١ م، مكان النشر السعودية/ الرياض،
٢٥. انصاري، محمد عبداللطيف، تجلي اخلاق اسلامي در سوره حجرات
٢٦. بابر تي، محمد بن محمد بن محمود، أكمل الدين أبو عبد الله ابن الشيخ شمس الدين ابن الشيخ جمال الدين الرومي (المتوفى: ٧٨٦ هـ)، العناية شرح الهداية، الناشر: دار الفكر، الطبعة: بدون طبعة وبدون تاريخ،
٢٧. بجيرمي، سليمان بن عمر بن محمد، حاشية البجيرمي على شرح منهج الطلاب (التجريد لنفع العبيد)، الناشر المكتبة الإسلامية، سنة النشر، مكان النشر ديار بكر - تركيا،
٢٨. بخاري، محمد بن اسماعيل، التجريد الصريح لأحاديث الجامع الصحيح مختصر، ترجمه فارسي مختصر صحيح بخاري
٢٩. برني، مفتي محمد عاشق الهى شرح قدورى/ التسهيل الضرورى لمسائل القدورى



٣٠. بستي، محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي، صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة الثانية، ١٤١٤ - ١٩٩٣،
٣١. بغدادي، علي بن عمر أبو الحسن الدارقطني، سنن الدارقطني باب المهر شماره حديث ٢١٢ تحقيق، السيد عبد الله هاشم يماني المدني، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ١٣٨٦ - ١٩٦٦.
٣٢. البغوي الشافعي، محي السنه، ابو محمد الحسين بن مسعود بن محمد بن الفراء، شرح السنة للبغوي، المتوفى: ٥١٦ هـ، تحقيق شعيب الارنؤوط محمد بن زهير الشاويش، الناشر: المكتب الاسلامي - دمشق بيروت، الطبعة: الثانية ١٤٠٣ هـ - ١٩٨٣ م.
٣٣. بياضوى، ناصر الدين عبدالله، حكيم، متكلم، مفسر، محدث و مورخ ايراني، قاضى و فقيه شافعى
٣٤. بيهقي، أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي و التركماني، الجوهر النقي: علاء الدين علي بن عثمان المارديني الشهير بابن التركماني، السنن الكبرى وفي ذيله الجوهر النقي، الناشر: مجلس دائرة المعارف النظامية الكائنة في الهند ببلدة حيدر آباد
٣٥. بيهقي، أبو بكر أحمد بن الحسين، شعب الإيمان، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى، ١٤١٠.
٣٦. بيهقي، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى أبو بكر، سنن البيهقي الكبرى، الناشر: مكتبة دار الباز - مكة المكرمة، ١٤١٤ - ١٩٩٤.
٣٧. الجرجاني، علي بن محمد بن علي، التعريفات للجرجاني (ص: ٢٦١). تحقيق: إبراهيم الأبياري. ناشر: دار الكتاب العربي - بيروت. طبع أول .
٣٨. جريسي، دكتور خالد بن عبدالرحمن، ترجمه: كتاب فتاوي علماء البلد الحرام، ب ت.
٣٩. جزائري، ابوبكر جابر، منهاج المسلم (روش زندگي مسلمان) ترجمه نذير احمد سلامي ب ت،
٤٠. جزري، أبو السعادات المبارك بن محمد، النهاية في غريب الحديث والأثر، الناشر: المكتبة العلمية - بيروت، ١٣٩٩ هـ - ١٩٧٩ م.
٤١. الجزيري، عبد الرحمن بن محمد عوض الفقه على المذاهب الأربعة، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية، ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٣ م.
٤٢. الجعفي، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري، الأدب المفرد، تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقي، الناشر: دار البشائر الإسلامية - بيروت، الطبعة الثالثة، ١٤٠٩ - ١٩٨٩،
٤٣. جعفي، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري، الجامع الصحيح المختصر، الناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة الثالثة، ١٤٠٧ - ١٩٨٧.

٤٤. جمل، العلامة الشيخ سليمان، حاشية الجمل على المنهج لشيخ الإسلام زكريا الأنصاري، دار النشر / دار الفكر - بيروت.
٤٥. الحايري، على بن محمد على بن ابي المعالي الصغير بن ابي المعالي الكبير الطبا طبائي، الشرح الكبير، ب ت.
٤٦. الحراني، أبو العباس، أحمد عبد الحلیم بن تيمية سنة الولادة ٦٦١ / سنة الوفاة ٧٢٨، كتب ورسائل وفتاوى شيخ الإسلام ابن تيمية في الفقه، تحقيق عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجد، الناشر مكتبة ابن تيمية، ب ت.
٤٧. حميدي، محمد بن فتوح، الجمع بين الصحيحين البخاري ومسلم، الطبعة: الثانية، الناشر دار ابن حزم - لبنان/ بيروت - ١٤٢٣هـ - ٢٠٠٢م.
٤٨. حنبلي، أبو الفرج عبد الرحمن بن أحمد بن رجب، جامع العلوم والحكم، الناشر: دار المعرفة - بيروت، الطبعة الأولى، ١٤٠٨هـ.
٤٩. حنفي، أبو الليث نصر بن محمد بن إبراهيم السمرقندي الفقيه، بحر العلوم - موافق للمطبوع، ٣ / ٣٠٤، عدد الأجزاء: ٣، دار النشر: دار الفكر - بيروت، تحقيق: د. محمود مطرجي
٥٠. حنفي، أبو المعالي برهان الدين محمود بن أحمد بن عبد العزيز بن عمر بن مازة البخاري (المتوفى: ٦١٦هـ)، المحيط البرهاني في الفقه النعماني فقه الإمام أبي حنيفة رضي الله عنه الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٤ م.
٥١. حنفي، أحمد بن علي أبو بكر الرازي الجصاص (المتوفى: ٣٧٠ هـ)، شرح مختصر الطحاوي المحقق: د. عصمت الله عنايت الله محمد - أ.د. سائد بكداش - د محمد عبيد الله خان - د زينب محمد حسن فلاتة، أعد الكتاب للطباعة وراجع وصححه: أ.د. سائد بكداش، الناشر: دار البشائر الإسلامية ودار السراج، الطبعة: الأولى ١٤٣١ هـ - ٢٠١٠ م
٥٢. حنفي، أحمد بن علي أبو بكر الرازي الجصاص (المتوفى: ٣٧٠ هـ)، محقق، د. عصمت الله عنايت الله محمد - أ.د. سائد بكداش - د محمد عبيد الله خان - د زينب محمد حسن فلاتة، شرح مختصر الطحاوي، الناشر: دار البشائر الإسلامية - ودار السراج، الطبعة: الأولى ١٤٣١ هـ - ٢٠١٠ م
٥٣. حنفي، بدر الدين العيني، عمدة القاري شرح صحيح البخاري، مصدر الكتاب: ملفات و ورد من ملتقى أهل الحديث، الكتاب مرقم آليا غير موافق للمطبوع، <http://www.ahlalhdeth.com>
٥٤. الحنفي، صدر الدين علي بن علي ابن أبي العز (المتوفى ٧٩٢ هـ) التنبيه على مشكلات الهداية ، تحقيق ودراسة: عبد الحكيم بن محمد شاکر (ج ١، ٢، ٣) - أنور صالح أبو زيد، أصل الكتاب:

- رسالة ماجستير - الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة، الناشر: مكتبة الرشد ناشرون - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٣ م.
٥٥. حنفي، صدر الدين عليّ بن عليّ ابن أبي العز، التنبيه على مشكلات الهداية، الناشر: مكتبة الرشد ناشرون - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٣ م.
٥٦. حنفي، عثمان بن علي بن محجن البارعي، فخر الدين الزيلعي، تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق وحاشية الثنلبي، الناشر: المطبعة الكبرى الأميرية - بولاق، القاهرة، الطبعة الأولى، ١٣١٣ هـ
٥٧. حنفي، علاء الدين، أبو بكر بن مسعود بن أحمد الكاساني، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، الطبعة: الثانية، ١٤٠٦ هـ - ١٩٨٦ م، الناشر: دار الكتب العلمية.
٥٨. حومد، أسعد، أيسر التفاسير، مصدر الكتاب:م وقع التفاسير، <http://www.altafsir.com> غير موافق للمطبوع، ابن عاشور، الشيخ محمد الطاهر بن عاشور
٥٩. خاطر، دكتور عبدالله، خاطراتم در بریتانیا ص ١١-١٣، مترجم: ابراهيم كياني درميان
٦٠. خالدي، شيخ محمد علي (سلطان العلماء)، شرح اربعين نووي ب ت
٦١. خطيب، محمد الشربيني، الإقناع في حل ألفاظ أبي شجاع، الناشر دار الفكر، مكان النشر بيروت، سنة النشر ١٤١٥
٦٢. دارمي، عبدالله بن عبدالرحمن أبو محمد، سنن الدارمي، الناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، الطبعة الأولى، ١٤٠٧، تحقيق: فواز أحمد زمرلي، خالد السبع العلمي.
٦٣. دردير، أبو البركات أحمد بن محمد العدوي، الشهير (المتوفى: ١٢٠١ هـ)، الشرح الكبير، مصدر الكتاب: موقع يعسوب،
٦٤. دعوة والإرشاد، الرئاسة العامة لإدارات البحوث العلمية والإفتاء، مجلة البحوث الإسلامية، باب التعريف النفقة، مصدر الكتاب: موقع الرئاسة العامة للبحوث العلمية والإفتاء، <http://www.alifta.com>
٦٥. دعوة والإرشاد، رئاسة العامة لإدارات البحوث العلمية والإفتاء، مجلة البحوث الإسلامية - مجلة دورية تصدر عن الرئاسة العامة لإدارات البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد، مصدر الكتاب: موقع الرئاسة العامة للبحوث العلمية والإفتاء <http://www.alifta.com>
٦٦. دمشقي، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي، تفسير القرآن العظيم موافق للمطبوع، تحقيق: سامي بن محمد سلامة، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، الطبعة: الثانية ١٤٢٠ هـ - ١٩٩٩ م.
٦٧. دمشقي، امام ابي زكريا يحيي بن شرف نووي، رياض الصالحين، ترجمه و شرح: عبد الله خاموش هروي، ب ت.

٦٨. الدمياطي، أبي بكر ابن السيد محمد شطا، حاشية إعانة الطالبين على حل ألفاظ فتح المعين لشرح قرّة العين بمهمات الدين، الناشر دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، مكان النشر بيروت، ب ت.
٦٩. دوري، أحمد بن محمد بن أحمد بن جعفر بن حمدان أبو الحسين، التجريد للقديري، الطبعة: الثانية، ١٤٢٧ هـ - ٢٠٠٦ م، الناشر: دار السلام - القاهرة، ب ت.
٧٠. الرحمانى المباركفوري، أبو الحسن عبيد الله بن محمد عبد السلام بن خان محمد بن أمان الله بن حسام الدين، مرعاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، الناشر: إدارة البحوث العلمية والدعوة والإفتاء - الجامعة السلفية - بنارس الهند، الطبعة: الثالثة - ١٤٠٤ هـ، ١٩٨٤ م
٧١. رملی، شمس الدين محمد بن أبي العباس أحمد بن حمزة ابن شهاب الدين الشهير بالشافعي الصغير. سنة الولادة / سنة الوفاة ١٠٠٤ هـ. نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج، الناشر دار الفكر للطباعة، سنة النشر ١٤٠٤ هـ - ١٩٨٤ م، مكان النشر بيروت، ب ت.
٧٢. الرئاسة العامة لإدارات البحوث العلمية والإفتاء، مجلة البحوث الإسلامية، مصدر الكتاب: موقع الرئاسة العامة للبحوث العلمية والإفتاء <http://www.alifta.com>
٧٣. الرّيسوني، دكتور احمد استاد محمد جمال باروت، اجتهاد نص، واقع، مصلحت، مترجم: سعيد ابراهيمي بدون ذكر سال طبع و محل نشر
٧٤. زحيليّ، الفقه الإسلاميّ وأدلّته، الناشر: دار الفكر - سورّيّة - دمشق، الطّبعة الرّابعة، ب ت.
٧٥. زحيليّ، فقه خاتواده در جهان معاصر مترجم: عبدالعزيز سلمي [www.ageedeh.com](http://www.ageedeh.com)
٧٦. سابق، سيد سابق، فقه السنه، مترجم: ابراهيمي، دكتور محمود ابراهيمي
٧٧. سالم، عطية بن محمد (المتوفى: ١٤٢٠ هـ)، شرح الأربعين النووية، مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية، <http://www.islamweb.net>
٧٨. سالم، عطية بن محمد سالم، شرح بلوغ المرام، ٥-٤/١٣٦، مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية <http://www.islamweb.net>
٧٩. سپهري، فريدون، پژوهشي درباره امامان اهل سنت (امام ابوحنيفه، امام مالك، امام شافعي امام احمد)، ناشر تاريخ اسلام تاريخ انتشار عقرب ١٣٩٤ هـ ش
٨٠. سجستاني، أبو داود سليمان بن الأشعث، سنن أبي داود، الناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، ب ت.
٨١. السرخسي، شمس الدين أبو بكر محمد بن أبي سهل، المبسوط للسرخسي، دراسة وتحقيق: خليل محي الدين الميس، الناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، لبنان، الطبعة الأولى، ١٤٢١ هـ

٨٢. سرخسي، محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة المبسوط، الناشر: دار المعرفة - بيروت، تاريخ النشر: ١٤١٤ هـ - ١٩٩٣ م.

٨٣. سعدى، أبو الحسن علي بن الحسين بن محمد، النتف في الفتاوى، الناشر دار الفرقان / مؤسسة الرسالة، سنة النشر ١٤٠٤ - ١٩٨٤، مكان النشر عمان الأردن / بيروت لبنان،

٨٤. السعدى، عبدالرحمن بن ناصر بن عبدالله، جوامع الأخبار، المصدر: المكتبة الألكترونية بجامعة شيخ الإسلام ابن تيمية، ب ت.

٨٥. السعدى، عبدالرحمن، تفسير راستين ترجمه: تيسير الكريم الرحمن، مترجم: محمد گل گمشاد زهي

٨٦. سمعاني، أبو المظفر منصور بن محمد بن عبد الجبار، تفسير القرآن، تحقيق ياسر بن إبراهيم و غنيم بن عباس بن غنيم، الناشر دار الوطن - الرياض، سنة النشر ١٤١٨ هـ - ١٩٩٧ م، مكان النشر السعودية

٨٧. سيوطي، عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين، الدر المنثور، الناشر: دار الفكر - بيروت، ١٩٩٣.

٨٨. الشافعي، أبو العباس شهاب البوصيري الكناني (المتوفى: ٨٤٠ هـ) (إتحاف الخيرة المهرة بزوائد المسانيد العشرة) المحقق: دار المشكاة للبحث العلمي بإشراف أبو تميم ياسر بن إبراهيم دار النشر: دار الوطن للنشر، الرياض الطبعة: الأولى، ١٤٢٠ هـ - ١٩٩٩ م.

٨٩. شافعي، محمد بن إدريس أبو عبد الل، الأم، الناشر دار المعرفة، سنة النشر ١٣٩٣، مكان النشر بيروت، ب ت.

٩٠. شافعي، محمد بن إدريس أبو عبد الله، مسند الشافعي، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، ب ت.

٩١. الشافعي، محمد علي بن محمد بن علان بن إبراهيم البكري الصديقي، دليل الفالحين لطرق رياض الصالحين الناشر: دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت - لبنان الطبعة الرابعة، ١٤٢٥ هـ - ٢٠٠٤ م.

٩٢. الشربيني، محمد بن محمد الخطيب شمس الدين، الإقناع في حل ألفاظ أبي شجاع سال نشر ١٤١٥ ناشر دار الفكر

٩٣. شفيع، مولانا محمد شفيع، تفسير معارف القرآن، ناشر مكتبه فاروقيه پشاور پاکستان

٩٤. الشنقيطي، محمد بن محمد المختار، شرح زاد المستنقع، مصدر الكتاب موقع الشبكة الإسلامية -

<http://www.islamweb.net>

٩٥. شوكانى، محمد بن علي بن محمد، الأدلة الرضية للإمام الشوكاني ب ت.

٩٦. شوكانى، محمد بن علي بن محمد، نيل الأوطار من أحاديث سيد الأخيار شرح منتقى الأخبار، الناشر: إدارة الطباعة المنيرية ب ت.

٩٧. شيباني، الوزير أبو المظفر يحيى بن محمد بن هبيرة، اختلاف الأئمة العلماء، الناشر: دار الكتب العلمية - لبنان / بيروت - ١٤٢٣ هـ - ٢٠٠٢ م، الطبعة: الأولى، ب ت.

٩٨. شيخي زاده، عبد الرحمن بن محمد بن سليمان، مجمع الأنهر في شرح ملتقى الأبحر، الناشر: دار إحياء التراث العربي، مصدر الكتاب: ملفات وورد وضعها الأخ أبو مهند النجدي في ملتقى أهل

<http://www.ahlalhdeth.com> الحديث

٩٩. صالحى، علاء الدين أبو الحسن علي بن سليمان، الإنصاف في معرفة الراجح من الخلاف على مذهب الإمام أحمد بن حنبل، دار إحياء التراث العربي بيروت - لبنان، الطبعة الأولى ١٤١٩ هـ

١٠٠. صالحى، علي آقا، امام شافعي و شاگردان مكتب بغداد و مصر (مذهب قديم و جديد)

١٠١. صنعاني، محمد بن إسماعيل الأمير الكحلاني، سبل السلام، الطبعة: الرابعة ١٣٧٩ هـ / ١٩٦٠ م، الناشر: مكتبة مصطفى البابي الحلبي

١٠٢. الطاهر، محمد بن عاشور، التحرير والتنوير - الطبعة التونسية، دار النشر: دار سحنون للنشر والتوزيع - تونس - ١٩٩٧ م.

١٠٣. طاهري، حفيظ الله و غلام محمد، خلاصة المسائل در فقه حنفي ناشر: شيخ الاسلام احمد جام سال چاپ ١٣٨٠.

١٠٤. الطحاوي، أحمد بن محمد، شرح معاني الآثار ، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة الأولى، ١٣٩٩ تحقيق: محمد زهري النجار ب ت.

١٠٥. الطحاوي، أحمد بن محمد، شرح معاني الآثار، تحقيق: محمد زهري النجار الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة الأولى، ١٣٩٩ ، ب ت.

١٠٦. طنطاوي، محمد سيد، التفسير الوسيط، مصدر الكتاب: موقع التفاسير <http://www.altafsir.com>

١٠٧. عباسي، جلال الدين، فضل ائمه اربعة اهل سنت - رضي الله عنهم ب ت

١٠٨. عبد الباقي، محمد فؤاد بن صالح بن محمد اللؤلؤ والمرجان فيما اتفق عليه الشيخان، الناشر: دار إحياء الكتب العربية - محمد الحلبي ب ت.

١٠٩. عبدالكريم زيدان، حقوق و تكاليف زن در اسلام. مترجم: سهيلا رستمى،

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

١١٠. عبدالله، نظام الدين، شرح قانون مدنى افغانستان حقوق وجايب (نظريه هاى عمومى)، چاپ دوم كابل: انتشارات سعيد، حمل ١٣٩٠.
١١١. عبدري، محمد بن يوسف بن أبى القاسم أبو عبد الله، التاج والإكليل لمختصر خليل، الناشر دار الفكر، سنة النشر ١٣٩٨، مكان النشر بيروت، ب ت.
١١٢. عتيبي، سعود بن عبد العالى البارودي، الموسوعة الجنائية الإسلامية المقارنة بالأنظمة المعمول بها في المملكة العربية السعودية، الطبعة الثانية ١٤٢٧.
١١٣. عثيمين، محمد بن صالح، جلسات رمضانية ١٤١٠هـ - ١٤١٥ هـ، مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية <http://www.islamweb.net>.
١١٤. عجي و قنبيى، محمد رواس حامد صادق، معجم لغة الفقهاء، الناشر: دار النفائس للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة: الثانية، ١٩٨٨م.
١١٥. عرفج، محمد بن علي، مباني اسلام (عقيدتي، عبادي و اخلاقي) ب ت.
١١٦. العسقلاني، أبو الفضل أحمد بن علي، بلوغ المرام من أدلة الأحكام، تحقيق وتخريج وتعليق: سمير بن أمين الزهري الناشر: دار الفلق - الرياض السابعة، ١٤٢٤ هـ، ب ت.
١١٧. عسقلاني، محدث كبير امام احمد بن حجر، بلوغ المرام من أدلة الأحكام، ترجمه وتوضيح: حسين تاجي گلّه داري، ب ت.
١١٨. علي بن نايف الشحود الباحث في القرآن والسنة، الخلاصة في أحكام أهل الذمة ب ت.
١١٩. فتاوى الشبكة الإسلامية ٦/ ٢٩٤٦ رقم الفتوى ٤٤٠٢ تاريخ الفتوى: ٢٠ ذو الحجة ١٤٢٤
١٢٠. فواد فرام بستانى، فرهنك أبجدي عربي- فارسي، مترجم رضا مهريار، ناشر: اسلامى سال چاپ ١٣٧٦.
١٢١. قانون مدنى، وزارت عدليه، جريده رسمى ٣٥٣، مورخ ١٥/١٠/١٣٥٥.
١٢٢. قاهري، محمد بن عبد الوهاب بن عبد اللطيف بن علي بن عبد الكافي السنباطي، تحرير السلوك في تدبير الملوك المخطوط، بدون ذكر سال طبع و محل نشر، ب ت.
١٢٣. قوروي، أحمد بن محمد بن أحمد بن جعفر بن حمدان أبو الحسين، التجريد للقدوري، دار السلام - القاهرة، الطبعة: الثانية، ١٤٢٧ هـ - ٢٠٠٦م.
١٢٤. قرضاوي، دكتور يوسف، عبادت در اسلام ب ت، مترجم: محمد ستاري خرقاني

١٢٥. القرطبي، أبو الحسن علي بن خلف بن عبد الملك بن بطل البكري القرطبي، شرح صحيح البخارى - لابن بطل، تحقيق: أبو تميم ياسر بن إبراهيم، دار النشر: مكتبة الرشد - السعودية الرياض - ١٤٢٣هـ - ٢٠٠٣م، الطبعة: الثانية.

١٢٦. قرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين (المتوفى: ٦٧١ هـ) الجامع لأحكام القرآن باب تابع تفسير سورة البقرة، ٢٢٦/٣، تحقيق، هشام سمير البخاري الناشر: دار عالم الكتب، الرياض، المملكة العربية السعودية، الطبعة: ١٤٢٣ هـ/ ٢٠٠٣ م، مصدر الكتاب: موقع مكتبة المدينة الرقمية، <http://www.raqamiya.org>

١٢٧. قزويني، محمد بن يزيد أبو عبدالله، سنن ابن ماجه، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار الفكر - بيروت، ب ت.

١٢٨. قضاعي، محمد بن سلامة بن جعفر أبو عبد الله، مسند الشهاب، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة الثانية، ١٤٠٧ - ١٩٨٦، تحقيق: حمدي بن عبد المجيد السلفي، ب ت.

١٢٩. قطب، سيد، فى ظلال القرآن فارسى، ترجمه دكتور مصطفى خرم دل، نشر احسان، تهران، چاپ دوم، ١٣٨٧.

١٣٠. كاساني الحنفي، علاء الدين، أبو بكر بن مسعود بن أحمد الحنفي، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، الناشر: دار الكتب العلمية الطبعة: الثانية، ١٤٠٦ هـ - ١٩٨٦ م.

١٣١. كتاني، الشيخ عبد الحي، نظام الحكومة النبوية المسمى التراتيب الإدارية، الناشر دار الكتاب العربي، مكان النشر بيروت، ب ت.

١٣٢. الكليبولي، عبد الرحمن بن محمد، مجمع الأنهر في شرح ملتقى الأبحر، الناشر دار الكتب العلمية، سنة النشر ١٤١٩ هـ - ١٩٩٨ م، مكان النشر لبنان/ بيروت، ب ت.

١٣٣. لجنة مكونة من عدة علماء وفقهاء في الخلافة العثمانية، مجلة الأحكام العدلية المحقق: نجيب هوأويني الناشر: نور محمد، كارخانه تجارتي كتب، آرام باغ، كراتشي، ب ت.

١٣٤. ماوردي، أبو الحسن علي بن محمد بن حبيب الماوردي البصري، تفسير الماوردي النكت والعيون موافق للمطبوع، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان، ب ت.

١٣٥. ماوردي، أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري البغدادي، الشهير بالماوردي (المتوفى: ٤٥٠ هـ)، الحاوي في فقه الشافعي، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى ١٤١٤ هـ - ١٩٩٤ م.

١٣٦. الماوردي، الأحكام السلطانية، مصدر الكتاب: موقع الإسلام، <http://www.al-islam.com>



١٣٧. مجموعه اى از علماء، فقه آسان در پرتو كتاب و سنت به صورت سؤال و جواب تهيه و ترجمه: سايت نوار اسلام
١٣٨. مجموعه من العلماء يتكون ، الدرر السننية في الكتب النجدية، ب.ت.
١٣٩. محلي، جلال الدين محمد بن أحمد المحلي و جلال الدين عبدالرحمن بن أبي بكر السيوطي، الناشر: دار الحديث – القاهرة، الطبعة الأولى، ب.ت.
١٤٠. محمد معين، فرهنگ معين يك جلدی فارسی، ناشر زرین، چاپ سوم، ١٣٨٦.
١٤١. مخلص هروی، عبد الرؤف، تفسير أنوار القرآن ب.ت.
١٤٢. المرغيناني، علي بن أبي بكر بن عبد الجليل، أبو الحسن برهان الدين، الهداية في شرح بدايه المبتدى، المحقق: طلال يوسف، الناشر: دار احياء التراث العربي – بيروت، ب.ت.
١٤٣. مصطفى، ديب البغا الميداني دمشقي الشافعي، التذهيب في أدلة متن الغاية والتقريب المشهور بمتن أبي شجاع في الفقه الشافعي، الناشر: دار ابن كثير دمشق – بيروت الطبعة: الرابعة، ١٤٠٩ هـ - ١٩٨٩ م.
١٤٤. مصطفى خرم دل، تفسير نور، تاريخ نشر ١٣٧٢ هـ ش، محل نشر تهران، ناشر احسان
١٤٥. مناوي، الإمام الحافظ زين الدين عبد الرؤف، التيسير بشرح الجامع الصغير، دار النشر / مكتبة الإمام الشافعي - الرياض - ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٨ م، الطبعة: الثالثة، ب.ت.
١٤٦. مناوي، محمد عبد الرؤف، التوقيف على مهمات التعاريف، الناشر: دار الفكر المعاصر , دار الفكر - بيروت , دمشق الطبعة الأولى، ١٤١٠، تحقيق: د. محمد رضوان الداية، ب.ت.
١٤٧. المؤتمر الاسلامي، مجلة مجمع الفقه الاسلامي التابع لمنظمة المؤتمر الاسلامي بجدة، ١٢ / ١٨٢٨: <http://www.ahlalhdeth.com>
١٤٨. نجدي، عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي الحنبلي، حاشية الروض المربع شرح زاد المستنقع، الطبعة: الأولى – ١٣٩٧ هـ.
١٤٩. النمري، أبو عمر يوسف بن عبد الله بن عبد البر، الاستنكار الناشر: دار الكتب العلمية – بيروت، الطبعة الأولى، ١٤٢١ – ٢٠٠٠، تحقيق: سالم محمد عطا، محمد علي معوض، ب.ت.
١٥٠. نيسابوري، أبو إسحاق أحمد بن محمد بن إبراهيم الثعلبي، الكشف والبيان - موافق للمطبوع، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان - ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠٢ م الطبعة: الأولى.
١٥١. نيسابوري، أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري، الجامع الصحيح المسمى صحيح مسلم، الناشر: دار الجيل بيروت + دار الأفاق الجديدة - بيروت، ب.ت.

١٥٢. نيسابوري، محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم، المستدرك على الصحيحين، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، عدد الأجزاء: ٤، مع الكتاب: تعليقات الذهبي في التلخيص، الناشر: دار الكتب العلمية – بيروت، الطبعة الأولى، ١٤١١ – ١٩٩٠.
١٥٣. وري، علاء الدين علي بن حسام الدين المتقي الهندي البرهان، كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، الطبعة: الطبعة الخامسة، ١٤٠١هـ/١٩٨١م، ناشر مؤسسة الرسالة
١٥٤. وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت، الموسوعة الفقهية الكويتية، ب ت.

## Summary of the Research

This research has been conducted to describe and clear the responsibilities of a society and a government in a society regarding providing food for the poors and people who are in need (recivers of food).

Based on the degree of its importance, this chapter has been classified into different sections containing preface, three chapters and finally conculosion. Each of them consist their own contents and discussion. At the end of the this discussion, finding of the research, suggestions, contents of Quran verses and hadith Nabawi and related bibliography have been placed and arranged.

In the first chapter, providing for one's wife and his children which is mandatory and is categorized in families issues has been discussed.

It has been described in the light of Quran verses and Hadith.

In the second chapter one's responsibilities regarding providing food for the poors and people who are in need in their socities as well as their families have been discussed. It has been decribed in the light persuading encourag- ing of holly Quran verses and Hadith. In the third chapter, government's re- sponsibilities regarding supporter and definder of the rights of the society for providing food to the poors, orphans and the people who are need, out of minds and addicted to hashish and narcoticets have been discussed. Effort have been made to explain them in the light of Islamic bases, Quran verses and based on the behavior of the prophet Mohammad (PBUH) four caliphs of of the prophet and HiJtehads.

Islamic governments are perfect rygime in a society and have established fair principles based on the Justies. It is clear in Islam that who is accounta- ble for what.

Mean while, Islam requires from the people in a society to know which con- dition every person and family is and has clarified. Every one's responsibili-

ties to each other. Islam has assigned every one's responsibilities to further strengthen social relations and focus on unity among Muslims.

According to Islam, people's food in an Islamic society is provided as follows.

- For the young and non-adults, it is the father's responsibilities and for the wife, it is the husband's responsibilities.
- Rich people are responsible for their own food and meals.
- Rich people are responsible for providing food to their relatives who are in need.
- Islam emphasizes rich people to secure and provide food to their relatives who are in need. The aim is that Islam is emphasizing sympathy.
- Rich people are responsible to secure and prepare food not only to their relatives who are in need but also to others who are in lack of money and food.

Meanwhile, Islam is emphasizing on Islamic governments to take responsibilities to provide and secure food to the poor people who are in need, people who are addicted to narcotics and people who are out of mind. In case that one dies and does not have a descendant, governments have the right to take the heritage and are responsible to submit and hand it to the government's storages and stocks that is why governments are considered to be responsible to look after the poor and people who are in need. And Islam orders the governments to ensure a comfortable life and provide food for them.



**Salam University**  
**Faculty of Sharia and Law**  
**Master Program in Jurisprudence & Law**



**Islamic Republic of Afghanistan**  
**Ministry of Higher Education**  
**Private Universities Presidency**

# **Seurance aliment in Islamic society**

**A Master's thesis**

**Student: Mujeb agha (Mowahed)**

**Supervisor: Dr.Abdullah(Haqyar)**

**Year: ۲۰۱۷**



**Salam University**

**Faculty of Sharia & Law**

**Master Program in Jurisprudence & Law**



**Islamic Republic of Afghanistan**

**Ministry of Higher Education**

**Private Universities Presidency**

# **Seurance aliment in Islami society**

**A Master's Thesis**

**Student: Mujeb agha Mowahed**

**Supervisor: Dr. Abdullah Haqyar**

**Year: ۲۰۱۷**